

زنگ خطر اقلیمی

مجموعه گزارش‌ها و یادداشت‌هایی با موضوع

- بانکداری سبز
- اینترنت اشیا در بانکداری
- مشارکت در مدیریت
- هوش مصنوعی در مدیریت مالی
- بحران کم‌آبی در ایران





چک الکترونیک



بانک خاورمیانه
Middle East Bank



www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir

چکاد (چک امن دیجیتال)، نسل جدید چک‌های بانکی است که به جای استفاده از کاغذ، به صورت دیجیتال صادر می‌شود. این چک با استفاده از امضای دیجیتال و بسترهای امن بانکی اعتبار پیدا می‌کند و از مزایایی مانند امنیت بالا، سرعت زیاد در پردازش، کاهش هزینه‌ها و سهولت استفاده برخوردار است. چک‌های دیجیتال مانند چک‌های کاغذی دارای شماره صیاد بوده و تمامی قوانین و مقررات چک کاغذی در مورد آنها نیز صدق می‌کند؛ همچنین تمامی امکانات مانند صدور، انتقال و دریافت وجه چک به صورت دیجیتال انجام می‌شود. این چک‌ها برخلاف چک‌های کاغذی به حضور فیزیکی صادرکننده و دریافت‌کننده نیاز نداشته و با صدور و ثبت همزمان، نگرانی از گم یا دزدیده شدن چک را به صفر می‌رسانند.

بانک خاورمیانه
Middle East Bank



برای جلوگیری از قطع برق، هوشمندانه مصرف کنیم.

مطالب این شماره

شماره ۳۸ | خرداد ۱۴۰۴

زنگ خطر اقلیمی
برای اقتصاد

۵

بانکداری سبز

۸

بانکداری با اشیا

۱۰

داستان یک قانون

۱۲

مقابله روسی

۱۴

بانکداری در گذار

۶

خردبازخورد

۱۶

مدیرمالی هوشمند

۱۸

توانمندسازی هوشمند

۲۰

مشارکت در مدیریت

۲۲

کسب و کار

عطش زمین

۲۶

هنر پذیرش بازخورد

۲۸

زیست بوم کاروکسب

۲۴

صدای آرام حمل و نقل

۲۹

استخدام نداریم

۳۰

انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران

۳۲

بازنشستگی ممنوع

۳۶

اقتصاد

اینفوگرافیک

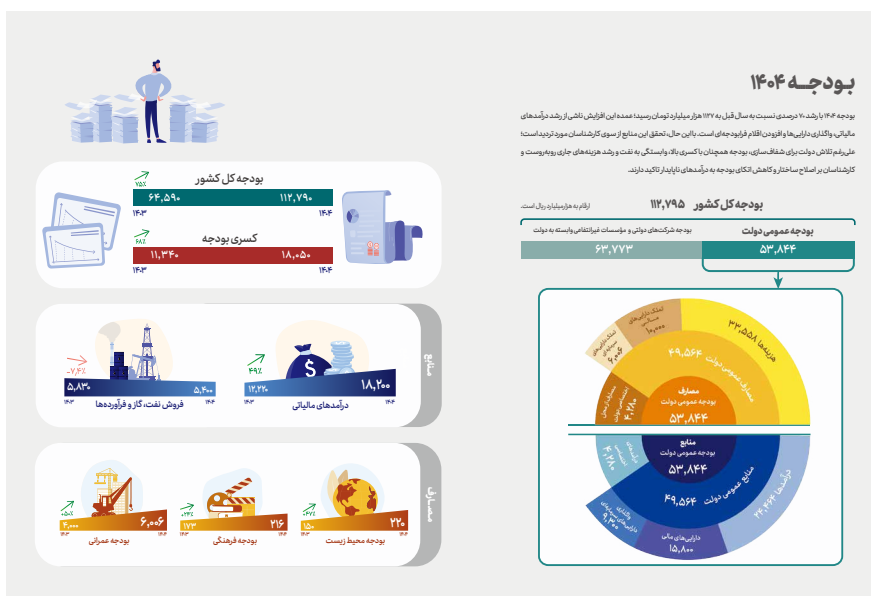
بودجه ۱۴۰۴

۳۴

تورم
در خدمت دولت‌ها

۳۸

اخبار



سردبیر: محسن کریمی

دبیر تحریریه: محمدحسن هاشم خانلو
گرافیکست و صفحه آرا: زینب خسروی

- آفتاب خاورمیانه یک نشریه داخلی و مستقل است که تمامی حقوق آن به بانک خاورمیانه تعلق دارد.
- مسئولیت مطالب نشریه با پدیدآورندگان است و انتشار آنها لزوماً به معنی تایید تمام یا بخشی از مطالب نیست.
- نقل مطلب از نشریه با ذکر منبع مانعی ندارد.
- منابع در آرشيو نشریه موجودند.

دیدگاه‌ها و مقالات خود را از طریق پست الکترونیک یا به نشانی پستی برای ما ارسال کنید، یا با ما تماس بگیرید.

نشانی: تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان پنجم، شماره ۲
ساختمان مرکزی بانک خاورمیانه
کد پستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷
تهران، صندوق پستی: ۴۴۴۵-۱۵۸۷۵
تحریریه آفتاب خاورمیانه: ۴۲۱۷۸۵۵۶ (۰۲۱)

بانک خاورمیانه

تلفن: ۴۲۱۷۸۰۰۰ (۰۲۱)

فکس: ۹۱۲۱۲۳۸۳ (۰۲۱)

پیام کوتاه: ۳۰۰۴۲۱۷۸

امور سهامداران: ۴۲۱۷۸۰۲۰ (۰۲۱)

آشنا (مرکز ارتباط مشتریان): ۴۲۵۵۷ (۰۲۱)

رسیدگی به شکایات (مدیریت بازرسی): ۴۲۱۷۸۸۸۸ (۰۲۱)

www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir
twitter.com/MiddleEastbank
telegram.me/ME_Bank
instagram.com/ME.Bank
linkedin.com/company/middleeastbank



شرکت در نظرسنجی

با اسکن کردن کد روبرو می‌توانید در نظرسنجی نشریه آفتاب خاورمیانه شرکت کنید. از شما سپاسگزاریم که با پاسخگویی به سوالات نظرسنجی، به ارتقای کیفیت این نشریه کمک می‌کنید.



دانلود نشریه

برای دانلود نشریه آفتاب خاورمیانه QR را اسکن کنید.

برای دریافت فایل الکترونیکی نشریه، می‌توانید یک ایمیل با عنوان اشتراک آفتاب خاورمیانه به نشانی info@middleeastbank.ir ارسال فرمایید.

زنگ خطر اقلیمی برای اقتصاد



محسن کریمی
مدیر ارتباطات • بانک خاورمیانه

طبیعی را از نظر تبعات زیست محیطی و اجتماعی، به دقت ارزیابی کنند. در سال های اخیر، بانک ها در سراسر جهان اقدام های عملی مهمی برای مقابله با بحران های زیست محیطی و سازگاری با تغییرات اقلیمی انجام داده اند. این اقدام ها هم در سطح راهبردی و سیاست گذاری کلان بوده اند و هم در قالب پروژه ها و نوآوری های عملیاتی.

بانک هایی مانند HSBC، بانک جهانی و سیتی بانک، در صدور و مدیریت اوراق سبز (Green Bonds) مشارکت می کنند. این اوراق برای تامین مالی پروژه هایی مثل انرژی های تجدیدپذیر، حمل و نقل پاک، بازیافت آب و کاهش انتشار گازهای گلخانه ای استفاده می شوند.

بانک مرکزی انگلستان و بانک UBS سوئیس با طراحی مدل های "آزمون تنش اقلیمی (Climate Stress Testing)" تاثیر سناریوهای اقلیمی را بر سبد وام ها و دارایی های خود تحلیل می کنند. هدف این است که بفهمند اگر دما مثلاً ۲ درجه بیشتر شود، ارزش دارایی ها چه تغییری خواهد کرد؟ بانک BNP Paribas و بانک نروژ (DNB) تصمیم گرفته اند دیگر به صنایعی مانند زغال سنگ، استخراج نفت شیل یا جنگل زدایی تسهیلات ندهند. گلدمن ساکس، مورگان استنلی و برخی دیگر از بانک های اروپایی به طور داوطلبانه یا الزامی به چارچوب "گزارش دهی مالی مرتبط با اقلیم (TCFD)" پایبند شده اند. این گزارش ها به طور شفاف بیان می کنند که ریسک های اقلیمی در تصمیم گیری مالی چه نقشی دارند.

برخی بانک ها مانند ING، Triodos Bank، بانک توسعه آسیایی (ADB) محصولاتی سبز طراحی کرده و در استراتژی کلان کل مدل کسب و کار خود را حول پایداری بازسازی کرده اند.

بانک توسعه اسلامی (IDB) و بانک توسعه آفریقا (AfDB) در پروژه های مرتبط با مدیریت منابع آب، آبیاری هوشمند، احیای تالاب ها و کشاورزی مقاوم به تغییر اقلیم در کشورهای در حال توسعه، سرمایه گذاری کرده اند. در ایران نیز هرچند هنوز تا شکل گیری ساختارهای نهادینه فاصله داریم، اما نشانه هایی از توجه به ریسک های اقلیمی در برخی بانک های تجاری و توسعه ای دیده می شود. ورود به حوزه بانکداری سبز، طراحی محصولات مالی مرتبط با انرژی های تجدیدپذیر و بررسی اثرات اقلیمی پروژه های بزرگ عمرانی، می توانند نقطه شروع حرکت به سوی سازگاری با واقعیت های جدید اقلیمی باشد.

بانک ها، به ویژه در کشورهای در معرض تنش های محیط زیستی نظیر ایران، باید درک کنند که سکوت یا تعلل در قبال این ریسک ها، هزینه هایی به مراتب سنگین تر از اقدامات پیشگیرانه خواهد داشت. ایجاد سازوکارهای داخلی برای ارزیابی ریسک های آب و هوایی، آموزش کارکنان در حوزه مالی پایدار، طراحی محصولات مالی سبز و ایجاد خطوط اعتباری تشویقی برای پروژه های سازگار با اقلیم، تنها بخشی از اقداماتی است که می توانند بانک را از یک ناظر منفعل به یک بازیگر تحول ساز تبدیل کنند. ■

کیم استنلی رابینسون رمانی واقع گرایانه و پر از داده های علمی و اقتصادی دارد به نام "وزارت آینده"؛ او در این کتاب آینده ای نزدیک را روایت می کند که در آن تغییرات اقلیمی بحرانی جهانی شده و اقتصاد و معیشت مردم را دگرگون کرده است. برای مقابله با این پدیده، نهادی به نام "وزارت آینده" تشکیل می شود تا راه حل هایی برای بقا و عدالت اقلیمی پیدا کند. در قسمتی از کتاب، "وزیر آینده" به یک اقتصاددان می گوید: «در این شرایط، سرمایه گذاری در صنایع آلاینده به طور کامل غیرمنطقی است. سیستم های مالی باید به سمت پروژه های سبز حرکت کنند. بانک ها و نهادهای مالی باید زیرساخت های جدید را تامین مالی کنند.» اقتصاددان پاسخ می دهد: «این برای بسیاری از نهادهای مالی به ویژه بانک های بزرگ، ریسک زیادی به همراه خواهد داشت. این تغییرات برای بازارها وحشتناک است. باید بپذیریم که روند انتقال از انرژی های فسیلی به انرژی های تجدیدپذیر به صورت کوتاه مدت سخت خواهد بود.» وزیر هشدار می دهد: «اما دیگر چاره ای نداریم. اگر می خواهیم از فروپاشی اقلیمی جلوگیری کنیم، باید تمام تمرکزمان را به سمت تامین مالی پایدار و کاهش کربن بگذاریم.»

در دهه های اخیر، موضوع تغییرات اقلیمی از یک نگرانی صرفاً زیست محیطی به یکی از ریسک های سیستماتیک در ساختار اقتصاد جهانی تبدیل شده است. صنعت بانکداری نیز به عنوان یکی از ارکان مهم نظام مالی، در معرض این ریسک ها قرار دارد و نمی تواند نسبت به پیامدهای آن بی تفاوت بماند. بانک ها نه تنها باید از منظر اقتصادی سودآور باقی بمانند، بلکه باید نقش فعالی در شکل دهی به آینده ای پایدار ایفا کنند.

در کشورهای درگیر بحران اقلیمی مثل ایران، یکی از خطرات روبه افزایش، بحران آب است. کاهش منابع آب تجدیدپذیر، افت شدید سطح آب های زیرزمینی و خشک شدن دریاچه ها و رودخانه ها، نه تنها زندگی میلیون ها نفر را تهدید می کند، بلکه ریسک جدی برای پروژه های وابسته به منابع آبی مانند کشاورزی، صنایع غذایی و غیره ایجاد کرده است. در چنین شرایطی، بانک ها باید شاخص های محیط زیستی از جمله پایداری منابع آب را به صورت نظام مند در ارزیابی های اعتباری خود وارد کنند.

افزون بر آن، جنگل زدایی گسترده و نابودی تالاب ها نیز به عنوان یکی دیگر از عوامل تشدیدکننده بحران اقلیمی، ریسکی جدی برای نظام مالی محسوب می شود. تخریب جنگل ها نه تنها ظرفیت جذب کربن را کاهش می دهد، بلکه موجب افزایش وقوع سیل، نابودی تنوع زیستی و ناپایداری منابع طبیعی می شود. در مناطقی که جنگل زدایی با سرعت بالا در حال انجام است، پروژه هایی که به این پدیده دامن می زنند، می توانند در آینده با فشارهای قانونی، جریمه های مالی یا حتی ورشکستگی مواجه شوند. از همین رو، بانک ها باید پروژه های مرتبط با کاربری اراضی و بهره برداری از منابع

بانکداری در گذار

صنعت بانکداری با اتصال میلیون‌ها دستگاه هوشمند به یکدیگر، در حال تحول است؛ دستگاه‌هایی که از خودپردازها و کارت‌های هوشمند شروع می‌شوند و به ساعت‌ها و عینک‌های مشتریان ختم می‌شوند. اینترنت اشیا دیگر یک فناوری آزمایشی نیست، بلکه جریانی زنده است که هر لحظه داده‌های بی‌شماری را به شبکه تزریق می‌کند؛ داده‌هایی که با شناخت نیازهای مشتریان و شخصی‌سازی خدمات، تجربه بسیار بهتری برای آنها رقم می‌زنند.

تصور کنید زمانی که مشتری وارد شعبه بانک می‌شود، پیش از آنکه فرمی پر کند یا منتظر بماند، سیستم با تحلیل داده‌های دریافتی از مشتری، نیازش را پیش‌بینی کرده و خدمت‌رسانی به او را به بهینه‌ترین شکل طراحی می‌کند؛ این سطح از شخصی‌سازی نه رویایی دور، بلکه یک ضرورت تجاری در دنیای امروز است. اینترنت اشیا در پشت‌صحنه نیز ماشینی بی‌صدا و قدرتمند است که عملیات بانکی را از اساس متحول کرده است؛ خودپردازها با حسگرهایی که کوچک‌ترین لرزش یا تغییر دما را ثبت می‌کنند، قبل از خرابی، خودشان درخواست تعمیر می‌دهند. سیستم‌های اعتبارسنجی نیز به جای تکیه بر فرم‌های محدود کلاسیک، ابعاد گسترده رفتار مشتریان را می‌سنجند؛ مصرف انرژی خانه، عادات رانندگی خودرو، حتی تعداد قدم‌های روزانه که می‌تواند احتمال بازپرداخت تسهیلات را با دقت بالاتر پیش‌بینی کند.

امنیت اما فصل دیگری از این داستان است. کلاهبرداری و هک با شبکه‌ای از حسگرهای هوشمند خنثی می‌شوند. کارتی که ناگهان در قاره‌ای دیگر استفاده شود، بلافاصله سیستم را آگاه می‌کند. احراز هویت نیز دیگر محدود به رمز عبور نبوده و با ترکیبی از اثر انگشت، تشخیص چهره و حتی الگوی راه رفتن مشتری، سدی نفوذناپذیر می‌سازد.

آینده از آن بانک‌هایی است که داده‌های بیشتری را گردآوری کرده و به خدمت می‌گیرند؛ بانک‌هایی که می‌دانند باید همه نیازها و ویژگی‌های انسانی مشتریان خود را در نظر بگیرند.

اینترنت اشیا دریچه‌ای به دنیای جدیدی است که در آن، بانک‌ها موجوداتی زنده‌اند که با هر ضربان مشتری، هوشمندتر می‌شوند. شاید روزی برسد که شعبه‌های فیزیکی به موزه‌ها برونند، اما بانکداری هرگز نخواهد مُرد؛ فقط در قالب دیجیتالی جدیدی نفس می‌کشد که هر روز بیشتر به زندگی انسان‌ها گره می‌خورد. ■



بانکداری سبز



بانکداری با اشیا



داستان یک قانون



مقابله‌روسی

بانکداری سبز

نقش زیست محیطی بانکها



محدثه دهباشی
خبرنگار و مترجم فناوری مالی

خدمات مالی)، حمایت از اقشار کم درآمد و رعایت حقوق بشر در زنجیره تامین است. در این بخش تمرکز بر عدالت اجتماعی، رفاه عمومی و حقوق بشر قرار دارد، مانند:

- تسهیلات مالی برای اقشار آسیب پذیر: ارائه حسابهای بانکی بدون کارمزد یا وامهای خرد برای کسب و کارهای کوچک و افراد کم درآمد.
- توسعه خدمات مالی در مناطق محروم: مانند بانکداری سیار یا دیجیتال در روستاها برای ارتقای شمول مالی
- سرمایه گذاری در پروژه های اجتماعی: مانند مسکن های مقرون به صرفه، مدارس، مراکز درمانی یا پروژه های کشاورزی ارگانیک
- **حکمرانی (Governance)** شامل شفافیت، مبارزه با فساد و رعایت اصول اخلاقی در مدیریت است. در این حوزه بانک ها به شفافیت، پاسخگویی و رعایت اصول اخلاقی متعهد می شوند، مانند:
- گزارش دهی شفاف سرمایه گذاری ها
- سیاست های ضد فساد و پولشویی با استقرار سیستم های نظارتی قوی برای جلوگیری از تخلفات مالی
- تضمین تنوع جنسیتی و شفافیت در هیات مدیره و تصمیم گیری ها

چند نمونه موفق از بانکداری سبز در دنیا

گروه بانکی HSBC

بانک HSBC یکی از پیشگامان در حوزه بانکداری سبز محسوب می شود. این بانک بریتانیایی متعهد شده تا سال ۲۰۵۰ میزان انتشار کربن خود را به صفر برساند. از جمله اقدامات برجسته آن می توان به ارائه تسهیلات مالی برای پروژه های انرژی تجدید پذیر، توقف تامین مالی شرکت های زغال سنگی و توسعه ابزارهای مالی پایدار مانند اوراق قرضه سبز اشاره کرد. یکی از نمونه های قابل توجه این اقدامات، تامین مالی ۱۰۶ میلیون پوندی پروژه Worship Square در لندن است. این ساختمان اداری با مساحت حدود ۱۳ هزار متر مربع، بدون آلودگی کربنی (با کربن خالص صفر) طراحی شده و ویژگی های پایداری برجسته ای دارد، از جمله:

- کارایی انرژی بالا: استفاده از پمپ های حرارتی منبع هوا با کارایی بالا و مدیریت هوشمند انرژی
- تولید انرژی تجدید پذیر: نصب ۷۱ متر مربع پنل های خورشیدی فوتوولتائیک برای تولید انرژی در محل
- ویژگی های بیوفیلیک: شامل لابی با گیاهان زنده، باغ روی پشت بام و ۳،۲۰۰ گیاه در سراسر ساختمان
- کاهش انتشار کربن: انتشار کربن اولیه این ساختمان ۴۸۰ کیلوگرم دی اکسید کربن در هر متر مربع و بیش از ۵۰ درصد کمتر از خط مبنای LETI ۲۰۲۰ برای ساختمان های اداری است.

در دوران گذار به اقتصاد کم کربن، نظام بانکی جهانی با بازتعریف اساسی نقش خود روبه روست؛ اکنون بانک ها از نقش سنتی خود به عنوان واسطه گران مالی فراتر رفته اند و به بازیگران کلیدی در تحقق اهداف توسعه پایدار تبدیل شده اند. با این تحول اساسی، «بانکداری سبز» از یک انتخاب داوطلبانه به یک ضرورت راهبردی در صنعت مالی تبدیل شده است.

مسئولیت اجتماعی بانکها

تغییرات اقلیمی و نابرابری های اجتماعی به چالش های اصلی عصر ما تبدیل شده و بانک ها به عنوان بازیگران کلیدی در اقتصاد جهانی، نقش مهمی در پایداری محیط زیست، توسعه اجتماعی و شفافیت حاکمیتی ایفا می کنند. در این شرایط مفاهیم بانکداری سبز و مسئولیت اجتماعی شرکتی (CSR) در قالب اصول محیط زیستی، اجتماعی و حاکمیتی (ESG) به معیارهای کلیدی در ارزیابی بانک ها تبدیل شده است.

شواهد نشان می دهد که سرمایه گذاری در پروژه های پایدار نه فقط به خاطر دلایل اخلاقی، بلکه با توجه به معیارهای اقتصادی، ضرورت پیدا کرده است. شبکه بانکداری پایدار سازمان ملل (UNEP FI) پیش بینی می کند، تا سال ۲۰۳۰ میلادی، بازار فرصت های سرمایه گذاری پایدار به ۱۲ تریلیون دلار خواهد رسید. در این میان، بانک ها با هدایت جریان سرمایه به سمت فعالیت های کم کربن، نقشی محوری در شکل دهی به آینده اقتصاد جهانی ایفا می کنند.

بانکداری سبز

بانکداری سبز به مجموعه اقداماتی گفته می شود که بانک ها برای کاهش اثرات منفی زیست محیطی و اجتماعی فعالیت های خود و مشتریان شان انجام می دهند. این مفهوم سه رکن اصلی دارد:

- **محیط زیست (Environmental)** شامل کاهش رد پای کربن، حمایت از انرژی های تجدید پذیر و اجتناب از سرمایه گذاری در صنایع آلاینده است. در این حوزه، بانک ها تلاش می کنند تا اثرات منفی زیست محیطی خودشان و مشتریان را کاهش دهند، مانند:
- ارائه تسهیلات با بهره پایین برای پروژه های سبز مانند انرژی خورشیدی یا بادی، خودروهای برقی و ساختمان های کم مصرف
- حذف سرمایه گذاری در صنایع آلاینده مانند سوخت های فسیلی، زغال سنگ و استخراج معادن با تاثیر شدید
- کاهش مصرف منابع در شعب بانک مانند کاهش مصرف کاغذ، سیستم های هوشمند مصرف انرژی و نصب پنل های خورشیدی در ساختمان ها
- **اجتماعی (Social)** شامل ارتقای شمول مالی (دسترسی به محصولات و

بانک گلدمن ساکس

این بانک آمریکایی، برای حمایت از مشاغل کوچک، توسعه کارآفرینی زنان و اقلیت‌ها و تامین مالی پروژه‌های زیرساختی پایدار، برنامه‌هایی اجرا کرده است. گلدمن ساکس همچنین در آموزش مالی به جوامع کم‌درآمد سرمایه‌گذاری کرده و به افزایش دسترسی به خدمات بانکی برای اقشار محروم کمک می‌کند.

گلدمن ساکس به همراه جی‌پی مورگان و بی‌ان‌پی پارibas، اخیراً بیش از یک میلیارد دلار تامین مالی برای شش پروژه انرژی تجدیدپذیر در ایالات متحده فراهم کردند. این پروژه‌ها شامل ۹۵۰ مگاوات انرژی خورشیدی و ۳۵۳ مگاوات انرژی بادی هستند که در مناطق مختلفی از جمله MISO، ERCOT و SPP احداث خواهند شد. این تامین مالی یکی از بزرگ‌ترین معاملات برای شرکت Engie در آمریکای شمالی بوده و نشان‌دهنده تعهد گلدمن ساکس به توسعه زیرساخت‌های پایدار و حمایت از انرژی‌های پاک است.

بانک ICBC

بانک صنعتی و تجاری چین (ICBC) به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین بانک‌های جهان، در توسعه پایدار نقش فعالی دارد. این بانک در پروژه‌های اجتماعی مانند حمایت از تحصیل کودکان، توسعه روستاهای فقیر و ارائه وام‌های کم‌بهره به کسب‌وکارهای کوچک و متوسط شرکت داشته است. همچنین ICBC در حمایت از پروژه‌های سبز و کاهش آلودگی صنعتی، سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای انجام داده است.

یکی از اقدامات این بانک، صدور اوراق قرضه سبز به ارزش ۵۰ میلیارد یوان در دسامبر ۲۰۲۳ است. در آن سال، ICBC با انتشار اوراق قرضه سبز به ارزش ۵۰ میلیارد یوان گامی مهم در تامین مالی پروژه‌های محیط‌زیستی برداشت. این اوراق برای حمایت از پروژه‌هایی مانند صرفه‌جویی در انرژی، حفاظت از محیط زیست، "تولید پاک"، انرژی‌های تجدیدپذیر و به‌روزرسانی زیرساخت‌های سبز استفاده می‌شود.



گروه بانکی Nordea

نوردیا، بزرگ‌ترین گروه بانکی در منطقه اسکاندیناوی، در بهبود شفافیت مالی و حاکمیت شرکتی پیشرو است. این بانک از فناوری‌های نوین برای مقابله با جرائم مالی استفاده و گزارش‌های منظمی درباره میزان پیشرفت خود در زمینه ESG منتشر می‌کند. در سپتامبر ۲۰۲۲، نوردیا اوراق قرضه‌ای به ارزش ۴۰۰ میلیون دلار آمریکا منتشر کرد که اولین در نوع خود بود و درآمد آن به‌طور اختصاصی برای تامین مالی وام‌های

مرتبط با پایداری اختصاص یافت. این وام‌ها به شرکت‌هایی اعطا می‌شد که اهداف مشخصی در زمینه پایداری (مانند کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای یا بهبود کارایی انرژی) را دنبال می‌کردند.

بانک Triodos

این بانک اروپایی یکی از شناخته‌شده‌ترین نمونه‌های بانکداری سبز است که در پروژه‌های اجتماعی و زیست‌محیطی سرمایه‌گذاری می‌کند. تریودوس از سال ۱۹۸۰ تاکنون بیش از ۱۲ میلیارد یورو در انرژی‌های تجدیدپذیر، کشاورزی ارگانیک و مسکن پایدار سرمایه‌گذاری کرده است. این بانک گزارش دقیق تمامی تسهیلات پرداختی خود را منتشر می‌کند تا مشتریان بدانند سپرده‌هایشان در چه زمینه‌هایی هزینه می‌شود. یکی از پروژه‌های اخیر این بانک، سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مسکن اجتماعی در هلند است. این پروژه‌ها با هدف ایجاد مسکن مقرون‌به‌صرفه و پایدار برای اقشار کم‌درآمد طراحی شده و از استانداردهای بالای بهره‌وری انرژی برخوردارند. تریودوس با تامین مالی این پروژه‌ها، نقش مهمی در ارتقای کیفیت زندگی و حفظ محیط‌زیست ایفا می‌کند.

علاوه‌براین، تریودوس به‌تازگی پلتفرم دیجیتال خود را به‌روزرسانی کرده است تا مشتریان بتوانند به‌راحتی مشاهده کنند که سرمایه‌گذاری‌هایشان در چه پروژه‌هایی استفاده می‌شود. این اقدام در راستای شفافیت مالی و افزایش اعتماد مشتریان به بانک انجام شده است. تمامی اینها نشان‌دهنده تعهد تریودوس به اصول بانکداری سبز و مسئولیت اجتماعی است.

بانک DBS

DBS به‌عنوان یکی از بانک‌های پیشرو در آسیا، با راه‌اندازی پلتفرم ESG Insights به مشتریان شرکتی خود کمک می‌کند تا عملکرد پایداری خود را بهبود بخشند. این بانک همچنین اولین صندوق سرمایه‌گذاری سبز در آسیا راه‌اندازی کرده و تاکنون بیش از ۵ میلیارد دلار در پروژه‌های پایدار سرمایه‌گذاری کرده است.

فرا‌تر از کارکسب

موفقیت در عصر جدید بانکداری دیگر تنها با شاخص‌های مالی سنجیده نمی‌شود. بانک‌هایی که امروز پایداری را در کانون استراتژی خود قرار می‌دهند، نه‌تنها به محافظان محیط زیست تبدیل می‌شوند بلکه پیشگامان تحول اقتصادی نیز خواهند بود. بانکداری سبز یک روند گذرا نبوده بلکه تحولی است که نشان از تغییر ذهنیت جهانی دارد. این رویکرد به بانک‌ها کمک می‌کند تا از نقش خود به‌عنوان واسطه‌های مالی فراتر رفته و به‌عنوان معماران تغییر عمل کنند. با این حال حرکت به سوی سبز شدن بدون چالش نیست؛ یکی از بزرگ‌ترین مشکلات، تضاد میان سودآوری کوتاه‌مدت و اهداف بلندمدت توسعه پایدار است. بسیاری از بانک‌ها هنوز با فشار سهام‌داران برای حداکثرسازی سود مواجه هستند که این موضوع می‌تواند تصمیم‌گیری‌های پایدار را تحت‌تاثیر قرار دهد. علاوه‌براین، نبود استانداردهای جهانی واحد برای ارزیابی پروژه‌های سبز و معیارهای ESG، باعث ایجاد ابهام و ناهمگونی در اجرای این رویکردها شده است. با این حال، امیدوارکننده است که بانک‌ها به‌تدریج در حال یافتن راه‌حل‌های این چالش‌ها هستند. این تغییرات نیازمند همکاری سه‌جانبه میان بانک‌ها، دولت‌ها و مشتریان است؛ ایجاد شبکه‌های همکاری بین‌المللی، توسعه ابزارهای مالی نوآورانه مانند اوراق قرضه سبز و افزایش آگاهی مشتریان و سهام‌داران از اهمیت مسئولیت اجتماعی، همه و همه به پیشرفت این حوزه کمک کرده‌اند. همان‌گونه که تغییرات اقلیمی رمز نمی‌شناسد، راهکارهای مالی هم باید فرامرزی باشد. انتخاب‌های امروز ما نه‌تنها سرنوشت صنعت بانکداری، که آینده کره زمین را رقم می‌زند. ■

بانکداری با اشیا

اینترنت اشیا در بانکداری

۱) ارتقای تجربه مشتری

اینترنت اشیا زمینه‌ساز ارائه خدمات آتی، هوشمند و شخصی‌سازی شده به مشتریان است. با این فناوری می‌توان بسیاری از فرآیندهای پرداخت را آسان‌تر کرد؛ مثلاً "پرداخت بدون تماس" (Contactless Payment) یا ابزارهایی مانند تلفن‌های همراه، ساعت یا دستبندهای هوشمند ممکن است. ابزارهای اینترنت اشیا همچنین با تحلیل داده‌های رفتاری مشتریان، درک بهتری از نیازهای آنها ارائه می‌دهد.



غزل بشیرزاده

کارشناس روابط کارگزاری و سوئیفت
بانک خاورمیانه

۲) بهینه‌سازی زیرساخت‌ها و عملیات داخلی

اینترنت اشیا امکان نظارت و پایش دائمی همه تجهیزات و سرمایه انسانی را فراهم کرده و از این طریق به بهینه‌سازی فرآیندها کمک می‌کند. یک نمونه از نتایج این قابلیت امکان برنامه‌ریزی هوشمند برای انتخاب محل حضور کارمندان در شعب با توجه به ساعات پرتردد و کاهش زمان انتظار مشتریان است. علاوه بر این، پایش دائمی تجهیزات می‌تواند با تعمیرات پیشگیرانه، از خرابی دستگاه‌هایی مانند خودپردازها جلوگیری کند.

۳) افزایش امنیت و کنترل مخاطرات

اینترنت اشیا امکان تقویت لایه‌های امنیتی را از طریق داده‌های بیومتریک (زیست‌سنجی)، موقعیت مکانی و رفتارشناسی فراهم می‌کند. به این ترتیب ضمن احراز هویت چندمرحله‌ای ترکیبی از فیزیکی و دیجیتال، فعالیت‌های مشکوک بلافاصله شناسایی شده و می‌توان امنیت مراکز بانکی را افزایش داد.

۴) خودکارسازی فرآیندها

ترکیب هوش مصنوعی با اینترنت اشیا (AIoT) امکان خودکارسازی بسیاری از فرآیندهای روزمره بانکی را فراهم می‌کند. به عنوان نمونه، در یک شعبه، سنسورهای محیطی میزان ازدحام را تشخیص می‌دهند و سیستم هوش مصنوعی به صورت خودکار نیروها را جابه‌جا کرده یا صف را بازطراحی می‌کند. با این فناوری خودپردازها به فناوری‌هایی نظیر تشخیص چهره و احراز هویت بیومتریک مجهز می‌شوند که علاوه بر ارتقای امنیت، سرعت و گستره خدمات را نیز افزایش می‌دهند.

۵) سایر کاربردهای اینترنت اشیا در بانکداری

اینترنت اشیا با مدیریت هوشمند انرژی، به کاهش آلودگی و صرفه‌جویی نیز کمک می‌کند. سیستم‌های تهویه، نور و امنیت تنها در صورت نیاز فعال می‌شوند و به این ترتیب، مصرف انرژی بهینه می‌شود.

۶) کاربردهای فعلی اینترنت اشیا در بانکداری جهانی

در سال‌های اخیر، بانک‌های بزرگ و پیشرو جهانی با بهره‌گیری از فناوری اینترنت اشیا، گام‌های مؤثری در راستای تحول دیجیتال برداشته‌اند. برای نمونه، جی‌پی مورگان چیس و سی‌تی‌بانک با پیاده‌سازی خودپردازهای هوشمند و تحلیل رفتار مشتری، امکان ارائه خدمات شخصی‌سازی شده را فراهم کرده‌اند. همچنین با استفاده از دستگاه‌های پوشیدنی مانند ساعت‌های هوشمند، امکان دسترسی بدون کارت به خدمات بانکی را در اختیار مشتریان قرار داده‌اند.

با توسعه چشمگیر فناوری در قرن بیست و یکم، شاهد افزایش موارد استفاده از بانکداری دیجیتال و تکنولوژی روز دنیا در این زمینه هستیم. مشتریان امروزه از بانک‌ها فقط انتظار خدمات پایه نظیر سپرده‌گذاری یا پرداخت را ندارند، بلکه خواهان تجربه‌ای هوشمند، ساده، سریع و شخصی‌سازی شده هستند. در این میان، فناوری اینترنت اشیا به عنوان یکی از عناصر کلیدی انقلاب صنعتی چهارم، در حال تغییر بنیادین در ماهیت خدمات بانکی است.

تعریف اینترنت اشیا و اجزای کلیدی آن

اینترنت اشیا (IoT: Internet of Things) پلی میان دنیای فیزیکی و دیجیتال است و امکان خدمات‌رسانی هوشمند و لحظه‌ای را برای مشتریان یا مخاطبان خود فراهم می‌کند. این فناوری، با استفاده از فناوری‌های ارتباطی و اینترنت، امکان تبادل اطلاعات و ارتباط را بین اشیا با یکدیگر برقرار می‌سازد. این اشیا (شامل حسگر، دستگاه‌های دیجیتال، وسایل نقلیه، ماشین‌آلات و وسایل خانگی) می‌توانند داده‌هایی را از محیط پیرامون خود جمع‌آوری و تحلیل کرده و براساس آن تصمیم‌گیری و اقدام کنند.

کاربردهای اینترنت اشیا

برخی از کاربردهای اینترنت اشیا در زندگی روزمره عبارت است از خانه‌های هوشمند (با تنظیم خودکار روشنایی، دما، امنیت و لوازم خانگی)، خودروهای هوشمند (با تشخیص مسیر و خطرات و کنترل از راه دور) و کمک به سلامت افراد (پایش ضربان قلب، خواب و فعالیت‌های ورزشی). در صنایع نیز از این فناوری در کشاورزی هوشمند (حسگر پایش رطوبت خاک، شرایط آب‌وهوایی و مصرف آب)، مدیریت زنجیره تامین (ردیابی لحظه‌ای موقعیت و شرایط حمل‌ونقل کالاها برای جلوگیری از خرابی یا تاخیر) و تولید صنعتی (مانیتورینگ نگهداری تجهیزات تولید برای افزایش بهره‌وری) استفاده می‌شود.

اینترنت اشیا در بانکداری

اینترنت اشیا با اتصال میلیاردها دستگاه به یکدیگر و به فضای دیجیتال، بستری فراهم کرده تا بانک‌ها بتوانند نیاز مشتریان را بهتر درک کرده و خدمات خود را با آنها تطبیق دهند. این فناوری به بانک‌ها کمک می‌کند تا به جای آنکه فقط به درخواست‌ها واکنش نشان دهند، قادر باشند با پیش‌بینی، بر مبنای تحلیل داده‌ها عمل کرده و تغییر کنند. همچنین سرعت ارائه خدمات بانکی به مشتریان با اینترنت اشیا بسیار بالا رفته و در هزینه‌های بانک‌ها نیز با استفاده از این فناوری صرفه‌جویی شده است.

۴) الگوریتم‌های تصمیم‌گیری و اتوماسیون (Decision-Making & Automation)

- داده‌های جمع‌آوری شده، توسط الگوریتم‌های هوشمند و با استفاده از الگوهای رفتاری و داده‌های تاریخی به نتایج زیر می‌رسند:
- پیش‌بینی نیاز مشتری و ارائه پیشنهادها مناسب
- مدیریت ترافیک مشتریان در شعب از طریق الگوریتم‌های توزیع منابع
- شناسایی رفتارهای مشکوک و ایجاد هشدار امنیتی
- صدور دستورات خودکار به دستگاه‌ها مثل روشن کردن سیستم تهویه یا افزایش موجودی خودپردازها

ریسک‌ها و چالش‌های اینترنت اشیا در بانکداری

هرچند اینترنت اشیا نوآوری‌های چشمگیری در صنعت بانکداری به همراه دارد، اما این فناوری با مخاطرات و چالش‌هایی همراه است که نمی‌توان از آنها غافل شد. در ادامه به برخی از مهم‌ترین آنها پرداخته می‌شود:

۱) خطرات و ریسک‌های امنیتی

- افزایش نقاط ورودی به شبکه، ریسک نفوذ را بیشتر می‌کند و احتمال افزایش سطح حملات سایبری را افزایش می‌دهد. از آنجا که دستگاه‌های اینترنت اشیا به شبکه‌های بانکی متصل می‌شوند، می‌توانند به نقاط ضعف بالقوه برای نفوذ هکرها تبدیل شوند. برخی از این خطرات عبارتند از:
- کلاهبرداری با جعل دستگاه‌ها
- هکرها ممکن است با مهندسی معکوس یا نفوذ به دستگاه‌های متصل، اطلاعات کاربری و مالی حساس را سرقت کنند.
- تقلب با استفاده از هوش مصنوعی: جعل صدا و تصویر (Deepfake) و الگوریتم‌های یادگیری ماشین می‌توانند برای ساخت هویت‌های جعلی و دسترسی غیرمجاز به خدمات بانکی به‌کار گرفته شوند. این خطر، به‌ویژه در ابزارهای احراز هویت بیومتریک، بسیار جدی است.
- نقض حریم خصوصی کاربران: جمع‌آوری داده‌های حساس از مشتریان مستلزم شفاف‌سازی سیاست‌های داده، دریافت رضایت آگاهانه و رعایت استانداردهای بین‌المللی حفاظت از داده است.

۲) چالش‌های فناوریانه و قانونی

- در مسیر پیاده‌سازی اینترنت اشیا در بانک‌ها، موانع زیرساختی و حقوقی متعددی وجود دارد:
- ناتوانی در یکپارچه‌سازی کامل سیستم‌ها: بسیاری از بانک‌ها همچنان از سامانه‌های قدیمی (موسوم به Legacy Systems) استفاده می‌کنند که با فناوری‌های جدید ناسازگارند. عدم یکپارچگی بین سیستم‌ها و تجهیزات می‌تواند مانع توسعه شود که راهکار آن، طراحی معماری ماژولار و تدوین استانداردهای مشترک است.
- نبود استانداردهای جهانی مشخص: تفاوت در پروتکل‌ها و استانداردهای فنی دستگاه‌های اینترنت اشیا باعث می‌شود پیاده‌سازی یکپارچه و ایمن دشوار باشد.
- ابهام‌های قانونی و مسئولیت‌پذیری: در صورت بروز خطا یا نشت اطلاعات از دستگاه‌های اینترنت اشیا، تعیین مسئولیت بین بانک، مشتری یا سازنده دستگاه می‌تواند چالش‌برانگیز باشد. همچنین قوانین حفاظت از داده‌ها در کشورهای مختلف، متفاوت است و رعایت آنها در یک اکوسیستم جهانی، پیچیدگی‌های فراوانی دارد.

۳) هزینه سرمایه‌گذاری

اجرای برخی فناوری‌های پیچیده نیازمند هزینه‌های ثابت ابتدایی کلان است و برای اجرای زیرساخت‌های مرتبط با اینترنت اشیا باید سرمایه‌گذاری اولیه بالایی صورت پذیرد. با این حال با راهکارهایی همچون اجرای مرحله‌ای پروژه‌ها و برنامه‌ریزی برای بازگشت تدریجی سرمایه می‌توان این مساله را تا حد بسیار زیادی بهبود بخشید. ■

در همین راستا، HSBC و Bank of America نیز با راه‌اندازی بانه‌های دیجیتال، حسگرهای محیطی و سیستم‌های خودکار، تجربه مراجعه حضوری به شعب را به‌شدت بهینه کرده و بسیاری از خدمات سنتی را به‌صورت دیجیتال ارائه می‌دهند.

از دیگر نمونه‌های موفق جهانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- Caixa Bank در اسپانیا با راهکارهای پرداخت هوشمند، ولز فارگو با ارائه خدمات بانکی از طریق اسباب‌بازی‌های متصل برای کودکان و Barclays با معرفی دستگاه‌های NFC برای پرداخت سریع و امن، توانسته‌اند کاربردهای نوآورانه‌ای از اینترنت اشیا در خدمات بانکی ارائه دهند.

زیرساخت فنی اینترنت اشیا

اینترنت اشیا به چهار زیرساخت فنی نیاز دارد:

۱) دستگاه‌های هوشمند (Smart Devices)

اینترنت اشیا به تجهیزات و دستگاه‌هایی نیاز دارد که نقش "حسگر" و "اجزای اجرایی" را ایفا کرده و در کنار گردآوری داده از محیط، براساس دستورات سامانه عمل می‌کنند. در حوزه بانکداری، این تجهیزات ارتباط مستقیم با مشتری دارند و اطلاعات ارزشمندی درباره تعاملات، نیازها و وضعیت محیط در اختیار سیستم‌های مرکزی قرار می‌دهند. در کنار تجهیزاتی مانند خودپردازها و دوربین‌های شعب، سایر دستگاه‌ها مانند ساعت‌ها و دستگاه‌های هوشمند نیز در این دسته جای می‌گیرند.

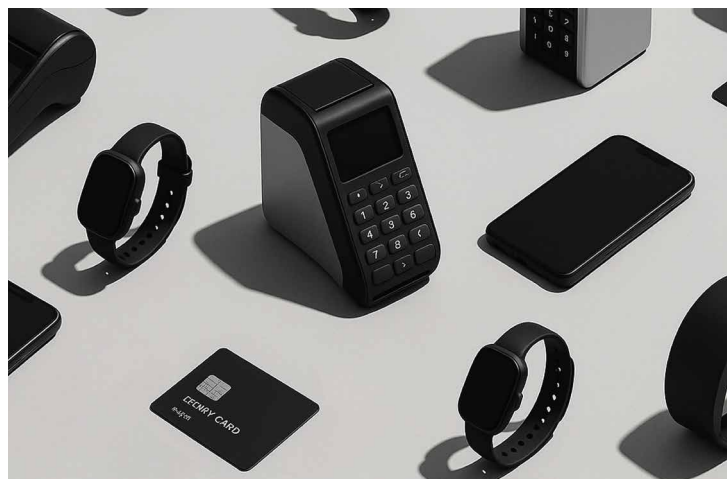
۲) زیرساخت ارتباطی (Connectivity)

- زیرساخت‌هایی که در اینترنت اشیا، داده‌ها را منتقل کنند عبارتند از:
- Wi-Fi برای اتصال داخلی در محیط شعب و دفاتر مرکزی
- Bluetooth / BLE برای ارتباط با دستگاه‌های مشتری در نزدیکی (مانند گوشی هوشمند یا ساعت هوشمند)
- NFC (Near Field Communication) برای پرداخت‌های بدون تماس و سریع
- RFID (Radio Frequency Identification) برای شناسایی اشیا یا اشخاص در شبکه‌های نسل چهارم و پنجم اینترنت برای انتقال داده‌های با سرعت بالا

۳) پلتفرم‌ها و نرم‌افزارهای تحلیلی (Platforms & Analytics Software)

پس از جمع‌آوری داده‌ها، لازم است اطلاعات پردازش، فیلتر و تحلیل شوند. این وظیفه برعهده پلتفرم‌ها و نرم‌افزارهایی است که به‌عنوان مغز سیستم عمل می‌کنند. ویژگی‌های کلیدی این نرم‌افزارها در بانکداری عبارتند از:

- تجزیه و تحلیل حجم عظیم داده‌ها (Big Data Analytics)
- یکپارچه‌سازی اطلاعات از منابع مختلف (Integration Platforms)
- داشبوردهای مدیریتی برای پایش لحظه‌ای شعب و رفتار مشتریان
- ارائه گزارش‌های لحظه‌ای جهت تصمیم‌گیری بهینه مدیران بانکی



داستان یک قانون

جهش تولید مسکن



محمدجواد سعیدی

کارشناس روابط عمومی • بانک خاورمیانه

را به بخش مسکن اختصاص دهند. در متن این قانون به صراحت اعلام شد که تسهیلات باید براساس نیاز سالانه مسکن در طرح‌ها و برنامه‌های اعلام شده وزارت راه و شهرسازی پرداخت شود و اظهار شد: «هرگونه تقاضا برای دریافت تسهیلات باید منوط به ثبت درخواست و معرفی متقاضی توسط سامانه وزارت راه و شهرسازی منتج از بررسی‌ها و حائز شرایط بودن متقاضی و ابلاغ آن به بانک از طریق سامانه مزبور باشد.»

در نتیجه این قانون، بانک‌ها و موسسات اعتباری غیربانکی کشور موظف شدند حداقل ۲۰ درصد از تسهیلات پرداختی سالانه خود را به افرادی اختصاص دهند که از طریق سامانه اعلامی وزارت راه و شهرسازی معرفی شوند. در مقابل مقرر شد در صورت کوتاهی شبکه بانکی کشور، سازمان امور مالیاتی، جریمه‌ای مالیاتی معادل بیست درصد تعهد انجام نشده را از بانک‌ها و موسسات اعتباری دریافت کند.

البته در این بین، تاخیر در راه‌اندازی سامانه و چالش‌هایی که بسیاری از بانک‌ها در دسترسی به این سامانه داشتند، منجر به ایجاد مشکلاتی در فرآیند اعطای تسهیلات شد. به عنوان مثال در برخی از بانک‌های خصوصی، تعداد افراد بسیار کمی از سمت سامانه به بانک معرفی می‌شدند و خیلی از این افراد هم واجد شرایط نبودند.

شرایط استفاده از این تسهیلات

یکی از شرایط بهره‌مندی از تسهیلات جهش تولید مسکن، برخورداری از زمین برای احداث مسکن بوده است. معاون وقت وزیر راه و شهرسازی در سال ۱۴۰۰ اعلام کرد که برای حدود ۴ میلیون واحد، زمین توسط دولت تامین شده است (که البته مربوط به تمامی طرح‌های مسکن ملی بود و صرفاً مربوط به طرح جهش تولید مسکن نمی‌شد). متقاضیان می‌توانند از زمینی که به نام خودشان بود نیز برای استفاده از این تسهیلات، ضمن رعایت شرایط استفاده کنند.

متقاضیان همچنین باید بتوانند بودجه لازم برای تکمیل ساختمان موردنظر (به‌ویژه در شهرهای بزرگ) را فراهم کنند.

سایر شرایط استفاده از این تسهیلات عبارتند از:

- برخورداری از سند مالکیت و عدم اشکال در آن (از جمله معارض و مالک صغیر)

- تکمیل مدارک الزامی در مهلت مقرر مطابق با دستورالعمل بانک مرکزی

- عدم انصراف متقاضیان یا مراجعه آنها به بانکی دیگر (عدم معرفی

- مضاعف به دو یا چند بانک)

- عدم ثبت نام تکراری متقاضیان در سامانه

- ارائه مستندات مبنی بر پیشرفت فیزیکی پروژه ساخت مسکن توسط متقاضی

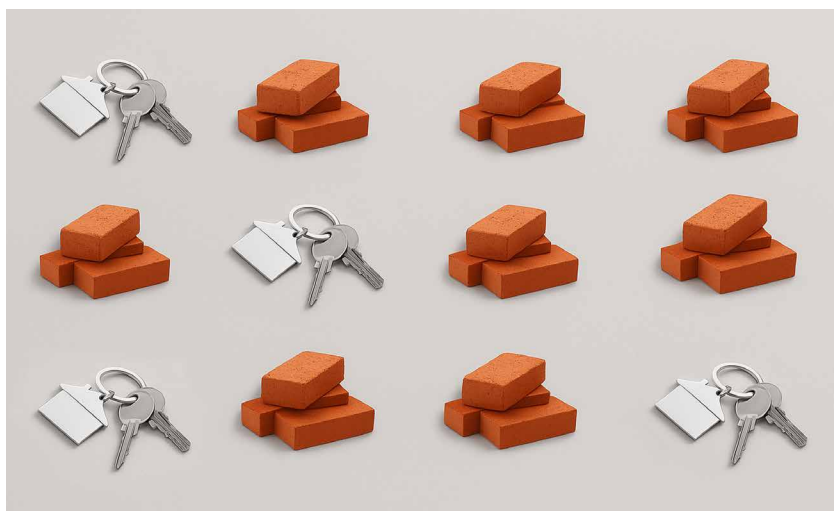
یکی از چالش‌های امروز جامعه ما، بحران تامین مسکن جوانان است که افزایش مهاجرت به کلان‌شهرها نیز به آن دامن زده است. در این شرایط، دولت و مجلس شورای اسلامی به عنوان مسئول و تسهیلگر این حوزه، با طرح‌های گوناگون و قوانین حمایتی تلاش کرده‌اند که فرآیند خانه‌دار شدن را برای شهروندان، آسان کنند. یکی از راهکارهای ارائه شده، وضع قانون "جهش تولید مسکن" بوده است که در ادامه به آن می‌پردازیم.

تصویب قانون جهش مسکن

قانون جهش تولید مسکن، شهریورماه ۱۴۰۰ توسط مجلس شورای اسلامی ایران تصویب شده و به قوه مجریه ابلاغ شد. این قانون دولت را موظف کرد مطابق با اعلام وزارت راه و شهرسازی، به ساخت مسکن کمک کند. در قانون جهش تولید مسکن پیش‌بینی شد پس از تامین زمین برای این پروژه در نقاط مختلف کشور، تسهیلات متناسبی به افراد اعطا شود که پاسخگوی نیاز سالانه شهروندان باشد.

مبلغ پیش‌بینی شده این قانون در ابتدای کار، ۴۵۰ میلیون تومان در کلان‌شهرها، ۳۰۰ میلیون تومان در شهرهای کوچک و ۲۵۰ میلیون تومان در روستاها بود. این مبلغ از سال ۱۴۰۰ تا به امروز به‌طور نسبی افزایش پیدا کرده است.

برای تضمین اجرایی شدن این قانون، بانک‌ها و موسسات اعتباری مکلف شدند هر ساله حداقل بیست درصد از تسهیلات پرداختی خود



متقاضیان ثبت شده تسهیلات مسکن

بعد از معرفی متقاضیان، بانک‌ها شروع به انعقاد قرارداد برای پرداخت تسهیلات کردند و مطابق با قانون گام به گام مراحل پرداخت تسهیلات را برای متقاضیان واجد شرایط پی گرفتند.

آمار تسهیلات جهش تولید مسکن در بانک‌های خصوصی (ارقام به میلیون ریال)

بازه اجرای قانون	سهامیه اعلامی بانک مرکزی	مبلغ معرفی شده از وزارت راه	قرارداد امضا شده تا پایان سال سوم
۱ مهر ۱۴۰۰ - ۳۱ شهریور ۱۴۰۱	۷۹۳,۲۰۰,۰۰۰	۲۴,۷۵۲,۹۵۱	۲۰,۷۳۴,۹۹۵
۱ مهر ۱۴۰۱ - ۳۱ شهریور ۱۴۰۲	۱,۰۱۲,۲۳۰,۰۰۰	۳۶,۷۶۱,۱۸۰	۲۷,۷۷۰,۴۰۵
۱ مهر ۱۴۰۲ - ۳۱ شهریور ۱۴۰۳	۱,۲۹۷,۰۰۰,۰۰۰	۱۰۷,۷۱۶,۲۶۰	۶۱,۵۸۷,۵۹۵
مجموع	۳,۱۰۲,۵۲۰,۰۰۰	۱۶۹,۲۳۰,۳۹۱	۱۱۰,۰۹۲,۹۹۵

تبعات قانونی عدم اجرای تسهیلات جهش تولید مسکن

در شرایطی که قانون مذکور، همچنان در مراحل مقدماتی شناسایی واجدان شرایط برای معرفی آنها به بانک‌ها بود، سازمان امور مالیاتی برای جریمه بانک‌ها و موسساتی که تسهیلات پرداخت نکرده بودند، وارد عمل شد. به عبارت دیگر، بانک‌ها به خاطر معطلی از سوی وزارت راه و شهرسازی، مشمول دریافت جریمه مالیاتی شدند. موضوع جریمه قانون جهش تولید مسکن در قانون بودجه سال ۱۴۰۲ و تا سقف ۳۰۰ هزار میلیارد ریال مدنظر قانونگذار قرار گرفت. تعریف مالیات‌های گزاف برای بانک‌ها در شرایطی بود که مشکلات اجرایی (از جمله سامانه معرفی متقاضیان)، مانع از اعطای تسهیلات بود. این فشار بر شبکه بانکی، خود در مقابل موجب ناترازی و تضییع حقوق ذینفعان شبکه بانکی (از جمله سپرده‌گذاران و سهامداران) شد. در پاسخ، بانک‌ها با توجه به وظیفه و تعهدی که نسبت به مردم، به عنوان اصلی‌ترین صاحبان سرمایه دارند، اقدام به طرح مشکل در مراجع قانونی کردند و تاکنون نیز در برخی از موارد قانون به نفع بانک‌ها رای داده است. در ادامه مطابق با مکاتبه‌ای که با ریاست کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی انجام شد، وزارت راه و شهرسازی مکلف شد به دلیل مغایرت قانونی، مانع از وصول جرائم مالیاتی قانون جهش تولید مسکن شود.

امید به حل بحران معضل خرید و اجاره مسکن

آمارها نشان می‌دهد که طی شش سال گذشته میانگین قیمت هر متر مربع آپارتمان مسکونی در تهران، بیش از ۹ برابر شده است. در این میان، پیش‌بینی می‌شود افزایش قیمت مصالح ساخت مسکن (از جمله فلزات) با افزایش نرخ ارز، شرایط را دشوارتر کند. کاهش مبلغ تسهیلات جهش تولید مسکن از ۸۰۰ میلیون تومان به ۶۵۰ میلیون تومان در سال ۱۴۰۴ از جمله سیاست‌هایی بود که با شرایط تورم فعلی، مورد انتقاد بسیاری از افراد قرار گرفت. البته تسهیلات مسکن در کشور ما محدود به وام جهش تولید مسکن نمی‌شود، بلکه طرح‌های حمایتی دیگری در حوزه مسکن مدنظر قرار گرفته که عبارتند از:

کنترل نرخ اجاره‌بهای مسکن

در پاسخ به بحران مسکن و به منظور کاهش معضلات اجاره مسکن، وزارت راه و شهرسازی تصمیمات جدیدی را در فروردین ماه سال جاری گرفته است. در سال‌های گذشته نرخ درصد افزایش اجاره‌بها به صورت دستوری بین ۲۰ تا ۲۵ درصد تعیین شده و به کل کشور ابلاغ می‌شد اما طبق مصوبات فروردین ۱۴۰۴، مقرر شد این موضوع استانی شده و در شورای مسکن هر استان و مطابق نرخ تورم هر استان تصمیم‌گیری و تایید شود.

تسهیلات کمک و دیعه مسکن

یکی دیگر از تسهیلات ارائه شده، کمک و دیعه مسکن است که در صورت احراز شرایط به افراد اجاره‌نشین اعطا می‌شود. مطابق با مصوبه بانک مرکزی ج.ا.ا در اواخر فروردین ماه سال جاری، سقف فردی تسهیلات کمک و دیعه مسکن در شهر تهران از ۲ میلیارد ریال به ۲/۷۵ میلیارد ریال، در مراکز استان‌ها از ۱/۵ میلیارد ریال به ۲/۱ میلیارد ریال، سایر شهرها از ۱ میلیارد ریال به ۱/۴ میلیارد ریال و در روستاها از ۴۰۰ میلیون ریال، به ۵۵۰ میلیون ریال افزایش یافت. سود بازپرداخت این تسهیلات ۲۳ درصد است.

طرح بهسازی و نوسازی مسکن

در راستای اجرای بند ۵۱ ماده ۵۱ قانون برنامه هفتم، بانک مرکزی با افزایش سقف فردی تسهیلات ارزان قیمت طرح ویژه بهسازی و نوسازی مسکن در روستاها و شهرهای زیر ۲۵ هزار نفر جمعیت برای ۲۲۰ هزار واحد مسکونی، از ۳/۵ میلیارد ریال به مبلغ ۴ میلیارد ریال موافقت کرده است.

نهضت ملی مسکن

یکی دیگر از برنامه‌های حمایتی مهم و موثر در حوزه مسکن، اجرای طرح‌های گوناگون در زمینه نهضت ملی مسکن از سوی وزارت راه و شهرسازی با همکاری شبکه بانکی کشور است. این برنامه نیز اخیراً با افزایش سقف فردی تسهیلات نهضت ملی مسکن از ۵/۵ میلیارد ریال به ۶/۵ میلیارد ریال همراه بوده است. ■

مقابله روسی

بانکداری روسیه در تحریم



علی سعدوندی
اقتصاددان

درآمد ارزی دارد، این درآمد در بازار توزیع و تزریق می‌شود. اما در عمل این شیوه نتیجه‌ای جز تشویق به فرار سرمایه نداشته و می‌توان آن را به عنوان بارانه‌ای برای فرار سرمایه و بیماری هلندی تعبیر کرد. با این حال معمولاً اجرای این سیاست تا زمانی که کشورها با بحران جدی مواجه نشوند، ادامه می‌یابد.

شروع تحریم روسیه

زمانی که در سال ۲۰۱۴ اولین تحریم‌ها علیه روسیه اعمال شد، بستر بحران در این کشور فراهم بود اما بانک مرکزی این کشور، با اطلاع کامل از اوضاع اقتصادی، انعطاف‌پذیری را چاره کار دانست و نظام ارزی روسیه را از "شناور مدیریت شده" به "شناور آزاد" یا "شناور مطلق" تغییر داد. بازار ارز با تغییر نرخ بهره مدیریت شد که این اقدام کاملاً موفقیت‌آمیز بود. در نتیجه بحرانی که در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ در بازار ارز و نرخ تورم ایجاد شده بود، به طور موثر از طریق عملیات بازار باز، سیاست‌گذاری نرخ بهره و هدف‌گذاری نرخ بهره مدیریت شد. اعمال موفقیت‌آمیز این سیاست تا سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ ادامه یافت.

پس از جنگ اوکراین

پس از آغاز جنگ میان روسیه و اوکراین، بازار ارز به شدت ملتهب شد و نرخ تورم به طور قابل توجهی افزایش یافت، به گونه‌ای که نرخ ارز به بالای ۱۲۰ روبل به ازای هر دلار رسیده و نرخ تورم ماهانه در مارس سال ۲۰۲۲ به حدود ۸ درصد افزایش پیدا کرد؛ این علائم نشان‌دهنده ورود روسیه به یک بحران جدی در زمینه سیاست‌های پولی و ارزی بود. با بروز علائم بحران، بدون تخطی از سیاست رسمی نرخ شناور ارز، محدودیت‌هایی در بازار ارز اعمال شد؛ اولین پاسخ به این علائم افزایش نرخ بهره به ۲۰ درصد بود. علاوه بر این، سیاست‌های متعدد دیگری در کنار افزایش نرخ بهره به اجرا درآمد. برخی از کارشناسان معتقدند این سیاست‌های جانبی، نظام ارزی شناور آزاد را تا حدی تحت تأثیر قرار داده و محدود کرده است.

۱) جلوگیری از برداشت ارز

یکی از سیاست‌هایی که روسیه از سال ۲۰۲۲ اعمال کرد، جلوگیری از برداشت ارز از حساب‌های ارزی بانک‌ها بود؛ به طوری که تا مدتی، سقف برداشت از حساب‌های ارزی ۱۰ هزار دلار تعیین شد. این یک سیاست

تحریم، سیاست‌گذار اقتصادی را در موقعیتی حساس قرار می‌دهد که ثبات یا بی‌ثباتی اقتصاد نه تنها به منابع در دسترس، بلکه به نحوه واکنش او نیز وابسته است. اقتصاد روسیه، به ویژه در مواجهه با تحریم‌ها و تورم، تجربه‌هایی دارد که در برخی از جهات مشابه وضعیت کشور ماست. برای آموختن از این تجربیات در یادداشت پیش رو، به روند تحولات ارزی روسیه و نقاط قوت و ضعف تصمیم‌های بانک مرکزی این کشور می‌پردازیم.

پیش از تحریم

روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، سیاست‌های ارزی متعددی را در مواجهه با بحران‌ها تجربه کرده است. روسیه از سال ۱۹۹۱ با بحران ابرتورم و ارز روبه‌رو شد. در مواجهه با این مشکل و به منظور تثبیت نرخ ارز، روسیه (مانند کشور ما) به اقداماتی مانند ارزیابی دست زد؛ اما این سیاست‌ها نه تنها منجر به اصلاح نشد، بلکه در نهایت به سقوط ارزش روبل در اتفاقی تاریخی موسوم به "سه‌شنبه سیاه" در سال ۱۹۹۴ انجامید.

سیاست دالان ارزی

پس از سه‌شنبه سیاه، در سال ۱۹۹۵ روسیه به سیاست جدیدی به نام "روبل کریدور" روی آورد که در ایران تحت عنوان "راهروی ارزی" یا "دالان ارزی" شناخته شده و بسیاری از اقتصاددانان ایرانی نیز این سیاست را توصیه می‌کنند؛ در این سیاست، بانک مرکزی متعهد می‌شود در یک دامنه نوسان مشخص، با خرید و فروش ارز، بازار را مدیریت کند. باتوجه به شکست سیاست کریدور یا دالان ارزی در روسیه، این سیاست در سال ۱۹۹۸ متوقف شد. معمولاً این نوع سیاست‌ها که از انواع سیاست‌های شناور مدیریت شده محسوب می‌شوند، متکی بر فروش ثروت ملی هستند و یکی از دلایل شکست این سیاست، کاهش قیمت جهانی نفت بود؛ در واقع، عواید حاصل از فروش ثروت‌های ملی به طور موقت به بازار ارز تزریق می‌شد، اما در نهایت این ثروت ملی بود که روبه‌ناپودی رفت.

شناور کردن نرخ ارز

روسیه در ۱۷ اوت ۱۹۹۸ اعلام کرد سیاست دالان ارزی را متوقف و روبل را شناور خواهد کرد. با توجه به افزایش قیمت نفت پس از بحران سال ۱۹۹۸، روسیه تا حدی در اجرای این سیاست موفق شد. این سیاست در سال‌های گذشته نیز در ایران اجرا شده است و هنگامی که کشور ما



موقت برای رفع بحران بود. تفاوت بانک مرکزی روسیه و ایران در این است که در روسیه، اگر سیاستی برای کنترل بحران در پیش گرفته می‌شود، با مدیریت و رفع بحران، اجرای آن سیاست متوقف می‌شود؛ اما در کشور ما تصمیماتی که در زمان بحران اتخاذ می‌شوند، معمولاً حتی در شرایط ثبات اقتصادی نیز تداوم پیدا می‌کنند.

۲) افزایش نرخ بهره

در سال ۲۰۲۲، مهم‌ترین سیاست پولی روسیه، سیاست افزایش نرخ بهره بود که به ۲۰ درصد رسید؛ اخیراً نرخ بهره روسیه به ۲۱ درصد افزایش پیدا کرده، زیرا در چند ماه گذشته نرخ تورم به طور قابل توجهی افزایش یافته است.

به نظر می‌رسد مقامات این کشور به طور کامل از نحوه اجرای این سیاست آگاهی دارند، چرا که هدف گذاری نرخ بهره به منظور کنترل تورم و استفاده از آن به عنوان ابزاری موثر، به وضوح در برنامه‌های سیاست‌گذاران روسیه گنجانده شده است و به نظر می‌رسد که بانک مرکزی این کشور اقتدار کافی برای اعمال این سیاست‌ها را دارد.

۳) محدودیت خروج سرمایه

در سال ۲۰۲۲، پس از اعمال تحریم‌های شدید علیه روسیه، مشکلات جدی اقتصادی در این کشور ایجاد شده و در ماه مارس بازار ارز با تلاطم شدید مواجه شد. در آن زمان، خروج سرمایه محدود شد و صادرکنندگان موظف شدند ۸۰ درصد از درآمدهای خود را به کشور بازگردانند که بعدها این مقدار به ۵۰ درصد کاهش یافت.

به نظر می‌رسد به محض روشن شدن سرنوشت جنگ در روسیه، سیاست بازگشت ارز متوقف خواهد شد، اما نکته قابل توجه آن است که این سیاست موقتی روسیه، به عنوان یک سیاست دائمی در کشور ما مدنظر قرار گرفته شده است، درحالی‌که ادعا می‌شود از مدل روسی الهام گرفته‌اند.

۴) توقف فروش استقراضی و محدود کردن فروش اوراق قرضه

از دیگر تغییرات سیاستی می‌توان به توقف موقت فروش استقراضی و محدود شدن فروش اوراق قرضه دولتی روسیه اشاره کرد. این اقدام موجب کاهش فرار سرمایه و صرف منابع مالی در بازار ارز شد، ولی این سیاست‌ها نیز به صورت موقت بودند و تنها برای چند ماه اجرا شدند. در حال حاضر، سیاست اصلی روسیه برای کنترل نرخ ارز همچنان استفاده از اهرم هدف گذاری نرخ بهره است.

درس روسیه برای ما

سیاست پولی روسیه در دوران تحریم‌ها می‌تواند درس‌های مهمی برای سیاست‌گذار پولی ایران داشته باشد. یکی از اصلی‌ترین درس‌ها، اهمیت انعطاف‌پذیری در سیاست‌گذاری است. روسیه توانست با تغییر سیاست ارزی از شناور مدیریت‌شده به شناور آزاد در پاسخ به تحریم‌ها، بحران ارز را مدیریت کند.

همچنین ابزارهایی مانند افزایش نرخ بهره، به مدیریت تورم کمک کرد. این انعطاف‌پذیری و آمادگی برای تغییر سیاست‌ها همزمان با اقتدار بانک مرکزی در مواجهه با شرایط جدید، درس بزرگی برای سیاست‌گذار پولی در ایران است. علاوه بر این، توقف سیاست‌های موقت که با توجه به موقعیت‌های خاص در پیش گرفته شد، این امکان را به روسیه داد تا سیاست‌های ارزی موثر و مطابق با شرایط کشور را اعمال کند. ■

نرخ روزانه هر دلار به روبل در روسیه از ابتدای سال ۱۹۹۸ تا پایان آپریل ۲۰۲۵



منبع: freecurrencyrates.com

خرد بازخورد

براساس پژوهش‌های روانشناسی اجتماعی، گاهی دیگران درک دقیق‌تری از ما دارند تا خودمان. این پدیده ناشی از سوگیری‌های شناختی مانند "خودافزایشگری (Self-enhancement Bias)" است که باعث می‌شود ناخواسته نقاط ضعفمان را نادیده بگیریم. مطالعات گوناگون نشان می‌دهند که با واکنش‌ها و بازخوردهای دیگران، به درک بهتری از خودمان می‌رسیم.

حتی اگر این نگاه را اغراق‌آمیز در نظر بگیریم، نمی‌توانیم نقش حیاتی "نگاه بیرونی" را انکار کنیم؛ انسان‌ها ممکن است رفتارهای نامطلوب خود را عادی تلقی کنند و به‌عنوان مثال، متوجه رفتار آمرانه خود با دیگران نباشند. در اینجا بازخورد مانند "آینه اجتماعی" عمل می‌کند و اختلاف میان ادراک ذهنی (درونی) با واقعیت عینی (بیرونی) را برطرف می‌کند.

بازخورد گرفتن در محیط کار، ضمن اینکه دید بهتری از نقاط قابل بهبودمان می‌دهد، ما را از نیازها و درخواست‌های دیگران نیز آگاه‌تر می‌کند؛ به این ترتیب، می‌توانیم با فاصله گرفتن از خطوط قرمز و رفتارهای آزاردهنده برای دیگران، تعاملاتمان را بهبود ببخشیم.

بازخورد حرفه‌ای همچنین بهترین راهنما برای توسعه سازمانی است تا با شناسایی نقاط قوت و ضعف، بهتر تصمیم بگیریم؛ با توجه به تغییر و تحولات دائمی فضای کار، بازخورد مانند قطب‌نمایی عمل می‌کند که مسیر تحقق اهدافمان را پیدا کنیم.

اما تاثیر بازخورد، فراتر از بهبود عملکرد است و با ارتقای فرهنگ یادگیری و شفافیت، اعتماد افراد به یکدیگر و به کل سازمان بیشتر می‌شود؛ هنگامی که کارکنان حس می‌کنند که صدای آنها توسط مدیران شنیده شده و خواسته‌هایشان به عمل می‌پیوندد، وعده‌های مدیران را بیشتر می‌پذیرند و صادقانه و صریح‌تر نارضایتی و پیشنهادهای خود را ابراز می‌کنند.

این فرهنگ، ماهیتی ارگانیک به کل سازمان می‌دهد که مانند یک پیکره زنده، اجزای آن در تعامل با یکدیگر و همسو با اهداف کلان قرار می‌گیرند. ■



۲۴

عوامل شکست
کسب و کارها

۲۶

عطش زمین

۲۸

هنر پذیرش
بازخورد

۲۹

صدای آرام
حمل و نقل

۱۸

مدیر مالی
هوشمند

۲۰

توانمندسازی
هوشمند

۲۲

مشارکت
در مدیریت

مدیر مالی هوشمند

هوش مصنوعی در مدیریت مالی



فاطمه رضانی
کارشناس مالی

حسابرسی مداوم

هوش مصنوعی قادر است اسناد مالی را از طریق پردازش زبان طبیعی (NLP) تحلیل کرده و خطاهای انسانی را کاهش دهد. ابزارهای هوش مصنوعی با بررسی میلیون‌ها داده تاریخی، می‌توانند الگوهای غیرعادی را شناسایی کرده و از اشتباه یا تقلب جلوگیری کنند؛ به عنوان مثال، اگر رقم وارد شده (مانند دستمزد یا هزینه خدمات) با ارقام دوره‌های پیشین تفاوت چشم‌گیری دارد، هوش مصنوعی نسبت به احتمال خطا هشدار می‌دهد. از سوی دیگر، با تحلیل مداوم داده‌های مالی، ریسک و ناهنجاری در لحظه شناسایی شده و نیاز به حسابرسی‌های دوره‌ای کاهش می‌یابد.

افزایش شناخت از وضعیت و کنترل

با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی، مدیران به صورت لحظه‌ای می‌توانند با توجه به تراکنش‌ها، از مجموع دارایی شرکت در همه حساب‌ها مطلع شوند. این اطلاعات با لحاظ کردن مطالبات و چک‌های صادر شده، می‌تواند برآوردی از شرایط مالی شرکت در آینده نیز ارائه دهد. بدین ترتیب مدیران در سطوح گوناگون سازمان می‌توانند تصمیمات بهتری را اتخاذ کنند.

آسان‌تر شدن تطبیق با قوانین و محاسبه مالیات

تغییر قوانین و حجم بالای اطلاعات مالی هر شرکت، انطباق با این قوانین را دشوار و زمان‌بر می‌کند. ابزارهای هوش مصنوعی با قدرت پردازش سریع، می‌توانند با نظارت بر تراکنش‌ها، زمان و هزینه انطباق را کاهش دهند. این ابزارها همچنین می‌توانند انواع مطالبات دولتی از جمله حق بیمه و مالیات را در کمترین زمان ممکن محاسبه کنند.

۲) امکانات و خدمات جدید

فراتر از خدمات کلاسیک، هوش مصنوعی می‌تواند امکانات جدیدی را در اختیار مدیران مالی و حسابداران قرار دهد:

مشاوره مالی هوشمند

سامانه‌های هوش مصنوعی با توانایی پردازش حجم عظیمی از داده‌های مالی در زمان کوتاه، الگوهای مالی و اقتصادی را شناسایی می‌کنند. آنها همچنین با استفاده از پردازش زبان طبیعی و یادگیری ماشین، می‌توانند بازار را تحلیل کرده و روندهای آتی را پیش‌بینی کنند.

به این ترتیب این سامانه‌ها می‌توانند با توجه به وضعیت موجود و اهداف هر شرکت، مشاوره‌های شخصی‌سازی شده به مدیران آن ارائه کنند. به عنوان مثال، سامانه‌های هوشمند می‌توانند با تحلیل داده‌های مالی، توصیه‌هایی برای سرمایه‌گذاری، مدیریت بدهی و برنامه‌ریزی مالی پیشنهاد دهند.

اگرچه هوش مصنوعی فناوری جدیدی نیست، اما ابزارهای قدرتمندی که با کاربری آسان در دسترس عموم قرار گرفته‌اند، فرصت‌های نوینی به کسب و کارها ارائه کرده‌اند. مدیران مالی و حسابداران، همانطور که از سایر ابزارهای دیجیتال برای افزایش دقت و سرعت استفاده می‌کنند، در حال آزمون قابلیت‌های هوش مصنوعی نیز هستند. در یادداشت حاضر ضمن بررسی ظرفیت هوش مصنوعی، به نتایج ورود فناوری به حوزه مدیریت مالی می‌پردازیم.

رایانه‌ای شدن امور مالی

مدیریت مالی شامل برنامه‌ریزی، سازماندهی و کنترل منابع مالی است و به کمک آن، کسب و کارها در زمینه سرمایه‌گذاری، تامین مالی و تخصیص منابع، تصمیم‌گیری می‌کنند. حسابداری نیز جمع‌آوری، طبقه‌بندی، تجزیه و تحلیل و گزارش‌گیری از اطلاعات مالی را برعهده دارد تا امکان تصمیم‌گیری‌های بهتر برای مدیران فراهم شود. در گذشته، این وظایف عمدتاً به صورت دستی انجام می‌شد. در آن زمان، دفاتر کاغذی بزرگی برای ثبت انواع سند پرداخت و دریافت وجه استفاده می‌شد که فارغ از مصرف کاغذ و زمان‌بر بودن، امکان اشتباه در ثبت یا خواندن اطلاعات آنها وجود داشت.

در دهه‌های اخیر، نرم‌افزارهای حسابداری، ضمن افزایش دادن دقت و سرعت فرآیندهای مالی، بخشی از آنها را خودکار کرده‌اند. در حال حاضر، این نرم‌افزارها از مرحله ثبت داده‌های مالی تا گزارش‌گیری و حتی تراکنش‌های بانکی را پوشش می‌دهند؛ اما نقش این ابزارها در حد کمک به تسریع فرآیندهای مدیریت‌های مالی بوده و تصمیم‌گیری و نتیجه‌گیری از داده‌ها، همچنان برعهده افراد است.

حساب و کتاب با هوش مصنوعی

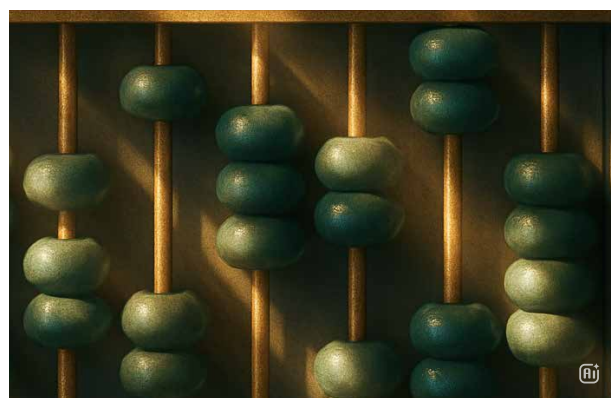
ورود هوش مصنوعی به امور مالی، خود را در دو عرصه نشان داده است که به ترتیب به آنها می‌پردازیم: ۱) تحول خدمات کلاسیک ۲) افزودن امکانات و خدمات جدید

۱) تحول خدمات کلاسیک

مشابه سایر حوزه‌های کسب و کار، اولین تأثیرات هوش مصنوعی در بهبود روندهای موجود است:

خودکارسازی وظایف تکراری

هوش مصنوعی وظایفی مانند ثبت حساب‌ها، پردازش فاکتورها، محاسبه حقوق و دستمزد و تهیه گزارش‌های مالی را خودکار می‌کند. به عنوان مثال در زمان ثبت اطلاعات یک تراکنش مالی، می‌توان این داده‌ها را به همه فرم‌ها و گزارش‌های مرتبط منتقل کرده و گزارش‌گیری همزمان را ممکن کرد؛ به این ترتیب، یک حسابدار به طور همزمان، گزارش به مدیر مالی، مدیرعامل، هیات‌مدیره یا صاحبان سهام (که هر کدام ویژگی‌های متفاوتی دارند) را با ثبت اطلاعات، تدوین می‌کند.





مدیریت مالی زنجیره تامین

ابزارهای هوش مصنوعی با تحلیل داده‌های زنجیره تامین (مدیریت یکپارچه جریان مواد، اطلاعات و نقدینگی از تامین‌کنندگان تا مصرف‌کننده نهایی)، جریان‌های نقدی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین این ابزارها ریسک‌های تامین مالی را از طریق شناسایی الگوهای ریسک در داده‌های تاریخی مدیریت می‌کنند.

سامانه‌های هوش مصنوعی می‌توانند با پیش‌بینی تقاضا و موجودی کالا، نیازهای مالی را تخمین زده و از کمبود یا مازاد نقدینگی جلوگیری کنند. به عنوان مثال یک شرکت تولیدی می‌تواند از هوش مصنوعی برای تحلیل داده‌های تاریخی فروش، روندهای فصلی (مثل افزایش تقاضا در تعطیلات) و حتی تحولات بازار (مثل عرضه رقبا) استفاده کند. به این ترتیب، شرکت متوجه می‌شود که باید برای تامین قطعات خود، وام کوتاه‌مدت با بهره بالا دریافت کند.

تجربیات کنونی هوش مصنوعی در مدیریت مالی

در حال حاضر، بسیاری از سازمان‌ها در سراسر جهان از هوش مصنوعی برای بهبود فرآیندهای مالی و حسابداری خود استفاده می‌کنند. برخی از نمونه‌های موفق شامل موارد زیر است:

- جی‌پی مورگان چیس (JP Morgan Chase) از یک سامانه هوش مصنوعی به نام کوین (COIN) استفاده می‌کند تا قراردادهای مالی را بررسی و تحلیل کرده و هزاران سند را در چند ثانیه پردازش کند. این سامانه سالانه بیش از ۳۶,۰۰۰ ساعت کار انسانی را کاهش می‌دهد.
- سامانه آی‌بی‌ام واتسون (IBM Watson) در برخی از شرکت‌های حسابداری برای تحلیل اسناد مالی و امور مالیاتی مورد استفاده قرار گرفته و با تحلیل قوانین مالیاتی، راهکارهایی برای کاهش مالیات ارائه می‌دهد.
- پی‌دبلیوسی (PWC) و دلویت (Deloitte) از الگوریتم‌های هوش مصنوعی برای بررسی حجم عظیمی از داده‌های مالی و شناسایی پولشویی و تقلب در گزارش‌های مالی استفاده می‌کنند.
- شرکت پلنتیر (Palantir) با پلتفرم فاندري (Foundry)، به شرکت‌ها کمک می‌کند تا با تحلیل داده‌ها، سناریوهای مالی مختلف را شبیه‌سازی کنند.

چالش‌های هوش مصنوعی در مدیریت مالی

ابزارهای هوش مصنوعی در حال توسعه و تحول هستند و بخشی از مشکلات کنونی آنها، در آینده (شاید حتی ظرف چندماه) برطرف خواهند شد. با این حال، بخشی از محدودیت‌های بنیادین، احتمالاً به‌زودی برطرف نشوند:

۱) مشکلات داده‌ای

هوش مصنوعی به داده‌های دقیق و گسترده نیاز دارد، اما در بازارهایی مانند کشور ما، دسترسی به داده‌های باکیفیت و یکپارچه محدود است. همچنین، نبود استانداردهای یکسان برای گزارش‌گیری مالی، آموزش مدل‌های هوش مصنوعی را دشوارتر می‌کند.

۲) محدودیت‌های حقوقی و اخلاقی

قوانین فعلی کشورها، باید متناسب با ظرفیت و نقش‌های هوش مصنوعی، تغییر کنند؛ پرسش‌هایی مانند «مسئولیت خطاهای هوش مصنوعی برعهده کیست؟» یا «آیا می‌توان یک شرکت تولیدکننده الگوریتم را برای شفافیت مجبور به افشای منابع و اقدامات خود کرد؟» هنوز پاسخ روشنی ندارند.

۳) مسائل مربوط به تفسیرپذیری

تصمیمات اتخاذ شده توسط الگوریتم‌های هوش مصنوعی همیشه قابل تفسیر (Interpretable) نبوده و فرآیندهایی که هوش مصنوعی برای پردازش داده اعمال می‌کند برای کاربران قابل تشخیص نیستند. این موضوع در حسابداری، ردیابی خطاها و نظارت مشکل‌ساز می‌شود و امکان اصلاح و بهبود سامانه را می‌گیرد.

۴) نیاز به مهارت‌های جدید

استفاده از هوش مصنوعی نیازمند مهارت‌های جدیدی در حوزه تحلیل داده، یادگیری ماشین و برنامه‌نویسی است و سازمان‌ها باید برای آموزش کارکنان خود سرمایه‌گذاری کنند. حسابداران و مدیران مالی باید با مفاهیم و ابزارهای هوش مصنوعی آشنا شوند تا بتوانند از این فناوری به‌طور موثر بهره ببرند.

۵) ریسک‌های امنیتی و نگرانی از اشتباهات

استفاده از هوش مصنوعی در امور مالی، نگرانی‌هایی درباره حریم خصوصی و سوءاستفاده از داده‌های حساس ایجاد می‌کند. برای مثال، در صورتی که شرکت‌های گوناگون از یک سامانه مشترک استفاده کنند، حمله سایبری به آن سامانه می‌تواند منجر به نشت اطلاعات میلیون‌ها مشتری شود. هوش مصنوعی همچنین ممکن است دچار اشتباهات ناشی از ضعف داده و الگوریتم شود؛ ابزارهای هوش مصنوعی اگر چیزی را ندانند، ممکن است دچار توهم (Hallucinations AI) شده و محتوای نادرستی ارائه کنند. به این ترتیب، سامانه‌های هوش مصنوعی، همچنان به حضور و نظارت کارشناسان مالی نیاز دارند.

آینده کارشناسان مالی

با گسترش استفاده از هوش مصنوعی، کارشناسان مالی از وظایف عملیاتی و روزمره فاصله گرفته و نقش‌های تحلیلی و استراتژیک را برعهده می‌گیرند. دو حوزه‌ای که این کارشناسان در آن مشغول خواهند شد، عبارتند از:

۱) نظارت بر هوش مصنوعی

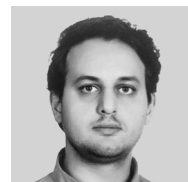
کارشناسان مالی باید بر تمامی مراحل ایجاد ابزار (مانند راه‌اندازی و آموزش آن با داده‌های مالی) نظارت داشته و مانع از سوگیری در آن شوند. نقص‌های ابزارهای هوش مصنوعی ایجاد می‌کند که کارشناسان مالی، نه تنها بر نتایج این ابزارها نظارت کنند، بلکه این توانایی را داشته باشند که الگوریتم‌ها را اصلاح کنند.

۲) تصمیم‌گیری استراتژیک و قضاوت اخلاقی

کارشناسان مالی باید میان فناوری و دنیای کسب‌وکار، پل زده و اطلاعات و گزارش‌های هوش مصنوعی را با توجه به استراتژی شرکت و ارزش‌های انسانی و اخلاقی، تحلیل کنند. با توجه به مسائل زیست‌محیطی، اجتماعی و معیشتی افراد، مسئولیت تصمیم‌گیری همچنان با کارشناسان انسانی خواهد بود؛ به این ترتیب، باید انسان‌ها حرف هوش مصنوعی را بشنوند، اما تصمیم نهایی را خودشان بگیرند. ■

توانمندسازی هوشمند

مهارت‌افزایی با هوش مصنوعی



حمید عزیزیان
کارشناس بازاریابی و برندینگ

و درآمد به پردازش کند. این متن‌ها با افزودن خلاقیت انسانی قابلیت ارتقا و برخورداری از "صدای منحصر به فرد (Unique voice)" را دارند. این ابزارها همچنین می‌توانند متون گوناگون (از یک ایمیل درون سازمانی گرفته تا مقاله علمی) را از جنبه‌های گوناگون مانند ویرایش ادبی، لحن و درستی اطلاعات، نقد و اصلاح کنند. ترکیب این ابزارها با موتورهای زبانی پیشرفته، به ما این امکان را می‌دهد که نه تنها خطاها را بشناسیم، بلکه سبک نوشتاری خود را نیز ارتقا دهیم.

۲) خلق خلاقانه محتوای دیداری

قابلیت خلق محتوا به هنرهای دیداری یا همان گرافیک نیز رسیده و ابزارهای طراحی مبتنی بر هوش مصنوعی، طراحی گرافیکی را برای عموم ساده و قابل دسترس کرده‌اند. در صورتی که ایده افراد به این ابزارها داده شود، این ابزارها نیز به آنها قالب، ترکیب رنگ، فونت و حتی تصویر کامل ارائه می‌دهند. پلتفرم‌های هوش مصنوعی می‌توانند تنها با دریافت توصیف (پرامپت) در قالب یک کلمه یا عبارت ساده، تصویر منحصر به فردی خلق کنند.

اگرچه در بسیاری از موارد، تصاویر ایجاد شده به این ترتیب، نقایصی دارند که لازم است یک گرافیست حرفه‌ای آنها را اصلاح کند، اما همین تصویر اولیه، شمای خوبی از طرح مورد نظر فرد به دیگران ارائه می‌دهد.

۳) ساده‌سازی پیچیدگی

کاربرد دیگر ابزارهای هوش مصنوعی در مدیریت مطالب علمی و تخصصی است. ابزارهای هوش مصنوعی بر پایه مدل‌های زبانی بزرگ (LLM) توسعه یافته‌اند که برای جست‌وجوی سریع منابع علمی، فهم ساده‌تر مطالب پیچیده یا حتی برای مرور مطالعات پژوهشی، به افراد کمک می‌کنند. همین ابزارها امکان پاسخگویی به همان زبان تخصصی (به عنوان مثال با تعابیر حقوقی) را ارائه می‌دهند.

۴) کمک به مدیریت جلسات

ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی را می‌توان برای ضبط و تبدیل گفت‌وگوهای مطرح شده در جلسات به متن استفاده کرد. برخی از این مدل‌های هوش مصنوعی، می‌توانند خلاصه‌ای از جلسه و نکات مهم آن و نیز دستورهای جلسه ارائه دهند که به افراد کمک می‌کند در زمان صرفه جویی کرده و تمرکز خود را بر تصمیم‌گیری‌های بهتر بگذارند.

از سوی دیگر، مدل‌های پیشرفته علاوه بر تهیه و ساماندهی محتواهای مورد نیاز برای ارائه در جلسات، می‌توانند در ساخت این ارائه‌ها نیز کمک کنند. کفایت تصاویر تولید شده و مرتبط با موضوع خود را به پلتفرم توسعه یافته هوش مصنوعی دهید و بخواهید تا یک فایل ارائه در قالب پاورپوینت یا گوگل اسلاید برایتان ایجاد کند.

در جهان هوشمند و پرتغییر کنونی که برای پیشرفت به طور مداوم کسب مهارت‌ها، تجارب و آموخته‌های جدید مورد نیاز است، افراد دیگر نمی‌توانند فقط به تجارب و آموزش‌های دوره‌ای خود در ساختارهای کلاسیک تکیه کنند. در این شرایط، ابزارهای نوین هوش مصنوعی با استفاده از پایگاه‌های داده گسترده و توانایی پردازش سریع کلان داده‌ها، فرصت آموزش و مهارت‌افزایی مستمر را فراهم کرده‌اند. در این یادداشت، با بررسی امکانات ابزارهای هوش مصنوعی، به کاربرد آنها در فعالیتهای حرفه‌ای می‌پردازیم.

دستیار شخصی دیجیتال

ابزارهای هوش مصنوعی در درجه اول به طور مستقل توان حل مساله‌های گوناگون را دارند و ضمن برطرف کردن نیاز کاربران، امکان یادگیری با الگو گرفتن را به آنها می‌دهند. برخی از نمونه‌های این کاربرد عبارتند از:

۱) قلم جادویی برای نوشتار

نگارش متن نیازمند تسلط به شکل صحیح کلمات، انسجام در متن و مهارت در خلاصه و زیباسازی آن است. مدل‌های زبانی بزرگ (LLMs: Large Language Models) اگرچه از خلاقیت و نوآوری انسانی برخوردار نیستند، اما با الگو گرفتن از میلیون‌ها متنی که در دسترس دارند، می‌توانند با توجه به نیاز فرد، متن اختصاصی تولید کنند. به عنوان مثال، اگر مدیری بخواهد متن مناسبی (مانند تبریک عید نوروز) متناسب با نوع مخاطبان (نوع شغل، میزان تحصیلات و غیره) خود بنویسد، به راحتی می‌تواند از هوش مصنوعی مدل اولیه را دریافت





استفاده با احتیاط

با وجود مزایای چشمگیر هوش مصنوعی، نمی‌توان از چالش‌ها و دغدغه‌های آن چشم‌پوشی کرد. استفاده از ابزارهای هوشمند در این حوزه، همان‌قدر که فرصت‌آفرین بوده، با ریسک‌هایی همراه است که در صورت بی‌توجهی، می‌تواند اثربخشی آنها را کاهش داده و حتی منجر به وابستگی، ارائه اطلاعات نادرست یا اختلال در فرآیندهای سنتی یادگیری شود. بنابراین، شناسایی این چالش‌ها و آمادگی برای مواجهه با آنها، بخشی ضروری از مسیر بهره‌برداری هوشمندانه از این فناوری است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین این چالش‌ها اشاره می‌کنیم:

۱) دقت و صحت اطلاعات

یکی از چالش‌های اساسی در بهره‌گیری از ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی، احتمال تولید اطلاعات نادرست یا ناقص است. مدل‌های زبانی، هرچند قدرتمند و پیشرفته‌اند، اما همچنان بر پایه داده‌های پیشین آموزش دیده‌اند و درک عمیقی از حقیقت یا زمینه ندارند؛ در نتیجه، گاه پاسخ‌هایی ارائه می‌دهند که از نظر ظاهری قانع‌کننده‌اند اما از نظر علمی یا منطقی نادرست هستند. این مساله به‌ویژه زمانی خطرناک می‌شود که کاربر بدون بررسی یا راستی‌آزمایی، به این خروجی‌ها اعتماد کرده و آن را مبنای تصمیم‌گیری آموزشی، حرفه‌ای یا مدیریتی قرار دهد. در چنین حالتی، یک خطای جزئی می‌تواند به تصمیمی اشتباه، محتوایی گمراه‌کننده یا حتی آموزشی نادرست منجر شود که اثرات آن در بلندمدت خود را نشان خواهند داد.

۲) حفظ حریم خصوصی

بسیاری از ابزارهای هوش مصنوعی برای بهینه‌سازی عملکرد خود، داده‌هایی از کاربران (از جمله محتوای گفت‌وگوها، پرسش‌ها، فایل‌های بارگذاری شده و حتی الگوهای رفتاری) جمع‌آوری و پردازش می‌کنند. این فرآیند در ظاهر به بهبود تجربه کاربری کمک می‌کند، اما اگر استانداردهای امنیتی لازم رعایت نشود، همین داده‌ها می‌توانند به نقطه ضعف سیستم تبدیل شوند. نشت یا سوءاستفاده از این اطلاعات، به‌ویژه در سازمان‌ها یا محیط‌های آموزشی، ممکن است به افشای اطلاعات حساس، تخریب اعتماد یا حتی آسیب حقوقی منجر شود. از این‌رو، آگاهی از شیوه‌های حفظ حریم خصوصی و انتخاب ابزارهایی با سیاست‌های شفاف و قابل اعتماد در این زمینه، بیش‌ازپیش اهمیت پیدا کرده است.

۳) فقدان زمینه فرهنگی

از چالش‌های استفاده از هوش مصنوعی، ناهمخوانی فرهنگی و زبانی مدل‌ها با بافت بومی کاربران است. بسیاری از مدل‌های زبانی و تصویری موجود، عمدتاً بر پایه داده‌هایی آموزش دیده‌اند که متعلق به فرهنگ‌های غالب جهانی، به‌ویژه غربی هستند. این امر موجب می‌شود که در مواجهه با زبان‌ها، ضرب‌المثل‌ها، مفاهیم اجتماعی یا حتی الگوهای رفتاری محلی، عملکرد این مدل‌ها ضعیف، ناهماهنگ یا حتی گمراه‌کننده باشد. برای مثال، پیشنهاد یک رفتار حرفه‌ای یا تدوین یک محتوای آموزشی برای کاربران فارسی‌زبان ممکن است با لحن، ارزش‌ها یا ساختار فکری رایج در آن فرهنگ همخوان نباشد. این فاصله فرهنگی می‌تواند به احساس بیگانگی، درک اشتباه یا حتی بازتولید کلیشه‌های نادرست منجر شود؛ از این‌رو بومی‌سازی هوشمندانه این ابزارها و نظارت انسانی همچنان نقشی حیاتی در فرآیند آموزش و مهارت‌افزایی ایفا می‌کند.

۴) وابستگی بیش‌ازحد

یکی از چالش‌های پنهان اما جدی در استفاده از هوش مصنوعی، ایجاد وابستگی بیش‌ازحد به این ابزارهاست. وقتی کاربران برای انجام هر کار فکری یا تحلیلی به مدل‌های هوشمند مراجعه می‌کنند؛ از نوشتن یک متن ساده گرفته تا یافتن پاسخ پرسشی تخصصی، به تدریج قدرت تحلیل شخصی، تفکر انتقادی و توانایی حل مساله آنها تضعیف می‌شود. این وابستگی اگر مدیریت نشود، می‌تواند جایگاه انسان را از "خالق محتوا" به "مصرف‌کننده منفعل خروجی ماشین" کاهش دهد. خلاقیتی که زمانی جوهره یادگیری فردی بود، در چنین حالتی در سایه آسودگی بیش‌ازحد محو می‌شود. ■

معلم دیجیتال

با مدل‌های زبانی می‌توان یک شخصیت مجازی طراحی کرد که با کاربر با ادبیات موردنظر او، صحبت کند. به عنوان مثال، یک کارشناس مالی که با مشتریان بین‌المللی تعامل می‌کند، می‌تواند شخصیتی تخیلی طراحی کند که دارای دکترای مالی و حقوق است و با زبان انگلیسی متوسط، مفاهیم را به این کارشناس توضیح دهد. با توجه به امکان تداوم گفت‌وگویی واحد در روزهای متفاوت و ثبت سابقه تبادل اطلاعات، این استاد مجازی می‌تواند با توجه به شناختش از کاربر، گفت‌وگو را بهینه کند.

ابزارهای هوش مصنوعی می‌توانند پیش از شروع آموزش، سطح دانش کاربر را در گفت‌وگو و پرسش‌نامه، بسنجند. این ابزارها در طی آموزش نیز می‌توانند با تقسیم کردن موضوع موردنظر به چند درسنامه شخصی‌سازی شده و حتی بازی‌وار (گیمیفای) کردن آن، این فرآیند را برای مهارت‌آموزان آسان و شیرین‌تر کنند.

مزیت دیگر این ابزارها، متناسب‌سازی است. مدیران می‌توانند محتوای آموزشی ویژه سازمان خود را تولید کنند، دستورالعمل‌های به‌روز بنویسند یا برنامه‌های یادگیری را برای هر فرد بر اساس سطح و نیاز شخصی‌سازی کنند.

مشاور دیجیتال

ابزارهای هوش مصنوعی می‌توانند به یادگیری مهارت‌های فردی و اجتماعی نیز کمک کنند. قابلیت گفت‌وگویی این مدل‌های زبانی، به کاربر اجازه می‌دهد که پیش از یک تعامل مهم (مانند مصاحبه شغلی یا مذاکره) شرایط را با افرادی با خصوصیات مشابه ملاقات شوندگان شبیه‌سازی کند؛ به عنوان مثال، اگر قرار است کاربر طرحی را برای مدیر مالی، مدیر ارتباطات و مدیر تدارکات توجیه کند، می‌تواند آنها را با ذکر ویژگی‌های شخصیتی و دغدغه‌های حرفه‌ای شبیه‌سازی کند. تعامل با این شخصیت‌ها، به کاربر کمک می‌کند با پیش‌بینی سوالات مطرح‌شونده در جلسه، پاسخ‌های خود را تمرین کند و حتی از هوش مصنوعی، پیشنهاد پاسخ بگیرد.

فرد همچنین می‌تواند از این مدل‌ها بخواهد نقش یک مصاحبه‌گر را بازی کرده و با او در این زمینه تمرین کند. این مربی ساخته‌شده توسط هوش مصنوعی نه خسته می‌شود، نه عجله دارد و نه قضاوت می‌کند. تنها هدفش رشد یادگیرنده بوده و این، یکی از بزرگ‌ترین مزایای هوش مصنوعی در فرآیند یادگیری است.

مشاور هوش مصنوعی می‌تواند با بررسی مهارت‌ها و سابقه کاری فرد به او پیشنهاد شرکت در دوره‌های آموزشی یا تقویت مهارت‌های فردی بدهد، برای او برنامه روزانه تنظیم کند و رزومه بهتری برای او بنویسد. هوش مصنوعی همچنین می‌تواند مشاوره‌های روانشناسی فردی و روابط شخصی نیز ارائه دهد که البته با توجه به حساس بودن این حوزه‌ها، بهتر است با احتیاط از این فناوری استفاده کرد و از تراپیست حرفه‌ای، برای بررسی و مشاوره مشکلات عمیق، بهره برد.

مشارکت در مدیریت

تاثیر بازخورد در بهبود روابط کاری

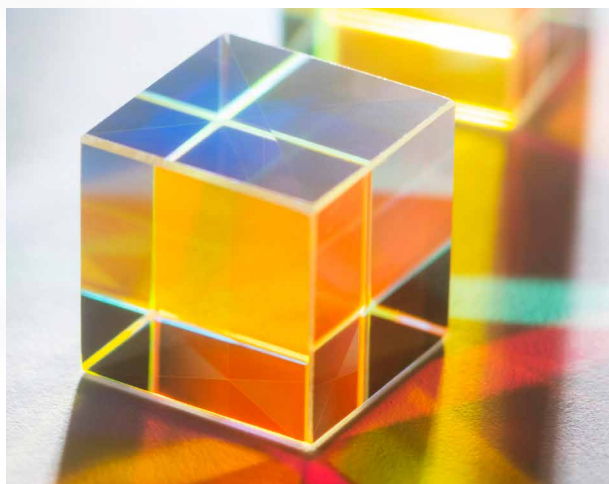


Harvard
Business
Review

نویسندگان: اتان بوریس، بنجامین تامس، کتاک سودی و داون کلینگ هوفر

از مجله هاروارد بیزنس ریویو (HBR) (نوامبر - دسامبر ۲۰۲۴)

ترجمه: تحریریه آفتاب خاورمیانه



بین تیم مرکزی و تیم‌های منابع انسانی وجود دارد و از تکرار تلاش‌ها در واحدهای محلی جلوگیری شود.

اطمینان دادن نسبت به شنیده شدن نظرات

اگر کارکنان حس کنند که نظراتشان مدنظر قرار نمی‌گیرد، حرفی نمی‌زنند. مطالعات نشان می‌دهد کارکنانی که نتیجه عملی بازخوردهایشان را می‌بینند، حدود ۳۰ درصد کمتر استعفا می‌دهند. مطالعه‌ای دیگر نشان می‌دهد اگر کارکنان باور داشته باشند مدیران براساس نظراتشان اقدام عملی می‌کنند، میزان اظهارنظر آنها ۲۴ درصد افزایش می‌یابد. موفق‌ترین شرکت‌ها معمولاً در حدود ۸۰ تا ۹۰ درصد به نظرسنجی‌ها پاسخ عملی می‌دهند.

شرکت‌های پیشرو از رویکردی به نام "گوش دادن بازتابی (Reflective listening)" استفاده می‌کنند؛ این رویکرد شامل خلاصه‌سازی و بازتاب ایده‌ها و احساسات کارکنان است تا به آنها نشان دهند که واقعاً گوش داده‌اند. حتی اگر فقط تعداد کمی از کارکنان در نظرسنجی شرکت کرده‌اند، اعمال تغییرات براساس بازخوردها می‌تواند اکثریت ساکت را به شرکت در نظرسنجی‌های بعدی ترغیب کند.

شیوه‌های به‌اشتراک‌گذاری نتایج بسیار متفاوت است. برخی شرکت‌ها نتایج را در سامانه داخلی خود با یک پیام ویدئویی از مدیرعامل که از

مدیران بیشتر از کارکنان به نظرسنجی نیاز دارند، چون در کنار همه پیشنهادهای خوبی که می‌گیرند، به شناخت از شرایط کنونی و انتظارات همکاران خود می‌رسند. اما زمانی که نظرسنجی‌ها تاثیری عملی در روند سازمان ندارد، کارکنان از اظهارنظر پشیمان می‌شوند. مقاله حاضر که از نشریه هاروارد بیزنس ریویو (HBR) ترجمه شده است، حاصل یک پژوهش گسترده و مصاحبه با مدیران بیست شرکت بین‌المللی است. این پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌ها برای اجرایی کردن نظرات کارکنان، با هفت چالش روبه‌رو هستند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

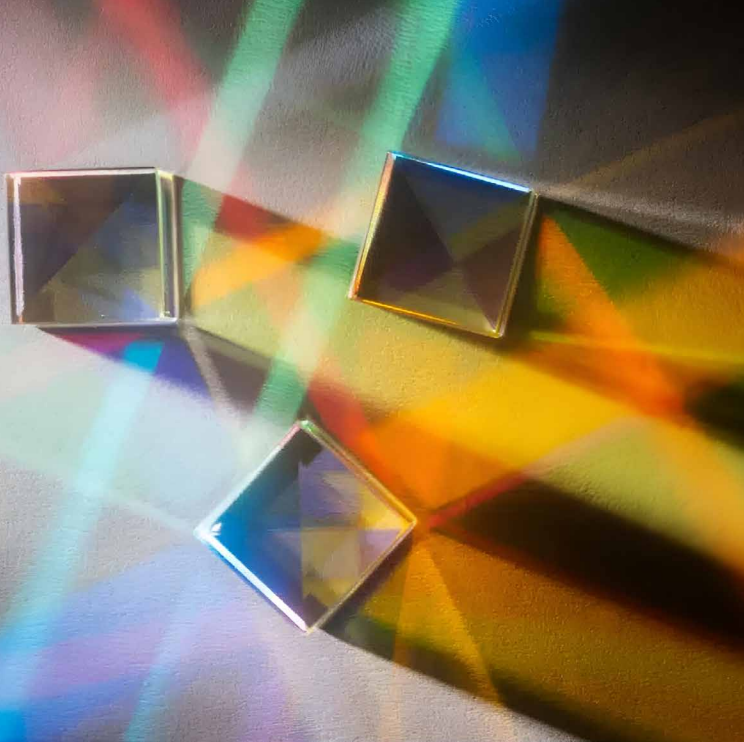
تفسیر و درک تمام داده‌ها

پیشرفت فناوری، نظرسنجی را آسان کرده و شرکت‌ها در بازه‌های سالانه، شش‌ماهه، هفتگی، روزانه و حتی ساعتی از کارکنان، بازخورد می‌گیرند؛ با این حال گردآوری سریع داده‌ها نه تنها کافی نیست، بلکه هنگامی که باعث تغییر عملی نمی‌شود، تاثیر منفی می‌گذارد.

حجم بالای داده‌ها که از بخش‌ها و واحدهای گوناگون یک شرکت می‌رسند، مدیران را سردرگم می‌کنند. از سوی دیگر، از آنجا که این داده‌ها از منابع و قالب‌های گوناگون (نظرسنجی، جلسات رودررو، اتاق‌های فکر گروه‌های کانونی) به دست آمده و برخی از آنها کمی (آمار و ارقام) و برخی دیگر کیفی (توصیف شرایط) هستند، جمع‌بندی منسجم آنها نیز کار ساده‌ای نیست.

برخی شرکت‌ها حجم و پیچیدگی داده‌ها را کاهش می‌دهند و افراد مجاز برای نظرسنجی یا روش‌های گردآوری داده را محدود می‌کنند. سازمان‌های دیگر، به جای نظرسنجی عمومی درباره شرایط کار، یک موضوع خاص را مورد نظرسنجی قرار می‌دهند؛ به عنوان نمونه "نظرسنجی بازخورد مدیر"، "نظرسنجی اولین ۹۰ روز کاری" و "نظرسنجی کارکنان دورکار".

یکی از خلاقیت‌ها برای گردآوری جامع نظرات، ایجاد "تیم‌های تحلیل بازخورد" است؛ این تیم‌ها شامل تحلیل‌گر، دانشمند داده و روانشناس هستند و با همکاری منابع انسانی و واحدهای کسب و کار، بر گردآوری داده نظرات می‌کنند. به عنوان مثال، مایکروسافت از یک تیم تحلیل بازخورد استفاده می‌کند که اعضای آن از مناطق، واحدهای کسب و کار و حوزه‌های گوناگون می‌آیند. این افراد به عنوان پیش‌تازان تیم مرکزی بازخوردگیری عمل می‌کنند تا تضمین کنند جریان اطلاعات و بینش‌ها



کارکنان تقدیر می‌کند، به اشتراک می‌گذارند. بعضی دیگر از شرکت‌ها نیز پیام‌های مهم را از طریق سلسله‌مراتب و توسط مدیران میانی منتشر می‌کنند. بعضی از سازمان‌ها نیز، اقدامات نمایشی‌تری انجام می‌دهند و سعی می‌کنند با برگزاری جلسات رودررو با کارکنان واحدهای گوناگون، عزم برای تغییر را منتقل کنند.

ریشه‌یابی مشکلات

نظرسنجی‌ها نشان می‌دهند که مشکلی وجود دارد، اما دقیقاً مشخص نمی‌کنند که چه مشکلاتی وجود دارند! به عنوان مثال، پس از نظرسنجی در یک شرکت مخابراتی، افرادی با سمت سازمانی خاص، اعلام نارضایتی کردند، اما علت نارضایتی مشخص نبود. مدیران که نمی‌خواستند با یک نظرسنجی دیگر، کارکنان را خسته کنند، همه افراد با آن سمت شغلی (حتی افرادی که اعلام نارضایتی نکرده بودند) را در جلسات حضوری فراخواندند تا مشکلات اصلی را شناسایی کنند.

معمولاً علت زیربنایی مشکلات، با مسائلی که مطرح می‌شود، متفاوت است. به عنوان مثال، در شرکتی که کارکنان نسبت به ارتقای شغلی اعلام نارضایتی می‌کردند، پس از بررسی بیشتر مشخص شد که مساله اصلی، فرهنگ سازمانی است؛ مدیران شرکت که نگران رسیدن به اهداف سه‌ماهه بودند، ارتقای کارکنان را به تعویق می‌انداختند تا مبادا کم‌تجربه بودن آنها در سمت جدید و خالی ماندن جایگاه پیشین آنها، مشکل ایجاد کند.

حفاظت از حریم خصوصی کارکنان

مدیران از طرفی باید محرمانه ماندن نظرات کارکنان را تضمین کنند و از طرف دیگر، لازم دارند با ارتباط گرفتن با کارمندان ناراضی، از مشکلات خاص آنها اطلاع پیدا کنند. لازم است که نظرسنجی، به جای حرکت به سمت تقویت عقاید یا شناسایی کارکنان ناسازگار، به دنبال تقویت تعامل و ایجاد اعتماد باشد.

شرکت‌ها برای حفظ اعتماد کارکنان، امکان انتخاب میان نظرسنجی "ناشناس" (هیچکس از هویت پاسخ‌دهنده مطلع نشود) و "محرمانه" (همکاران نزدیک بتوانند پاسخ‌دهنده را تشخیص بدهند) را می‌دهند. آنها همچنین می‌توانند با کمک فناوری، محتوای نظرسنجی را خلاصه کرده و با تغییر ادبیات آن، نگرانی کارکنان از شناسایی شدن را کمتر کنند. به عنوان مثال واحد منابع انسانی یک شرکت، نظرسنجی دوره‌ای را برای ۵ درصد از کارمندان (که چند هزار نفر بودند) در یک دوره شش هفته ارسال می‌کند و سپس از هوش مصنوعی برای خلاصه کردن گزارش‌ها استفاده کرده و خلاصه‌ها را به مدیران ارشد ارائه می‌دهد.

جمع‌بندی نظرات متضاد

تعداد بالای نظرات، رسیدن به نتیجه یکپارچه را دشوار می‌کند و معمولاً بر سر بهترین راهکار یا حتی مهم‌ترین مشکل نیز اختلاف نظر وجود دارد. هوش مصنوعی می‌تواند به یافتن نکات مشترک کمک کند، اما معمولاً بخش قابل توجهی از کارمندان از هر تصمیمی ناراضی هستند. هنگامی که کارکنان با تصمیمی موافق نیستند، اعلام نکردن دلایل تصمیم مدیران، مشکلات دیگری ایجاد می‌کند؛ به عنوان مثال، کارگرانی که شاهد تعدیل نیروی همکارانشان بدون هیچ‌گونه توضیحی از طرف مدیران بودند، ۳۰ درصد بیشتر از موارد مشابهی که در آن تعدیل نیرو، توجیه شده بود، اعتماد خود را از دست داده بودند.

مدیران معمولاً از سه عنصر در این ارتباطات پیچیده استفاده می‌کنند: (۱) اعلام عدم اجماع (۲) توضیح معیارهای تصمیم‌گیری و (۳) بیان تاثیر دیدگاه‌های گوناگون روی تصمیم نهایی. یک تاکتیک خوب این است که نتایج را به این شکل خلاصه کرده و به کارکنان اطلاع دهید: «ما صحبت‌های شما را شنیدیم و برخی از شما X را گفتند و برخی دیگر از Y

دفاع کردند.» سپس تصمیمی عملی اتخاذ کنید که نشان دهد قصد تغییر دارد، هرچند نتیجه هم با X و هم Y متفاوت باشد.

قوت دادن قورباغه‌ها

بازخوردها همیشه خوشایند نیستند و ممکن است با استراتژی کسب‌وکار همسو نبوده یا مستلزم راهکارهای پیچیده باشند؛ یادآوری محدودیت قدرت مدیران یا پیشنهاد کارهایی که صلاح نمی‌بینند، مدیران را ترغیب می‌کند که بازخورد منفی را نشنیده بگیرند و فقط تایید و صحبت‌های مثبت کارکنان را بشنوند.

واحد منابع انسانی باید ضمن یادآوری ارزش نظرسنجی‌های ناخوشایند، به مدیران کمک کند تا بازخوردها را با اهداف استراتژیک شرکت، مرتبط کنند. به عنوان مثال، اگر مدیران فقط به نتایج مالی توجه می‌کنند، منابع انسانی باید نشان دهد که هزینه کردن برای حفظ کارکنان توانمند، در نهایت عملکرد مالی را نیز بهتر می‌کند. همچنین، مدیران ارشد باید بازخوردها را بشنوند و در سطح کلان و استراتژیک، در شرکت پیاده‌سازی کنند.

ایجاد شرایط تغییر

اگرچه کارکنان توقع دارند که نتیجه عملی بازخوردهایشان را بلافاصله ببینند، اما معمولاً ظرفیت تغییرات لازم وجود ندارد و در شرایط عادی نیز بیشتر شرکت‌ها با حداکثر توان خود کار می‌کنند؛ در نتیجه، برای اعمال تغییرات، لازم است که شرکت‌ها از بخشی از وظایف مدیران و کارکنان بکاهند تا توان ابتکار و اجرای جدید را داشته باشند.

امروزه بسیاری از پلتفرم‌های نظرسنجی دارای ماژول‌های برنامه‌ریزی برای ثبت اقدامات عملی هستند؛ یکی از این پلتفرم‌ها، امکان ثبت اقدامات براساس قانون ۳-۲-۱ (انتخاب یک موضوع، انجام دو اقدام و سه بار بررسی پیشرفت) را ارائه می‌کند. شرکت‌های پیشرو همچنین اقدام‌ها و ابتکاراتی که در نتیجه اظهارنظر کارکنان انجام شده‌اند را اعلام می‌کنند. به عنوان مثال، مایکروسافت نتایج نظرسنجی‌های سراسری را در اختیار تمامی کارکنان قرار می‌دهد و از مدیران می‌خواهد پس از هر نظرسنجی، جلسه‌ای برای بررسی تجربه تیم‌هایشان برگزار کنند.

بسیاری از مدیران ابراز می‌کنند که نمی‌توان به یک‌باره پرونده یک مشکل را بست و سراغ موضوع بعدی رفت؛ بسیاری از مسائل، به‌طور دائم دچار تحول شده و به‌سادگی از بین نمی‌روند. مدیر یکی از شرکت‌های خدماتی در این زمینه می‌گوید: «۸۰ درصد کار، طراحی فرآیند بلندمدت برای مواجهه با مساله است. باید شنیده‌ها، موقعیت کنونی و موقعیت مطلوب را براساس بازخورد مشخص کرده و اعلام کنیم که نظرسنجی بعدی برای بررسی میزان پیشرفت، چه زمانی برگزار خواهد شد.» ■

عوامل شکست کسب‌وکارها



احمد اتنی‌عشری

نائب‌رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی خراسان رضوی
رئیس انجمن صنفی کارشناسان طبقه‌بندی مشاغل

وضعیت مطلوبی پیدا کردیم که پیش از انقلاب نداشتیم. در طی سال‌های بعدی اگرچه ما همچنان در برخی صنایع وضعیت خوب خود را حفظ کردیم (صنایع معدنی مانند فولاد، پتروشیمی، صنایع غذایی مانند رب، لبنیات و غیره) اما به دلایل گوناگون که در ادامه به آنها می‌پردازیم، برخی از برندها در چند دهه اخیر دچار افول و سقوط شدند.

تغییر نسل‌ها

برخی از عوامل سقوط برندها، جهانی بوده و فقط مختص به کشور ما نیست؛ به‌عنوان مثال، حتی برند بزرگی مانند نوکیا که زمانی بازار را در دست داشت نیز نتوانست با سامسونگ و اپل رقابت کرده و بازار را به آنها واگذار کرد.

یکی از مشکلات رایج در کسب‌وکارها (به‌ویژه کسب‌وکارهای خانوادگی) مساله تغییر نسل مدیران است؛ نسل اول مدیران که در واقع بنیانگذاران شرکت هستند، احساس حمیت و تعلق بیشتری نسبت به آن دارند و حاضرند برای حفظ و رشد آن هزینه کنند. این چالش ریشه در تفاوت‌های بنیادین بین نسل اول (بنیانگذاران) و نسل‌های بعدی مدیران دارد که ناشی از تغییر ارزش‌ها، اولویت‌ها و شرایط اجتماعی-اقتصادی است. کسب‌وکار برای آنها چیزی بیش از یک منبع درآمد است و به بخشی از هویت شخصی و میراث خانوادگی‌شان تبدیل می‌شود؛ اما نسل بعدی مدیران که کسب‌وکاری ساختاریافته را تحویل می‌گیرند، از آنجاکه هزینه نسل قبل را نپرداخته‌اند و احساس خویشتی با برند ندارند، ممکن است به‌طور کلی از این کسب‌وکار خارج شده یا با مهاجرت به خارج از کشور، آن را رها کنند.

تسهیل واردات و ناتوانی از رقابت

در کنار عوامل عمومی و مشترک، عواملی خاص برای افول برندهای ایرانی نیز وجود داشته‌اند. بخشی از برندهای ایرانی، به‌دلیل ناتوانی از رقابت با نمونه‌های خارجی، از این عرصه حذف شده‌اند. همانطور که محدودیت واردات و تفاوت شدید نرخ ارز برای تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان باعث رشد کسب‌وکارهای داخلی شده بود، بهبود نرخ ارز و گسترش واردات کالاهای ارزان‌قیمت، به برخی شرکت‌ها ضربه زد؛ هنگامی که کالاهای خارجی مقرون به‌صرفه‌تر شدند، دوباره به سبد مصرف‌کنندگان ایرانی بازگشتند. از سوی دیگر، بسیاری از شرکت‌های ایرانی نتوانسته بودند پایه‌های رقابتی خارجی در فناوری پیشرفت کنند و در نتیجه، کیفیت محصولات آنها به‌نسبت، مرتب کاهش یافت. به این ترتیب، شرکت‌های خارجی با محصولات ارزان‌قیمت و باکیفیت، توانستند بخش‌هایی از بازار ایران را تصاحب کنند.

یکی از روایت‌های رایج در محفل‌های کسب‌وکار در کشور ما، بازبینی عوامل رشد و سقوط برندهایی است که زمانی نه‌چندان دور بازار ایران را در دست داشتند. در این یادداشت یکی از پیشکسوت‌های اتاق بازرگانی با بررسی عوامل این رشد و افول، نقش عوامل و نهادهای مختلف را در این زمینه شرح می‌دهد.

رشد کسب‌وکارهای ایرانی

افزایش درآمدهای فروش نفت و در پی آن افزایش جهانی قیمت نفت فرصت مناسبی برای جهش اقتصادی ایران در دهه ۳۰ و ۴۰ فراهم آورد. این رشد اقتصادی در کنار توسعه روابط بین‌المللی موجب شد برخی از صنایع در کشور پایه‌گذاری و در مسیر رشد قرار گیرند. در این دوره اگرچه ما در بسیاری از زمینه‌ها تولیدکننده نبودیم، اما سرمایه‌گذاران با واردات ماشین‌آلات و مونتاژ کالاهای تولید گسترده را شروع کردند. با اینکه در این صنایع به خارج از کشور وابسته بودیم، اما با توجه به شرایط مساعد اقتصادی، برندهای موفق مانند ارج، ایران‌خودرو و کفش ملی ظهور و توسعه پیدا کردند که توانستند سهمی در بازار داخل و حتی خارج از کشور داشته باشند. بعد از انقلاب، بسیاری از این شرکت‌ها یا مصادره دولتی شدند یا صاحبان آنها به خارج از کشور رفته و در آنجا به کارآفرینی مشغول شدند. همچنین، با تغییر در روابط بین‌الملل و قطع فعالیت این کارخانه‌های مونتاژی با شرکت‌های خارجی، این رویه متوقف شد. بعد از انقلاب، به‌ویژه در سال‌های ابتدایی که مرزهای کشور تقریباً بسته بود، تصمیم بر خودکفایی در همه صنایع گرفته شد. از سوی دیگر، تفاوت میان نرخ ارزی که در اختیار تولیدکنندگان قرار می‌گرفت با ارزی که مردم در دست داشتند، کالاهای ایرانی را برای مصرف‌کنندگان داخلی مقرون به‌صرفه‌تر می‌کرد. در این شرایط که صادرات نیز متوقف شده بود، کارخانه‌های ایرانی برای داخل کشور تولید می‌کردند و بازار را در دست داشتند. به این ترتیب، در برخی صنایع مانند لبنیات،



افسانه سیزیف

عدم حمایت دولتی

فضای عمومی کشور، تاثیر مستقیمی در رشد و بقای کسب و کارهای ایرانی دارد. در دهه هفتاد و ابتدای دهه هشتاد، در شرایطی که فضای رقابتی در جامعه و تجارت مناسب تر بود، شرکت های خصوصی نیز بهتر می توانستند رشد کرده و با شرکت های دولتی رقابت کنند. با گذشت زمان و با تغییر فضای عمومی، شرایط برای رشد بخش خصوصی نیز سخت تر شد و در نتیجه یک به یک افول کردند.

در سطح تصمیم گیری و سیاست گذاری، دولت ها تاکنون به بخش خصوصی اعتماد نداشته اند و جایگاه های اثرگذار را به بخش خصوصی واگذار نکرده اند. فراتر از این، در برخی عرصه ها و صنایع پردرآمدی مانند فولاد و پتروشیمی، شرکت های دولتی به رقابت با بخش خصوصی پرداخته و باتکیه به ظرفیت های گسترده تر خود، توانسته اند بازار را به دست بگیرند.

قیمت گذاری دستوری

قیمت گذاری دستوری یکی از ابزارهای مداخله گرانه دولت در بازار است که با اهدافی مثل کنترل تورم، حمایت از مصرف کنندگان یا تنظیم عرضه و تقاضا اعمال می شود. با این حال این سیاست در عمل می تواند پیامدهای نامطلوبی داشته باشد.

در نبود حمایت های دولتی، دخالت هایی که در فرآیند قیمت گذاری اتفاق می افتد، یکی از عوامل زیان آفرین برای بخش خصوصی است. در مورد کالاهای اساسی که دولت به تولیدکنندگان یارانه پرداخت کرده و برای آنها امتیازاتی قائل می شود، قیمت گذاری و حمایت از مصرف کننده موجه است؛ با این حال، در سایر صنایع زمانی که دولت بدون توجه به هزینه های واقعی تولید، محدوده قیمت گذاری پایینی برای بخش خصوصی اعمال می کند، سرمایه گذار را با زیان مواجه کرده و او را از فعالیت اقتصادی مولد ناامید می کند.

در برنامه هفتم توسعه این مساله دیده شده و تصویب شد که در صنایعی که دولت یارانه ای پرداخت نکرده و از کسب و کارها حمایت نمی کند، قیمت گذاری توسط خود تولیدکنندگان و در فضای رقابتی، اتفاق بیافتد؛ اما با به تعویق انداختن دوساله این مصوبه، همچنان قیمت گذاری همه صنایع دستوری مانده است.

در گذشته حمایت هایی از صادرکنندگان وجود داشت و برای آنها امتیازاتی مانند ارز دولتی قائل می شدند، اما در حال حاضر و به دلایل گوناگون از جمله شرایط اقتصادی ناشی از تحریم ها، کسری بودجه و سیاست های انقباضی این امتیازات نیز لغو شده است.

تعدد بی ثباتی قوانین

بخشی از حمایت دولتی از بخش خصوصی، در حوزه ثبات قوانین و مقررات است که فارغ از میزان همدلی آنها با نیازهای شرکت ها،

به مدیران آنها امکان تصمیم گیری بلندمدت و پیش بینی میزان عرضه و تقاضا در ماه ها و سال های آتی را می دهد.

یکی از مشکلات شرکت های ایرانی، صدور ده ها بخشنامه دولتی در هر سال است که شرایط فعالیت را به شدت تغییر می دهد. به عنوان مثال، در دوره های زمانی گوناگون گاه واردات برخی کالاها ممنوع و بعد آزاد شده که هم در کوتاه مدت فعالیت شرکت ها را با مشکل مواجه می کند و هم امکان برنامه ریزی بلندمدت را از آنها می گیرد.

در مجموع، می توان نتیجه گرفت که به ویژه در فقدان حمایت های دولتی، در صورتی که دولت نقش خود را در بازار کمتر کند، به رشد بخش خصوصی کمک بیشتری خواهد کرد.

تبعات ناترازی انرژی

ناترازی انرژی و قطع اجباری فعالیت کارخانه ها و کارگاه ها، همین حالا نیز تاثیر خود را در بازار ایران گذاشته است. در سال های اخیر ناترازی تولید برق و گاز موجب ایجاد اختلال شدید در روند تولید صنایع داشته است. قطع شدن برق و گاز به ویژه زمانی که بدون برنامه ریزی رخ داده، موجب زیان های گسترده به شرکت های لبنی و مرغداری ها و کارگاه ها و کارخانه های دارای کوره شده است. با توجه به شرایط کنونی، می توان پیش بینی کرد که اگر تدبیری اندیشیده نشود، در تابستان آتی با قطع برق بیشتر و حتی قطع گاز مواجه شویم.

از سوی دیگر، دولت کارخانه ها را موظف کرده است که بخشی از برق مورد نیاز خود را با استفاده از سلول های خورشیدی و انرژی تجدیدپذیر تولید کنند، که خود پروژه ای پرهزینه است که به زیان کارخانه ها اضافه می کند؛ در شرایطی که بسیاری از کارخانه ها تجهیزات کافی را ندارند، از تخصص لازم نیز برخوردار نیستند و می توان پیش بینی کرد تا آینده نزدیک، توان احداث نیروگاه های خورشیدی خود را نداشته باشند. در این شرایط، شرکت ها مجبور به تعدیل نیروهای خود و پرداخت بیمه بیکاری می شوند، در حالی که به خاطر ناتوانی از اجرای تعهدات خود، بازار را نیز از دست داده اند. در نتیجه می توان پیش بینی کرد که با تداوم روند کنونی، شرکت های بیشتری به آستانه ورشکستگی و حذف کامل از بازار برسند.

امید به بازگشت

بخش خصوصی برای رشد دوباره به تامین ارز (با قیمت باثبات) و حمایت نظام مالی کشور نیاز دارد. به دلیل بالا رفتن قیمت مواد اولیه بیشتر واحدهای صنعتی در مضیقه هستند و با توجه به سیاست انقباضی و بالا بودن بهره بانک ها، تولیدکنندگان به منابع مالی دسترسی ندارند. در این شرایط، کسب و کارها به تامین نقدینگی توسط نظام بانکی نیاز دارند، اما محدودیت های تسهیلات و سود سپرده ها، امکان اینگونه تامین مالی را از آنها گرفته اند. ■

عطش زمین

بحران منابع آب در ایران



نیلوفر منصوری
روزنامه‌نگار محیط زیست

به ۵۱ میلیارد مترمکعب برسد. علاوه بر این، ناترازی آبخوان‌ها باید ۱۰۵ میلیارد مترمکعب کاهش یابد و دست‌کم باید بین ۶ تا ۷ میلیارد مترمکعب در سال شاهد کاهش ناترازی آبی باشیم؛ در حالی که ۱۵۲ میلیارد مترمکعب بیشتر از آن چیزی که وارد سفره‌های زیرزمینی شده از آن برداشت شده است که منجر به تشدید فرونشست زمین می‌شود.

جبر جغرافیایی

خشکسالی ویژگی غالب شرایط سرزمینی ایران است و جمله معروف امپراطور هخامنشی نیز این است که خداوند این کشور را از سه بلا دور کند: دشمن، دروغ و خشکسالی. اگرچه به دلیل شرایط جغرافیایی، خشکسالی همیشه در ایران حضور داشته، اما نباید فراموش کرد که با پذیرش این شرایط توانسته‌ایم به زندگی در این سرزمین ادامه دهیم. این کارشناس محیط زیست می‌گوید: «بارندگی در ایران به طور متوسط یک‌سوم میانگین جهانی است و تبخیر آن دو تا سه برابر بیشتر از میانگین جهانی است. کشور ما در عرض ۲۵ تا ۴۰ درجه نیم‌کره شمالی قرار دارد که در عرض کمربند خشک جهان است؛ بنابراین باید نوعی از سیاست توسعه اعلام و اجرا می‌شد که اقتصاد کشور کمترین وابستگی

همه کشورهای دنیا در چند دهه اخیر با کاهش منابع آب به دلیل تغییرات اقلیمی، خشکسالی و کاهش سطح آب دریاها مواجه شده‌اند، اما برای کشورهایی مانند ایران که در کمربند خشک و نیمه‌خشک جهان قرار دارد، این مساله شدیدتر بوده است. در مصاحبه با "محمد درویش" کارشناس محیط زیست، به ابعاد و نتایج بحران منابع آبی در کشور و راهکارهای آن می‌پردازیم.

سهم آب کشاورزی

کاهش میزان بارندگی و بروز خشکسالی‌های پی‌درپی از مهم‌ترین عوامل کمبود آب در ایران به شمار می‌آیند. علاوه بر عوامل طبیعی، عوامل انسانی نیز در این میان نقش پررنگ و کلیدی در سطح بالای ناکارآمدی مدیریتی دارند و آن را به یک بحران جدی تبدیل کرده‌اند. در حال حاضر، بیشتر مناطق کشور ما با مشکلات جدی در زمینه کمبود آب مواجه هستند.

محمد درویش، کارشناس محیط زیست، بحران آب در کشور را خیلی جدی می‌داند و اعتقاد دارد «بحران آب، تابستان امسال را به یکی از دشوارترین فصول در تاریخ اقلیمی کشور بدل خواهد کرد. خشکسالی فزاینده، تغییرات اقلیمی و کاهش منابع آبی، از چالش‌های بی‌سابقه در مواجهه با بحران آب و تغییرات اقلیمی است. وقتی از ناترازی آب حرف می‌زنیم، سال‌هاست که تیغ تیز اتهام به‌سوی بخش کشاورزی است. بیش از ۹۰ درصد منابع آبی کشور صرف این بخش می‌شود. با بهره‌وری نامناسب در مصرف آب، اقتصاد و زندگی روزمره مردم نیز تحت‌الشعاع قرار گرفته است. این موضوع نشان می‌دهد عدم برنامه‌ریزی درست این وضعیت بغرنج را ایجاد کرده است.»

استخراج منابع زیرزمینی

درویش با بیان اینکه با توجه به شرایط بارندگی و اقلیمی، وضعیت خوبی برای سال ۱۴۰۴ متصور نیست اضافه می‌کند: «آخرین آمار منتشرشده ازسوی شرکت مدیریت منابع آب ایران، نشان می‌دهد که ابعاد ناترازی منابع آب زیرزمینی افزایش پیدا کرده که برخلاف محتوای سند ملی امنیت غذایی است. طبق گزارش‌های وزارت نیرو، از مصرف سالانه ۹۸ میلیارد و ۱۰۰ میلیون مترمکعب آب در کشور، حدود ۸۸ میلیارد مترمکعب آن در بخش کشاورزی، حدود هشت میلیارد مترمکعب در بخش شرب و حدود دو میلیارد مترمکعب در بخش صنعت مصرف می‌شود.» طبق دستورالعمل صادره در سند امنیت غذایی، باید تا سال ۱۴۱۱ دست‌کم ۳۰ میلیارد مترمکعب در مصرف آب کاهش یابد و از ۸۱ میلیارد مترمکعب





را به آب داشت. اما این اتفاق نیافتاد و در این شرایط نه تنها به وضعیت اقلیمی توجهی نکردیم، بلکه به دنبال اقتصاد آب محور حرکت کردیم. توسعه اراضی کشاورزی، توسعه ابزارهای وابسته به بارش، توسعه محصولات کشاورزی چون پسته و سیب از اشتباهاتی است که شدت خشکسالی را تشدید می‌کند و این اشتباهات مرتب تکرار می‌شود. از نظر این کارشناس محیط زیست، اشتباه دیگر، گسترش صنایعی است که مصرف آب بسیار بالایی دارند، مانند سیمان، پتروشیمی، فولاد و هسته‌ای. به عنوان مثال «صنعت فولاد هفت برابر سایر صنایع به مصرف آب نیاز دارد. صنعت هسته‌ای هفت برابر فولاد آب می‌برد. درحقیقت صنایعی که در اقتصاد کشور به دنبالش بودیم برخلاف واقعیت‌های اقلیمی کشور ما بود.»

وضعیت کم‌آبی استان‌ها

همانطور که درویش می‌گوید بحران آب تنها به مناطق مرکزی و بیابانی ایران محدود نمی‌شود: «آمارهای مربوط به بارندگی‌ها که تا ۱۵ فروردین ازسوی شرکت مدیریت منابع آب منتشر شده، گویای این وضعیت است که فقط استان گیلان درمقایسه با میانگین بلندمدت بارندگی ۱۲ درصد بهتر است و بقیه استان‌های ایران همه در شرایط خشکسالی هستند. پیش‌بینی صورت گرفته برای سال آبی ۱۴۰۴ این است که اوضاع بدتر خواهد شد و الان هم شرایط خشکسالی ۳۷- درصد است.» به گفته این کارشناس «سه استان سیستان و بلوچستان، هرمزگان و بوشهر با شدت بالای ۵۰ درصد خشکسالی، وضعیت بحرانی دارند که ادامه وضعیت نگران‌کننده سال قبلشان است. تهران به همراه آذربایجان شرقی، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، فارس، اردبیل، خراسان شمالی، چهارمحال و بختیاری، البرز، مرکزی، اصفهان، یزد، آذربایجان غربی، کرمان و خراسان جنوبی جزو استان‌هایی است که خشکسالی زیر ۵۰ درصد (۳۱ تا ۴۷ درصد) را تجربه می‌کنند. همچنین سه استان همدان، مازندران و زنجان، زیر ۱۰ درصد خشکسالی دارند؛ یعنی به راحتی می‌توانند وارد شرایط نرمال شده و اگر شرایط بارندگی خوب باشد، وارد شرایط ترسالی شوند.»

فرونشست

به گفته کارشناسان، مصرف منابع آب در ایران دو برابر میانگین جهانی است. زمانی که سطح آب زیرزمینی کاهش می‌یابد، کم‌کم آب موجود خاک از بین می‌رود و فقط هوا باقی می‌ماند، سطح خاک مستعد فرسایش بادی و موجب افزایش تولید گردوخاک می‌شود که به اصطلاح فرونشست زمین اتفاق می‌افتد. پدیده‌ای که امروزه در اکثر دشت‌های ایران مشاهده می‌شود: «براساس آمار، ایران در میان کشورهای دنیا با بیشترین میزان فرسایش خاک مواجه است. به طور متوسط هرساله بیش از ۱۶/۵ تن خاک در هر هکتار از بین می‌رود. ذرات کمتر از ۱۰ میکرون و ۲/۵ میکرون می‌توانند کیفیت زندگی انسان و بقیه زیست‌مندان حتی گیاهان را تحت تأثیر قرار دهند و موجب از بین رفتن کیفیت فتوسنتز و کیفیت اقلام زراعی شوند. این موضوع روی همه ابعاد زندگی اثر می‌گذارد.

این کارشناس اضافه می‌کند: «فرسایش بر اثر عوامل طبیعی مانند باران و باد است که باعث می‌شود خاک جابه‌جا شود. ازسوی دیگر گاهی اقدامات انسان باعث افزایش سرعت فرسایش خاک می‌شود؛ مانند قطع درختان، چرای بی‌رویه، تغییر کاربری اراضی و عوامل انسانی دیگر مانند جاده‌سازی. در برنامه ششم و هفتم توسعه این پیش‌بینی وجود داشت تا این حجم آب جبران شود، اما این اتفاق نیافتاد و برداشت همچنان ادامه دارد. در گذشته حجم آبی که برداشت می‌شد با نفوذ آب ناشی از ذوب برف، باران و سیلاب‌ها جایگزین می‌شد، اما در سال‌های اخیر علاوه بر شرایط اقلیمی، ساخت‌وسازهای بیش‌ازحد و حضور ریزگردها روی منابع آبی در کوهستان مثل برف موجب تیره‌رنگ شدن

برف می‌شود. افزایش فرونشست و از بین رفتن خاک در نتیجه ازدیاد ریزگردها، موجب خشکی تالاب‌ها، دریاچه‌ها و سدها شده، شدت سیل را افزایش داده و ذخیره منابع آبی را برای فصل گرما کاهش می‌دهد.» درویش در مورد نتایج فرونشست زمین معتقد است: «از پیامدهای جبران‌ناپذیر این پدیده شوم می‌توان به از بین رفتن پوشش گیاهی، کاهش منابع غذایی، از بین رفتن حیات وحش، کاهش حاصلخیزی خاک، افزایش خطر سیلاب، آلودگی و کاهش کیفیت منابع آبی، کم شدن حجم مفید سدها و ذخایر آبی در اثر رسوبات حاصل اشاره کرد. به همین دلیل «منابع آب» شاه‌کلید توسعه و عنصر مهم حفظ تاب‌آوری هر سرزمینی است. آب یک عنصر غیرقابل معامله است و نباید از خروج آب تولید ثروت کرد؛ درست مثل این که بگوییم که چون خون خیلی ارزشمند است باید خونمان را به فروش برسانیم که درآمد به دست بیاوریم. آب باید در این سرزمین وجود داشته باشد. حقایق محیط زیستی تالاب‌ها و رودخانه‌ها باید اختصاص پیدا کند تا حیات درخوری در این سرزمین رقم بخورد. ما می‌توانیم از طریق بالفعل کردن مزیت‌های بالقوه کشور در حوزه اقتصادی که آب محور نباشد، یعنی توسعه اقتصاد انرژی خورشیدی، انرژی بادی، رفتن به سمت توسعه زیرساخت‌های گردشگری طبیعی و تاریخی و سلامت تولید ثروت کنیم.»

راهکارهای عبور از بحران

یکی از نتایج فعالیت‌های دغدغه‌مندان و کارشناسان آبی کشور، تنظیم «سند ملی امنیت غذایی» بود. درویش با بیان این مطلب اضافه می‌کند: «بیش از ۶۰۰ کارشناس کشور سال‌ها تلاش کردند این سند را تنظیم کنند تا کشور بتواند از این بحران عبور کند و اجرای آن می‌توانست آینده ایران را بهبود دهد. این سند بهترین راهکار برای مدیریت منابع آبی کشور و رفع چالش‌های موجود در حوزه محیط زیست به‌ویژه در استان‌های شمالی بود. این سند در تیرماه ۱۴۰۲ ابلاغ شد اما با گذشت حدود دو سال از آن زمان، تقریباً هیچ اقدام و عزمی در زمینه اجرایی شدن آن صورت نگرفته و مغفول مانده است. طبق سند ملی امنیت غذایی سالانه ۶/۵ تا ۷ میلیارد مترمکعب صرفه‌جویی باید در بخش کشاورزی و صنعت اتفاق بیفتد.»

بازسازی و نوسازی زیرساخت‌های شبکه آبی یکی دیگر از مسائلی است که می‌تواند عمر مفید شبکه را افزایش داده و از هدررفت منابع آبی جلوگیری کند. به گفته این کارشناس، هرچند نمی‌توانیم سدهای ساخته‌شده، طرح‌های انتقال آب یا کارخانجات احداث‌شده را جابه‌جا کنیم، اما می‌توانیم جلوی احداث بیشتر مواردی از این دست را بگیریم. باید بپذیریم که کشور ما از منابع آبی کافی برخوردار نیست؛ ما طرح‌های آبیاری قطره‌ای پرفشار را برای صرفه‌جویی در آب راه‌اندازی کردیم اما نه تنها در عمل در مصرف آب صرفه‌جویی نشد بلکه زمین‌های کشاورزی را گسترش دادیم. ■

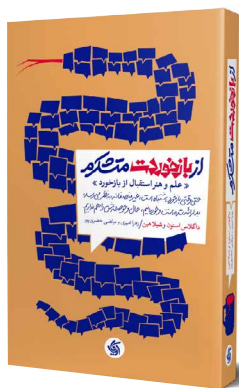
هنر پذیرش بازخورد

معرفی کتاب از بازخورد متشکر



نرگس لکی زاده

کارشناس روابط عمومی • بانک خاورمیانه



نسبت نزدیک دارد، هر بازخوردی را تحت الشعاع ارتباطمان با او تفسیر می‌کنیم. درواقع، توقع نداریم بازخوردهای منفی یا ناامیدکننده از او دریافت کنیم. توجه به این موضوع و شناخت نحوه تأثیرگذاری روابط بر دریافت بازخوردها می‌تواند در درک جان کلام راهگشا باشد. گوینده لزوماً با ما مشکل شخصی ندارد و ما می‌توانیم فارغ از روابطی که داریم بازخورد را تفسیر کنیم و به آن پاسخ بدهیم.

۳) محرک‌های هویتی: نگرانی از بی‌ارزش بودن

سومین مانع در بازخورد گرفتن، مربوط به از دست دادن اعتماد به نفس و تصور بی‌ارزش بودن در صورت پذیرش ضعف است. هنگامی که با بازخورد منفی روبه‌رو می‌شویم، ممکن است تصور کنیم که اصلاً نقطه قوتی نداریم؛ بنابراین ارزشمند نیستیم. این یکی از سازوکارهای دفاعی مغز است که با یادگیری درباره آن می‌توانیم اصل بازخورد را از تحریفات ذهنمان جدا کنیم. برای رفع این مسأله، باید ضمن رعایت انصاف در خودارزیابی و توجه به نقاط قوتمان، "هویت رشدمحور" را در خود تقویت کنیم. یاد بگیریم به بازخورد با نگرشی سنجیده و مناسب نگاه کنیم؛ کاری که به خودی‌خود صورت نمی‌گیرد و نیاز به تمرین دارد.

«ما در دنیایی پر از بازخورد زندگی می‌کنیم. بازخوردهایی که می‌گیریم گاهی به درمان می‌خورند و گاهی هم نه. گاهی بازخوردهایی می‌گیریم که با شنیدنشان دستپاچه یا تحقیر می‌شویم یا برعکس به خودمان افتخار می‌کنیم.

موضوع اینجاست که احساسمان نسبت به بازخورد دیگران هر چیزی که باشد باید قبول کنیم نمی‌توان با نادیده گرفتن نظرهای آنها در حصار امنمان پنهان شویم. از طرفی پذیرفتن بازخورد دیگران به این معنا نیست که هر آنچه درباره ما می‌گویند را قبول کنیم. بلکه به این معناست که چطور واکنش مناسبی به بازخورد دیگران نشان دهیم و چطور از آنها برای بهبود رفتار و روابطمان استفاده کنیم.»

متن بالا بخشی از کتاب "از بازخورد متشکر؛ علم و هنر استقبال از بازخورد" است که به چالش‌های بازخورد گرفتن و راهکارهای آنها می‌پردازد.

گفته‌ونه گوینده

کتاب حاضر به ما می‌گوید که می‌توانیم از بازخوردها استفاده کنیم، حتی اگر غیرمنصفانه و سوگیرانه باشند؛ رویکردی که این کتاب "رشدمحوری" نامگذاری می‌کند، به فرد کمک می‌کند که به هر انتقاد و بازخوردی به چشم فرصت تغییر و تعامل نگاه کند.

توصیه به توجه به جان و حقیقت کلام و اهمیت ندادن به مسائل حاشیه‌ای، اگرچه بدیهی به نظر می‌رسد، اما در عمل به‌خاطر هیجانات متعدد، دشوار و عذاب‌آور می‌شود؛ درنتیجه، موضوع اصلی کتاب از بازخورد متشکر، معرفی این هیجانات چالش‌برانگیز و ارائه راهکار کنترل آنهاست.

موانع هیجانی

از دید نویسندگان هیجاناتی که مانع از استفاده از بازخورد می‌شوند، در سه دسته جای می‌گیرند:

۱) محرک‌های حقیقتی: تفسیر نیت گوینده

اولین مانع در مواجهه با بازخوردها سوءتفاهم درباره نیت مقابل است؛ بازخوردها چیزی بیشتر از نظرات مثبت و منفی هستند و انواع مختلفی دارند. گاهی ممکن است ما نوعی از بازخورد را بخواهیم یا بشنویم درحالی که طرف مقابلمان منظور دیگری دارد.

برای جلوگیری از واکنش شتاب‌زده و سوءتفاهم، باید بتوانیم بین تعریف و تمجید (قدردانی)، راهنمایی (مری‌گری) و سنجش موقعیت (ارزیابی) تفاوت قائل شویم.

۲) محرک‌های رابطه‌ای: دلخوری از نزدیکان

تفکیک گوینده از آنچه می‌گوید دشوار است. زمانی که منتقد با ما رابطه و

«کسانی که مواجهه موثرتری با بازخورد دارند، داستان

هویتشان را، فرضیه متفاوتی شکل می‌دهد. این افراد

خودشان را همیشه در حال رشد و تحول می‌بینند؛ آنها

چیزی دارند که "هویت رشدمحور" نامیده می‌شود.»

نقل قول از متن کتاب

تبدیل تهدید به فرصت

در این کتاب تأکید می‌شود که استقبال از بازخورد به معنای پذیرش آن نیست؛ بلکه به معنای مشارکت ماهرانه در گفت‌وگوهایی با موضوع نقد یا بازخورد دادن به ماست. کتاب بر تفکیک بین منظور اصلی بازخورد و احساساتی که برمی‌انگیزد تأکید می‌کند و به خوانندگان توصیه می‌کند حتی از دل بازخوردهای اشتباه، بینشی به دست بیاورند که به رشد آنها کمک کند. بازخورد همیشه پیچیده‌تر از چیزی است که به نظر می‌رسد؛ بنابراین فهم بازخورد و قدرت واکاوی آن می‌تواند به افراد کمک کند ضمن اینکه گوش شنوایی برای بازخورد داشته باشند، بتوانند در مواجهه با آن تصمیم درستی بگیرند.

کتاب از بازخورد متشکر پذیرش تمامی بازخوردها و انتقادات را توصیه نمی‌کند اما به این نکته اشاره دارد که لزوماً تمامی بازخوردها با سوءنیت همراه نیستند و حتی اگر بخشی از آنها این‌گونه باشند، احتمالاً می‌توان از دل آنها، بینشی رشددهنده به دست آورد؛ به قول معروف می‌شود با آجرهایی که به سمت ما پرتاب می‌شوند هم پله (رشد و ترقی) بسازیم. ■

صدای آرام حمل و نقل

مروری بر زندگی لئون آهارونیان



مریم ذوالفقار

رئیس اداره روابط عمومی • بانک خاورمیانه

در مرکز پژوهش کشاورزی در شهر واخنینگن (Wageningen) به ادامه تحصیل مشغول شد. در سال ۱۳۴۷ و بعد از ۱۲ سال کار از بخش دولتی استعفا داد و به صورت تمام وقت به شرکت حمل و نقل بین المللی "ستی" ملحق شد که در آن زمان این شرکت با شش کارمند فعالیت داشت. با مدیریت لئون شرکت ستی به یکی از بزرگترین شرکت های حمل و نقل بین المللی ایران تبدیل شد و در حمل بارهای سنگین برای پروژه های نیروگاهی و پالایشگاهی تخصص پیدا کرد. در کنار فعالیت های حمل و نقل، لئون به همراه برادرش شرکت فرآورده های گوشتی آندره (مانند سوسیس، کالباس و فرآورده های پروتئینی) را تاسیس کرد. این شرکت با تولید محصولات باکیفیت به یکی از برندهای معتبر در صنعت غذایی ایران تبدیل شد.

آهارونیان تنها یک فعال اقتصادی نبود و در زمینه های فرهنگی و اجتماعی نیز فعالیت های گسترده ای داشت؛ سندیکای شرکت های بین المللی حمل و نقل با حضور ۵۵ شرکت در اتاق بازرگانی انتخاباتی برگزار کرد و لئون با کسب ۲۵ رای از ۵۴ رای به ریاست سندیکا انتخاب شد تا از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۴ ریاست سندیکا را برعهده داشته و نقش مهمی در توسعه روابط تجاری بین دو کشور ایفا کند.

برقراری اولین خط هوایی بین ایروان و ارمنستان در بهمن ماه ۱۳۶۹، برگزاری ۸ نمایشگاه ایرانی در ارمنستان، تنها بخشی از فعالیت های آهارونیان بود. او در ۲۳ آذر ۱۳۷۲، ریاست اتاق بازرگانی ایروان و ارمنستان را برعهده گرفت. در سومین دوره جایزه امین الضرب، لئون آهارونیان به پاس شش دهه تلاش و کارآفرینی این نشان را از اتاق بازرگانی تهران دریافت کرد. او تا پایان عمر هر روز راس ساعت ۹:۳۰ در شرکت حضور می یافت و همچنان در امور شرکت نقش فعال داشت. آهارونیان سرانجام در ۶ شهریور ۱۳۹۹ در سن ۹۰ سالگی درگذشت.

لئون آهارونیان مدیری مقتدر اما مهربان بود. کارمندان و همکارانش از او به عنوان فردی یاد می کنند که همواره در کنار تیمش بود، در تصمیم گیری ها مشارکت جمعی را ترجیح می داد و بر اصول انسانی در کار تاکید داشت. سادگی در زندگی شخصی، عدم وابستگی به تجمّل و روحیه خدمتگزاری از خصوصیات برجسته او بود.

لئون آهارونیان نمونه بارز کارآفرینی متعهد و مسئولیت پذیر بود که با حدود نیم قرن تلاش و پشتکار در زمینه حمل و نقل و وسایل سنگین نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران ایفا کرد. او با تاسیس شرکت های موفق، ایجاد اشتغال و فعالیت های فرهنگی، میراثی ماندگار از خود برجای گذاشت. ■

اقلیت ارمنی تبار ایران، به عنوان بخشی جدایی ناپذیر از پیکره فرهنگی و اقتصادی کشورمان، از دیرباز نقش آفرینان برجسته ای در بنیانگذاری و توسعه برخی از صنایع مهم و نوپا بوده اند. ارمنی تباران نه تنها در عرصه های هنری و فرهنگی (مانند معماری، موسیقی و نقاشی) درخشانند، بلکه پیشگام ورود و گسترش برخی فناوری ها و مشاغل مدرن در ایران شدند؛ صنعت چاپ با افتتاح اولین چاپخانه های مدرن در ایران توسط ارمنی ها متحول شد، بسیاری از نخستین کارگاه ها و کارخانه های ماشین آلات توسط صنعتگران ارمنی تبار راه اندازی شد و حتی در عرصه اجتماعی و تجاری، کافه های نوین، با مدیریت ارمنی تبارها رونق گرفته و به کانون های روشنفکری بدل شدند. در میان این چهره های گوناگون و تاثیرگذار، لئون آهارونیان به عنوان یکی از کارآفرینان پیشرو و چندوجهی در حوزه های حمل و نقل، غذایی و فرهنگی، جایگاهی ویژه دارد که در این یادداشت به گوشه هایی از زندگی او می پردازیم.

آهارونیان از برجسته ترین کارآفرینان ایرانی ارمنی تبار بود که با بیش از شش دهه فعالیت در توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران نقش ایفا کرد. او بنیانگذار شرکت فرآورده های گوشتی آندره و مدیرعامل شرکت حمل و نقل ستی (Sati) بود. آهارونیان در کنار فعالیت های بازرگانی، نقش مهمی در گسترش روابط فرهنگی و اقتصادی بین ارامنه و دیگر اقوام ایرانی ایفا کرد.

او در ۲۶ آبان ۱۳۰۹ در شهرستان هفتوان از توابع شهرستان سلماس در آذربایجان غربی در خانواده ای اهل صنعت به دنیا آمد. مادرش مدرک لیسانس از تفلیس داشت و پدرش دیپلمه و حسابدار بود. در سال ۱۳۱۶ خانواده آهارونیان به تهران مهاجرت کردند. همزمان با بسته شدن مدارس ارامنه به دستور رضاشاه، لئون با چالش های زبانی مواجه شد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در دبیرستان البرز و تمدن به پایان رساند. در سال ۱۳۳۱، لئون در رشته مهندسی شیمی در هنرسرای عالی (دانشگاه امیرکبیر) قبول شد و در سال ۱۳۳۴ فارغ التحصیل شد. او دوره کارورزی خود را در کارخانه قند شازند کرج گذراند.

آهارونیان در ۱۵ اردیبهشت ۱۳۳۵ در آزمایشگاه خاک شناسی وزارت کشاورزی استخدام شد. این آزمایشگاه با همکاری سازمان خواروبار جهانی (فائو) تاسیس شده بود. او در سال ۱۳۳۶ به عنوان معاون این اداره انتخاب شد. در سال ۱۳۳۹ با بورسیه سازمان خواروبار جهانی (فائو) به مدت یک سال به مرکز فائو در رم و پس از چند روز به هلند رفت و

استخدام نداریم

افزایش امید به زندگی و کاهش نرخ باروری، دو عاملی هستند که ساختار جمعیتی جهان را در چند دهه اخیر دگرگون کرده‌اند. امروزه میانگین سن افراد از هر زمان دیگری در تاریخ بشریت بیشتر شده، اما همزمان فرزندان کمتری به دنیا می‌آیند. به این ترتیب، گروه سالمندان در جامعه به سرعت در حال گسترش است و سهم جوانان از جمعیت هر روز کمتر می‌شود. این تغییرات، پیامدهای اقتصادی و اجتماعی عمیقی را به دنبال دارد که زندگی نسل‌های آینده را تحت‌تاثیر قرار خواهد داد.

کاهش نرخ باروری به معنای کوچک شدن جمعیت نیروی کار جوان است. در چنین شرایطی، رشد اقتصادی کند می‌شود، زیرا تعداد افراد فعالی که می‌توانند به فرآیند تولید کمک کرده و مالیات بپردازند، کاهش می‌یابد.

همزمان، افزایش امید به زندگی، جمعیت سالمندان را گسترش می‌دهد؛ جمعیتی که نیازمند خدمات بهداشتی، مراقبت‌های بلندمدت و مستمری بازنشستگی هستند. سالمندان به طور متوسط بیش از جوانان به خدمات پزشکی، دارو و مراقبت‌های طولانی‌مدت نیاز دارند. بیمه‌های سلامت و صندوق‌های بازنشستگی کلاسیک برای حمایت از این قشر و قدردانی از یک عمر فعالیت آنها ایجاد شده است، اما بار اصلی این نهادهای حمایتی بر دوش نسل جوان است؛ درواقع، پرداخت حق بیمه توسط نیروهای فعال، مستمری بازنشستگان را تامین می‌کند. کاهش نسبت جمعیت شاغل به بازنشسته باعث شده است که بار بیشتری بر دوش نیروهای فعال قرار بگیرد و برخی کشورها، بازنشستگی شهروندان خود را به تعویق بیندازند.

این روند همچنین تاثیر قابل توجهی بر بودجه دولت‌ها وارد کرده و آنها را وادار می‌کند در شرایطی که به خاطر کاهش نیروی کار فعال، درآمد مالیاتی کمتری دارند، هزینه بیشتری در بهداشت و درمان شهروندان سالمند هزینه کنند.

در این پرونده اقتصادی به بررسی ابعاد گوناگون سالمندی جمعیت و راهکارهایی که کشورهای دنیا در قبال آن اتخاذ کرده‌اند، می‌پردازیم. ■



بازنشستگی
ممنوع

۳۶

بودجه ۱۴۰۴

۳۴

انرژی‌های
تجدیدپذیر در ایران

۳۲

انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران



باقر قائدی

کارشناس تحقیقات اقتصادی • بانک خاورمیانه

سهم انرژی‌های تجدیدپذیر از تولید برق جهان

عدم تعادل عرضه و تقاضای انرژی در ایران، تمرکز بر توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر به‌ویژه خورشیدی را افزایش داده است. این رویکرد همسو با روند جهانی است که نشان می‌دهد سهم تجدیدپذیرها در تولید برق جهان از حدود ۱۹/۵ درصد در سال ۲۰۱۰ به بیش از ۳۰ درصد در سال ۲۰۲۳ رسیده و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ از ۴۵ درصد فراتر رود. رشد قابل توجه تولید برق تجدیدپذیرها در سال‌های اخیر به دلیل توجه ویژه به انرژی خورشیدی و بادی است.

در سال ۲۰۱۰ حدود ۱۶ درصد از کل مصرف برق جهان از برق آبی (برق تولیدی توسط سدها)، حدود ۰/۱ درصد از طریق خورشیدی و ۱/۶ درصد از طریق بادی تامین می‌شد؛ اما در سال ۲۰۲۳ این مقدار برای انرژی برق آبی به ۱۴/۳ درصد کاهش یافته و برق تولیدی از طریق خورشیدی و بادی به ترتیب به ۵/۴ درصد و ۷/۸ درصد افزایش یافته است. انتظار می‌رود تا سال ۲۰۳۰ سهم انرژی خورشیدی به شدت افزایش یابد و به حدود ۱۶/۱ درصد تولید برق جهانی برسد.

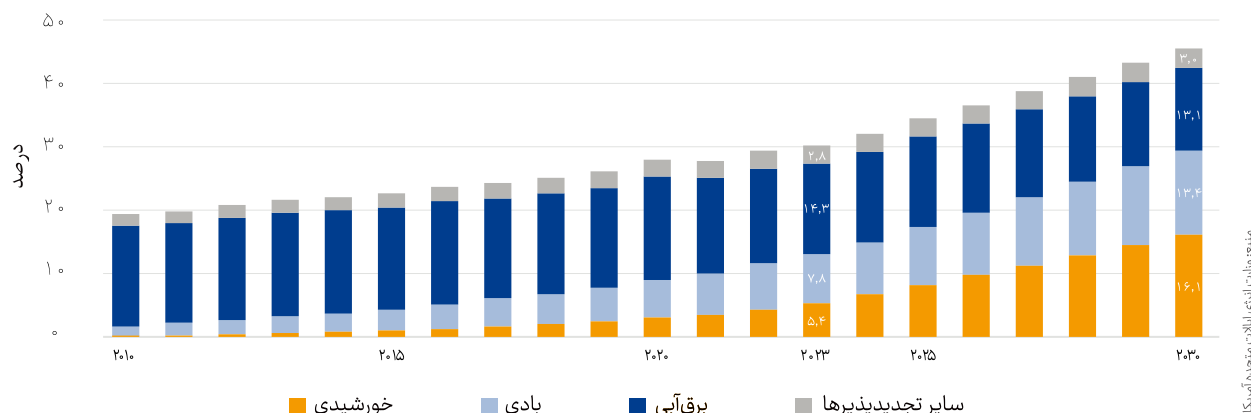
سرمایه‌گذاری در نیروگاه‌های خورشیدی به دلیل پیشرفت در افزایش کارایی پنل‌ها، افزایش حمایت‌های دولتی و نیاز به سرمایه‌گذاری کمتر نسبت به نیروگاه‌های بزرگ اتمی یا آبی در حال افزایش است. همچنین، پیامدهای زیست‌محیطی آن نسبت به گزینه‌هایی مانند نیروگاه‌های آبی (ایجاد سد) یا توربین‌های بادی (تأثیر بر پرندگان و مسائل بصری) کمتر است؛ پنل‌های خورشیدی بدون صدا یا آلودگی کار می‌کنند، که این مزایا توسعه آنها را تسهیل می‌کند.

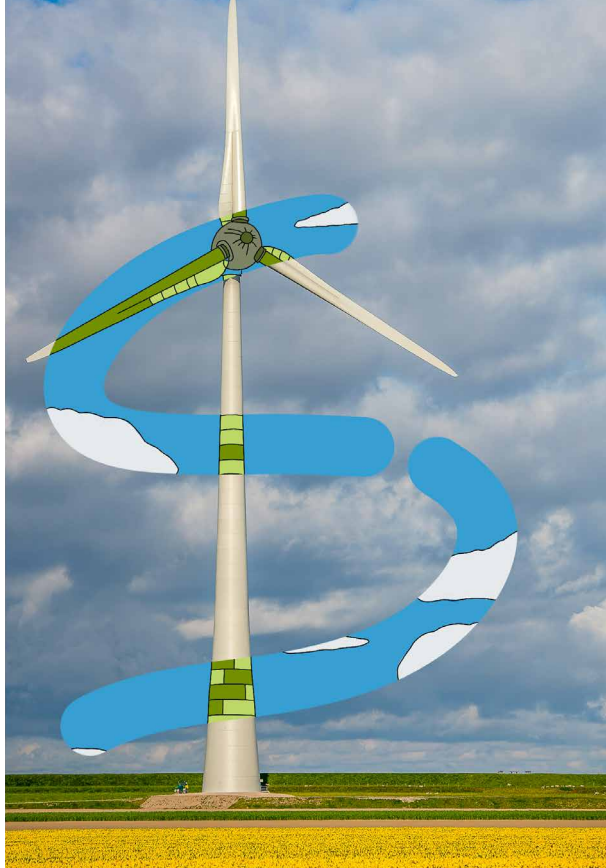
براساس آخرین داده‌های منتشرشده از سوی وزارت نیرو تا انتهای سال ۱۴۰۳، مجموع ظرفیت تولید انرژی‌های تجدیدپذیر نصب‌شده در کشور معادل ۱/۶ گیگاوات بوده که این میزان، تنها حدود ۱/۷ درصد از کل ظرفیت تولید برق در ایران را شامل می‌شود. بررسی روند توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران نشان می‌دهد که در طول سال ۱۴۰۳، تنها حدود ۶۰۰ مگاوات به ظرفیت این نوع انرژی‌ها افزوده شده است. بنابراین، سطح بهره‌گیری از انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران درمقایسه با متوسط جهانی بسیار پایین‌تر بوده و کشور در این زمینه، در مراحل آغازین توسعه قرار دارد.

ضرورت حرکت به سمت تجدیدپذیرها

در دنیای امروز با رشد جمعیت و گسترش صنایع، نیاز به انرژی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. در عین حال، منابع سنتی انرژی مانند نفت و گاز طبیعی محدود هستند و استفاده بی‌رویه از آنها به مشکلات زیست‌محیطی گسترده‌ای مانند تغییرات آب‌وهوایی و آلودگی هوا منجر شده است. انرژی‌های تجدیدپذیر به‌عنوان راهکاری پایدار برای تامین انرژی پاک و پایان‌ناپذیر، بیش‌ازپیش مورد توجه کشورهای جهان قرار گرفته‌اند. اما گسترش و بهره‌برداری از این انرژی نیازمند سرمایه‌گذاری زیاد و مساعد بودن شرایط آن است. در سال‌های اخیر و با توجه به محدودیت منابع سوخت فسیلی، گذار به‌سوی استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر برای ایران ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.

سهم انواع انرژی تجدیدپذیر در تولید برق جهانی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۳۰





وضعیت انرژی‌های تجدیدپذیر در ایران

پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که ناترازی مصرف برق در کشور طی تابستان سال ۱۴۰۴ به رقمی بالغ بر ۲۵ گیگاوات خواهد رسید. این میزان در حدود یک‌سوم برق مصرفی تمامی بخش‌ها در زمان اوج مصرف تخمین زده می‌شود.

اگر بنا باشد که ناترازی ۲۵ گیگاواتی با انرژی خورشیدی جبران شود، به حدود ۱۸/۲ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز داریم.

برآورد هزینه سرمایه‌گذاری موردنیاز جهت رفع ناترازی ۲۵ گیگاواتی برق مصرفی در ایران

شاخص	نیروگاه خورشیدی	نیروگاه بادی (خشکی)	نیروگاه سیکل ترکیبی گازی	نیروگاه اتمی
نرخ بازدهی (درصد)	۲۲	۳۵	۶۰	۹۰
ارزش سرمایه‌گذاری موردنیاز (میلیارد دلار)	۳۵	۳۹	۲۹	۲۰۰
بازگشت سرمایه با احتساب هزینه استهلاک و سوخت (سالانه)	۱۵	۱۱	۶	۲۹

منبع: محاسبات محقق

سرمایه‌گذاری موردنیاز جهت رفع ناترازی برق مصرفی ایران

محاسبات نشان می‌دهد که نیروگاه سیکل ترکیبی گازسوز، کمترین میزان سرمایه‌گذاری اولیه و کوتاه‌ترین دوره بازگشت سرمایه را داراست. نکته قابل توجه آن است که بازدهی متوسط نیروگاه‌های سیکل ترکیبی در جهان حدود ۶۰ درصد بوده، درحالی‌که این شاخص در ایران حدود ۳۶ درصد می‌رسد. از جنبه دیگر، وابستگی نیروگاه‌های سیکل ترکیبی به گاز طبیعی به عنوان سوخت اصلی، خود یک معضل اساسی در زمینه تامین انرژی در ایران محسوب می‌شود.

رفع ناترازی انرژی ایران با نیروگاه‌های خورشیدی یا بادی، نیازمند تخصیص بودجه‌هایی معادل به ترتیب ۳۵ و ۳۹ میلیارد دلار خواهد بود. درمقابل، ساخت نیروگاه هسته‌ای نه تنها مستلزم سرمایه‌گذاری بسیار هنگفتی در قیاس با نیروگاه‌های خورشیدی و بادی است، بلکه دوره بازگشت سرمایه آن نیز حدود ۲۹ سال به طول می‌انجامد که درمقایسه با سایر گزینه‌های تولید انرژی، زمان بسیار طولانی‌تری است.

چالش‌های انرژی خورشیدی در ایران

وابستگی به شرایط آب‌وهوایی و عدم استمرار تولید

بزرگ‌ترین ایراد انرژی خورشیدی این است که تولید برق تنها در حضور نور خورشید امکان‌پذیر است. در شب‌ها یا روزهای ابری و بارانی، پنل‌های خورشیدی عملاً تولیدی ندارند یا تولیدشان بسیار کم است. این وابستگی به روشنایی روز و شرایط جوی باعث می‌شود که انرژی خورشیدی یک منبع پراکنده و غیرمداوم باشد. کشورهای مختلفی برای این چالش راه‌حل‌هایی از جمله ذخیره‌سازی انرژی در باتری و تولید همزمان با نیروگاه‌های بادی را به کار برده‌اند. در سال‌های اخیر برخی از کشورها همچون عربستان سعودی و ژاپن جهت ذخیره‌سازی برق پنل‌های خورشیدی در روز به استفاده از روش الکترولایزر روی آورده‌اند. در این روش از برق تولیدشده در اوج نور آفتاب جهت تولید هیدروژن از آب استفاده می‌شود و از آن در شب یا روزهای ابری استفاده می‌شود که به عنوان یک سوخت پاک در ژنراتورهای مخصوصی قابل تبدیل به برق است.

چالش‌های قیمت‌گذاری

بخش انرژی، به‌ویژه خورشیدی، به شدت وابسته به تصمیمات و ثبات سیاست‌های حمایتی دولت است و بی‌ثباتی، سرمایه‌گذاران را دچار تردید

می‌کند. تغییرات ناگهانی در قوانین مانند نرخ خرید تضمینی و تاخیر در پرداخت‌ها می‌تواند پروژه‌های موجود را با زیان مواجه سازد. علاوه بر این، قیمت‌های یارانه‌ای انرژی فسیلی، رقابت را برای خورشیدی دشوار کرده و نیازمند اصلاح قیمت یا مشوق‌های معادل است؛ لذا موفقیت این پروژه‌ها علاوه بر فناوری، نیازمند بسترسازی اقتصادی، قوانین پایدار و رفع تضاد منافع دولت است.

هزینه اولیه بالا و فناوری وابسته به واردات

هزینه اولیه بالای تجهیزات خورشیدی، با وجود هزینه پایین در بلندمدت، یک مانع بزرگ است، به خصوص در کشورهای درحال توسعه مانند ایران و برای خانوارهای کم‌درآمد که قیمت تجهیزات نسبت به درآمدها بالاست. علاوه بر این، وابستگی به واردات فناوری و پنل‌های پیشرفته از کشورهای صنعتی، توسعه انرژی خورشیدی را در معرض ریسک‌هایی مانند تحریم‌ها و نوسانات ارزی قرار می‌دهد، هرچند تلاش‌هایی برای بومی‌سازی این فناوری نیز در حال انجام است.

بازده وابسته به موقعیت و نگهداری

عملکرد پنل‌های خورشیدی به شدت تحت تأثیر عوامل محیطی است؛ دمای بالا راندمان را کاهش می‌دهد و گردوغبار یا آلودگی سطح پنل، تولید برق را کم می‌کند، لذا تمیزکاری دوره‌ای (به‌ویژه در مناطق غبارآلود ایران) ضروری است. علاوه بر این، زاویه و جهت نصب صحیح پنل‌ها برای جذب حداکثر انرژی حیاتی است؛ درنتیجه، بهره‌برداری بهینه از انرژی خورشیدی نیازمند دانش فنی برای طراحی، نصب و نگهداری مناسب است، که هرچند از نیروگاه‌های بزرگ ساده‌تر، اما از اتصال به شبکه برق سنتی پیچیده‌تر محسوب می‌شود.

چالش بازیافت و پایان عمر پنل‌ها

پنل‌های خورشیدی حدود ۲۵ سال عمر مفید دارند و پس از آن حجم بزرگی از پسماند تولید می‌کنند. این پنل‌ها حاوی مواد مختلفی از جمله فلزات و نیمه‌رساناها هستند که دفع غیراصولی آنها می‌تواند باعث آلودگی محیط زیست شود. لذا با توجه به رشد استفاده از انرژی خورشیدی، ایجاد زیرساخت‌های موثر برای بازیافت این پنل‌های مستعمل امری ضروری است. این مساله یک چالش زیست‌محیطی بالقوه در آینده است، هرچند پژوهش‌ها و سرمایه‌گذاری‌هایی برای بهبود فرایندهای بازیافت در حال انجام است تا این مشکل به حداقل برسد و پایداری انرژی خورشیدی تضمین شود. ■

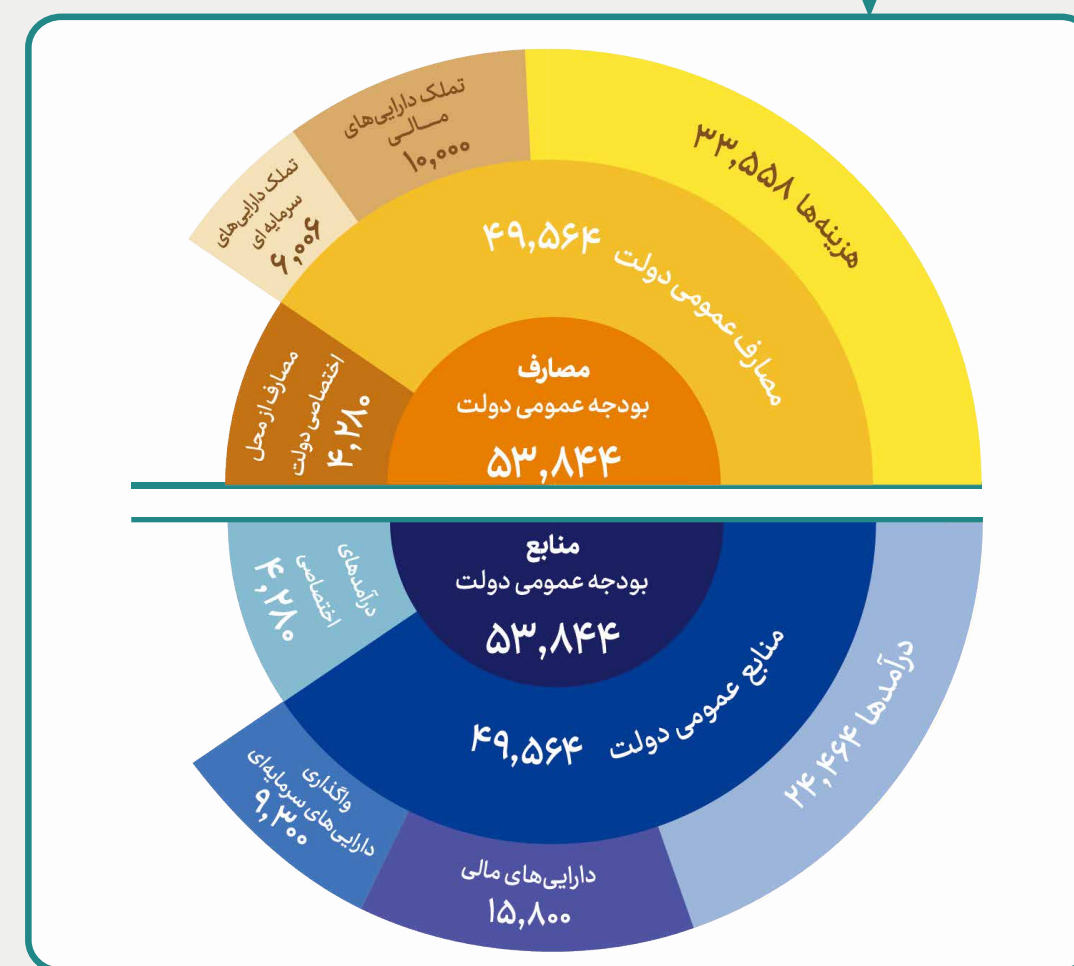
بودجه ۱۴۰۴

بودجه ۱۴۰۴ با رشد ۷۰ درصدی نسبت به سال قبل به ۱۱۲۷ هزار میلیارد تومان رسید؛ عمده این افزایش ناشی از رشد درآمدهای مالیاتی، واگذاری دارایی‌ها و افزودن اقلام فرابودجه‌ای است. با این حال، تحقق این منابع از سوی کارشناسان مورد تردید است؛ علی‌رغم تلاش دولت برای شفاف‌سازی، بودجه همچنان با کسری بالا، وابستگی به نفت و رشد هزینه‌های جاری روبه‌روست و کارشناسان بر اصلاح ساختار و کاهش اتکای بودجه به درآمدهای ناپایدار تاکید دارند.

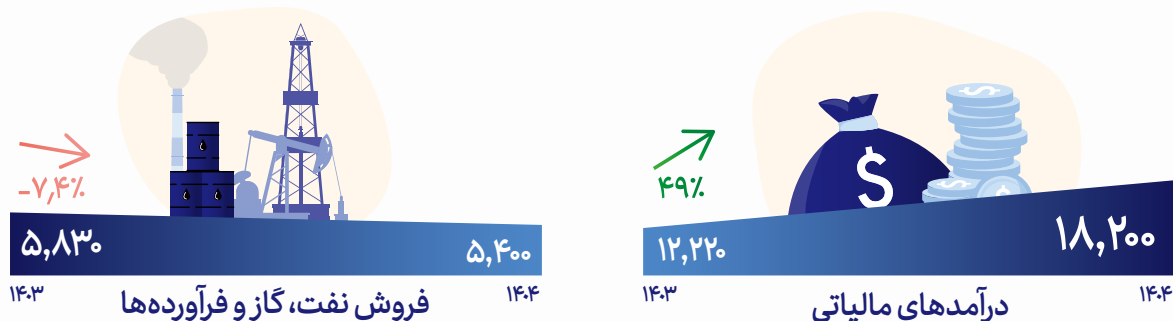
بودجه کل کشور ۱۱۲,۷۹۵

ارقام به هزارمیلیارد ریال است.

بودجه عمومی دولت	بودجه شرکت‌های دولتی و مؤسسات غیرانتفاعی وابسته به دولت
۵۳,۸۴۴	۶۳,۷۷۳



علی نبائی
روزنامه‌نگار اقتصادی



بازنشستگی ممنوع

پیامدهای اقتصادی سالمندی جمعیت

داشته و از ۴۰ سال در سال ۱۳۳۹ به حدود ۷۵ سال در سال ۱۴۰۱ رسیده است؛ یعنی در یک دوره حدوداً ۶۰ ساله تقریباً ۲ برابر شده است. بررسی هرم جمعیتی نیز نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱ جمعیت ۳۰ تا ۳۴ ساله بیشترین فراوانی را دارد. این جمعیت که در پایان جوانی و شروع میانسالی هستند در سال‌های نه‌چندان دور، در گروه سالمندان قرار خواهند گرفت.

۲) کاهش نرخ باروری

دیگر عامل موثر بر سالمندی جمعیت، کاهش نرخ باروری باتوجه به عوامل اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. شهرنشینی و صنعتی شدن و همچنین افزایش دسترسی به تحصیلات، میانگین سال‌های تحصیل را افزایش داده است. به‌طور معمول با افزایش آموزش و تحصیلات که به‌نوعی سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی تلقی می‌شود، مشارکت اقتصادی و به‌طور خاص، مشارکت اقتصادی زنان افزایش می‌یابد. به‌دنبال افزایش سطح تحصیلات و مشارکت اقتصادی زنان، ترجیحات آنها درباره ازدواج و فرزندآوری نیز تغییر می‌کند و این تغییر معمولاً به‌سمتی است که فرزندآوری را کاهش می‌دهد. با اینکه در ایران، نرخ مشارکت اقتصادی زنان در مقایسه با متوسط‌های جهانی پایین‌تر است اما در طول زمان، نرخ باروری تقریباً همسو با دیگر نقاط جهان کاهش یافته است. براساس آمارهای برنامه پیشرفت و توسعه ملل متحد (UNDP) میانگین سال‌های تحصیل در ایران در سال ۱۳۶۹ حدود ۶ سال و در سال ۱۴۰۱ حدود ۱۱ سال بوده است. میانگین سال‌های تحصیل زنان در این دوره از ۵ سال به ۱۱ سال رسیده و بیش از ۲ برابر شده است. همچنین نرخ باروری براساس داده‌های بانک جهانی از سال ۱۳۳۹ تا ۱۴۰۱ در یک روند نزولی قرار داشته و از ۷ به ۱/۷۴ رسیده است. نرخ باروری نشان می‌دهد به‌طور متوسط هر زن در طول دوران باروری خود، چند فرزند به دنیا می‌آورد.

تصویری از یک اقتصاد سالمند

با سالمندی جمعیت و خروج افراد از بازه سنی جمعیت فعال، عرضه نیروی کار کاهش پیدا می‌کند و به‌طور کلی، اقتصاد با کمبود نیروی کار مواجه خواهد شد. به‌این‌ترتیب با کاهش نیروی انسانی به‌عنوان یکی از عوامل تولید، رشد اقتصادی کند می‌شود یا کاهش می‌یابد.



مریم علم‌الهدی
روزنامه‌نگار اقتصادی

کاهش جمعیت جوان و افزایش سن کار، یکی از دغدغه‌های دولت‌ها در زمان ماست. ما ایرانیان در چند سال اخیر این مساله را از دولتمردان بسیار شنیده‌ایم اما این مشکل فقط به کشور ما محدود نبوده و در جهان گسترش پیدا کرده است. در این یادداشت، ضمن بررسی ابعاد و عواقب سالمندی جمعیت جهان به راهکارهای دولت‌ها در قبال آن می‌پردازیم.

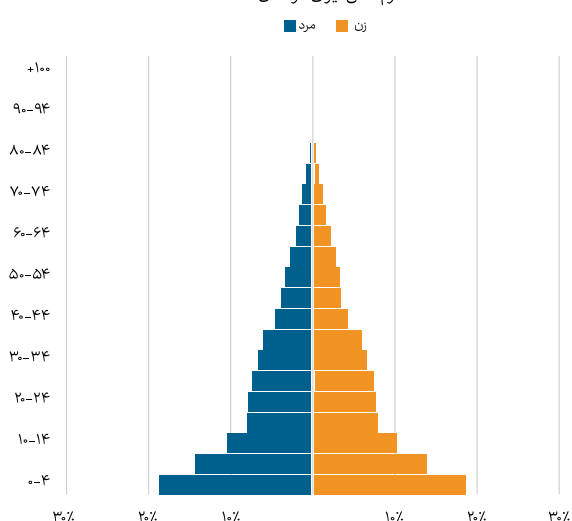
بیم و امید سالمندی جمعیت

به‌طور خلاصه دلایل سالمندی جمعیت را در دو دسته می‌توان خلاصه کرد: (۱) افزایش امید به زندگی و متوسط طول عمر (۲) کاهش نرخ باروری و تولد

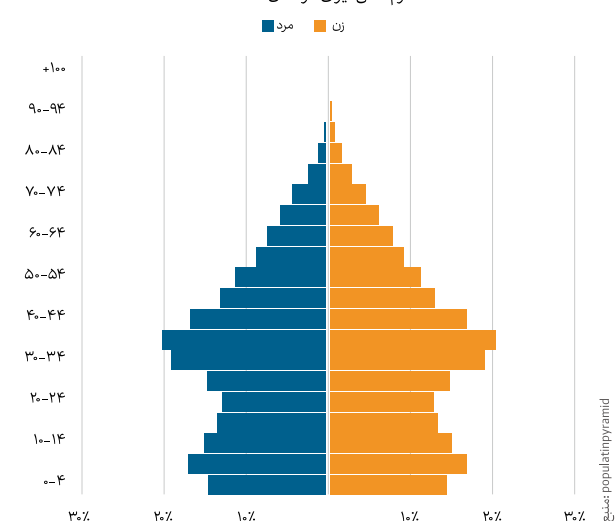
۱) افزایش امید به زندگی

یکی از اصلی‌ترین دلایل سالمندی جمعیت، افزایش متوسط طول عمر با پیشرفت‌های پزشکی و بهبود شرایط بهداشتی است. در کنار افزایش پیشگیری و کاهش ابتلا به بیماری‌ها، بسیاری از بیماری‌ها که پیش‌تر منجر به مرگ و میر می‌شدند، هم‌اکنون قابل درمان یا حداقل قابل کنترل هستند. براساس آمارهای بانک جهانی امید به زندگی در ایران نیز روند افزایشی

هرم سنی ایران در سال ۱۳۳۹



هرم سنی ایران در سال ۱۴۰۱





موسسه مک‌کینزی هشدار می‌دهد که در صورت تداوم نرخ‌های پایین باروری و افزایش امید به زندگی، ساختار اقتصادی بسیاری از کشورها با فشارهایی جدی مواجه خواهد شد. با روند کنونی، رشد سالانه تولید ناخالص داخلی سرانه در کشورهای توسعه‌یافته و چین تا سال ۲۰۵۰ به‌طور متوسط ۰/۴ واحد درصد کاهش خواهد یافت. در برخی کشورها این افت می‌تواند تا ۰/۸ واحد درصد نیز برسد.

ساختار سنی جوامع نیز به‌شکل قابل‌توجهی دگرگون خواهد شد. اگر در گذشته ساختار جمعیت به‌صورت هرمی با قاعده‌ای وسیع از جوانان و قله‌ای محدود از سالمندان بود، اکنون در حال تبدیل شدن به ساختاری ستونی و حتی شلغمی است که در آن، سهم سالمندان از جوانان بیشتر می‌شود. در کشورهای موسوم به "موج اول" (شامل اقتصادهای توسعه‌یافته و چین)، نسبت پشتیبانی که در سال ۱۹۹۷ حدود ۹/۴ نفر در سن کار به ازای هر سالمند بود، اکنون به ۶/۵ نفر رسیده است. نسبت پشتیبانی یکی از متغیرهای جمعیتی نظام بازنشستگی است که نسبت شاغلان به بازنشستگان را نشان می‌دهد. براساس گزارش مک‌کینزی پیش‌بینی می‌شود نسبت پشتیبانی تا سال ۲۰۵۰ به حدود ۲ نفر کاهش یابد. این تغییر، بار مالی قابل‌توجهی بر دوش نیروی کار باقی‌مانده به‌ویژه در حوزه‌های بازنشستگی، مراقبت بهداشتی و حمایت اجتماعی خواهد گذاشت.

مک‌کینزی پیش‌بینی می‌کند تا سال ۲۰۵۰، افراد بالای ۵۰ سال حدود ۳۷ درصد از کل ساعات کاری را در کشورهای موج اول به خود اختصاص دهند؛ این در حالی است که این سهم در سال ۱۹۹۷ فقط ۱۷ درصد بود. این تغییر، به‌معنای ضرورت بازطراحی سیاست‌های اشتغال، آموزش‌های مهارتی و نیز تعریف مجدد نقش و سن بازنشستگی است. الگوی مصرف نیز در اقتصادهای سالمند به‌طور قابل‌توجهی تغییر می‌کند. برآورد می‌شود سالمندان تا سال ۲۰۵۰ حدود یک‌چهارم کل مصرف جهانی را به خود اختصاص دهند. این سهم در کشورهای توسعه‌یافته به ۳۱ درصد خواهد رسید. افزایش تقاضا برای خدمات سلامت و مراقبت‌های خانگی در برابر کاهش مصرف در حوزه‌هایی مانند آموزش و تفریحات جوانان، چالشی دیگر برای سیاست‌گذاران است که باید ترکیب تولید، واردات و توزیع منابع را متناسب با این الگو بازتنظیم کنند.

در برخی کشورها، سالمندی جمعیت با پدیده کاهش جمعیت نیز همراه شده است. مک‌کینزی هشدار می‌دهد جمعیت ۲۶ کشور تا پایان قرن، حداقل یک‌سوم کاهش خواهد یافت. تا آن زمان جمعیت چین، لهستان و کره جنوبی ممکن است نصف شود. کاهش هم‌زمان نیروی انسانی و افزایش جمعیت وابسته، آینده اقتصاد این کشورها را در بخش‌های گوناگون از بازار مسکن گرفته تا سیاست‌های رفاهی، مالیات‌ستانی و آموزش تحت‌تاثیر قرار خواهد داد.

اکسیر جوانی اقتصاد

کشورهای گوناگون برای مقابله با سالمندی جمعیت به سیاست‌های تشویقی فرزندآوری روی آورده‌اند که می‌تواند مالی یا غیرمالی باشد. مواردی همچون حمایت‌های مالی و اعطای تسهیلات ازدواج و فرزندآوری در این گروه قرار می‌گیرند. حمایت‌های غیرمالی نیز شامل افزایش طول دوره مرخصی زایمان و مرخصی مشابه برای پدران هستند.

برخی کشورها برای تقویت اثرگذاری سیاست‌های تشویقی فرزندآوری، مجموعه‌ای از اقدامات مالی و غیرمالی را در پیش گرفته‌اند. دولت مجارستان برای خانواده‌هایی که فرزند سوم به دنیا می‌آورند، تا ۳۰ هزار یورو از وام مسکن را مشمول بخشودگی می‌کند. همچنین مادرانی که چهار فرزند یا بیشتر دارند، معافیت کامل مالیاتی خواهند داشت. از سال ۲۰۲۰، وام بدون بهره ۳۳ هزار یورویی به زوج‌های جوان اعطا می‌شود که در صورت تولد فرزند دوم و سوم، بخش قابل‌توجهی از وام بخشوده می‌شود. مجارستان خدمات درمان ناباروری را نیز به‌صورت رایگان ارائه می‌دهد و دوره‌های مرخصی زایمان و حمایت از مراقبت از کودکان را نیز گسترش داده است.

در استرالیا سیاست‌های حمایتی برای کاهش بار مالی فرزندآوری در نظر گرفته شده است؛ مانند پرداخت کمک‌هزینه تولد فرزند تا سقف ۵۶۰۰ دلار استرالیا، ۱۸ هفته مرخصی زایمان با حداقل دستمزد، امکان درخواست ساعات کاری انعطاف‌پذیر برای والدین و کمک‌هزینه مراقبت از کودک تا ۸۵ درصد از هزینه‌ها برای خانواده‌های کم‌درآمد.

چین که سال‌ها با سیاست‌های تک‌فرزندی برای کنترل جمعیت شناخته می‌شد، در سال‌های اخیر با رشد سریع جمعیت سالمند و کاهش نرخ باروری مواجه شده است. پس از کنار گذاشتن سیاست تک‌فرزندی، حالا خانواده‌ها به داشتن دو و سه فرزند تشویق می‌شوند. اما، به‌دلیل فشارهای اقتصادی و اجتماعی، نرخ باروری همچنان پایین باقی مانده است. در پاسخ به این وضعیت، چین مجموعه‌ای از مشوق‌ها را به اجرا گذاشته است. این مشوق‌ها شامل کمک‌هزینه مالی برای تولد فرزند سوم، افزایش مرخصی زایمان، ارائه وام مسکن و اجازه ترجیحی به خانواده‌های دارای چند فرزند است. این سیاست‌ها در گرو تغییرات جدی‌تری در سبک زندگی شهری، هزینه‌های آموزش و اشتغال زنان است.

پذیرش سالمندی جمعیت

به‌موازات تشویق افزایش جمعیت، دولت‌ها به‌طور موقت در حال تلاش برای کنترل تأثیرات اقتصادی کاهش جمعیت هستند. برخی از آنها افزایش سن بازنشستگی را به‌عنوان یک اقدام اصلاحی در این زمینه اجرا کرده‌اند در ایران نیز قانون جدید سن بازنشستگی از سال جاری اجرا خواهد شد که براساس آن، با افزایش دوره بیمه‌پردازی از ۳۰ به ۳۵ سال سابقه، سن بازنشستگی مردان به ۶۲ و سن بازنشستگی زنان به ۵۵ سال افزایش پیدا کرد.

با این حال برخی از صاحب‌نظران افزایش سن را نه یک اصلاح اساسی بلکه اقدامی برای به تعویق انداختن چالش‌های نظام بازنشستگی می‌دانند. به این ترتیب سایر اقداماتی که ناترازی مالی صندوق‌ها را برطرف می‌کنند را در اولویت‌های بالاتری قرار می‌دهند؛ مواردی همچون تغییر روش تامین مالی نظام بازنشستگی و نیز انتقال به نظام اندوخته‌گذاری برخی از این اقدامات هستند. در نظام اندوخته، پرداختی کسورات فرد در حساب شخصی او ثبت می‌شود و میزان اندوخته او به مرور زمان و به‌دلیل سرمایه‌گذاری افزایش می‌یابد. بنابراین در این نظام تامین مالی بازنشستگی، تغییرات جمعیتی و کاهش ورودی، صندوق‌ها را به چالش خواهد کشید.

کاهش نیروی کار نیز از سه راهکار قابل‌جبران است؛ نخست اینکه کشورها بتوانند بهره‌وری را به‌طور چشمگیری افزایش دهند و دوم اینکه ساعات کاری هفتگی بین یک تا پنج ساعت افزایش یابد. راهکار سوم، جذب مهاجر و نیروی کار خارجی است که با توجه به ساختار اقتصادی و ملاحظات فرهنگی- اجتماعی کشورها در نظر گرفته شود. ■

گزارش مسئولیت اجتماعی بانک خاورمیانه



بانک خاورمیانه در سال ۱۴۰۳ برای عمل به بخشی از مسئولیت اجتماعی خود، در مجموع بیش از ۷۸۰۴ میلیارد ریال به متقاضیان، تسهیلات ازدواج را اعطا کرد. به عنوان تسهیلات فرزندآوری در این بازه زمانی، بیش از ۵۰۲ میلیارد ریال به متقاضیان، پرداخت شده است. علاوه بر این، در این سال با هدف تسهیل ازدواج و فرزندآوری، بیش از ۱۵۸۷ میلیارد ریال وام ودیعه مسکن به افراد واجد شرایط اعطا شده است. در دو ماه ابتدایی ۱۴۰۴ نیز تسهیلات مسئولیت اجتماعی اعطاشده توسط بانک خاورمیانه به این شرح بوده است:



• تسهیلات ازدواج:

• بیش از ۷۶۲ میلیارد ریال

• تسهیلات فرزندآوری:

• بیش از ۳۵ میلیارد ریال

• تسهیلات ودیعه مسکن:

• بیش از ۱۰۵ میلیارد ریال

تلاش برای نروزی بهتری

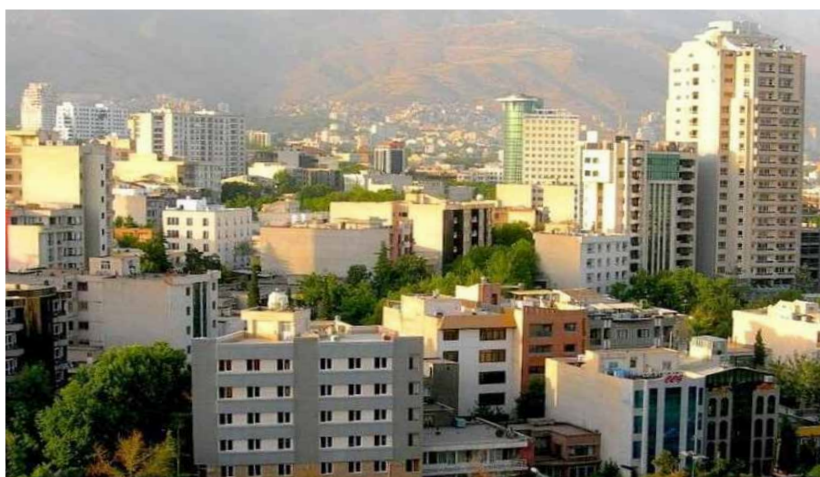
به منظور ایفای مسئولیت اجتماعی، بانک خاورمیانه همانند ماه‌ها و سال‌های گذشته (که در شماره پیشین نشریه گزارش آن ارائه شد) در اسفندماه ۱۴۰۳ نیز اقدامات گوناگونی انجام داده است. این اقدامات عبارتند از:

- حمایت مالی از موسسه خیریه مشفقین مهرگستر برای تهیه بسته معیشتی نوروز
- حمایت مالی از بنیاد نیکوکاری سلام برای تهیه بسته معیشتی نوروز
- حمایت مالی از بنیاد دست‌های مهربان برای تهیه بسته معیشتی نوروز
- حمایت مالی از برگزاری آیین نکوداشت دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

الزام ارائه خدمات بانکی به اطلاعات سکونتی



بانک مرکزی در ۱۷ اردیبهشت بانک‌ها را مکلف کرد خدمات خود (مانند افتتاح حساب بانکی و صدور دسته چک) را صرفاً با دریافت کدپستی یا شرح نشانی یکتای درج‌شده مربوط به اقامتگاه اصلی متقاضیان که در سامانه املاک و اسکان کشور ثبت شده است، ارائه کنند. کلیه دستگاه‌ها، نهادهای اجرایی و زیرمجموعه‌های آنها باید استعلامات موردنیاز اقامت و سکونت متقاضیان خدمات بانکی را از طریق سامانه ملی املاک و اسکان کشور انجام دهند. در صورت عدم خوداظهاری در سامانه مذکور، پس از دو مرتبه، از ارائه خدمات خودداری خواهد شد.



افزایش محدوده انتقال وجه بین بانکی ساتنا، پایا و پل



کف مبلغ دستورپرداخت‌های "ساتنا"، از پانصد میلیون ریال به یک میلیارد ریال افزایش یافت و سقف دستور پرداخت‌های "پایا"، از یک میلیارد ریال به دو میلیارد ریال، در یک دستورپرداخت افزایش پیدا کرد. سقف روزانه دستورپرداخت‌های "پل" نیز برای از یک‌صد میلیون ریال برای تراکنش‌های غیرحضوری به پانصد میلیون ریال و برای تراکنش‌های حضوری از یک‌صد و پنجاه میلیون ریال به یک میلیارد ریال افزایش یافت.

استفاده از برات الکترونیکی زنجیره تولید در تسویه اعتباری



بانک مرکزی استفاده از ابزار برات الکترونیکی زنجیره تولید برای تسویه اعتباری معاملات را در بستر اتاق پایاپای شرکت بورس کالای ایران فراهم کرد. این اقدام با هدف توسعه ابزارهای تامین مالی زنجیره تولید، هدایت نقدینگی به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی و تسهیل تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی اتخاذ شده است.



محدودیت بانکی در صورت عدم بازگشت ارز صادرات



بانک مرکزی با صدور بخشنامه‌ای، بانک‌های کشور را به اعمال محدودیت در خدمات بانکی برای تجار و فعالان اقتصادی در صورت عدم بازگشت ارز حاصل از صادرات، ملزم کرد. مصوبه مذکور از تاریخ سوم خردادماه لازم‌الاجرا شده است.

تسهیل در فرآیند رفع سوءاثر از چک‌های برگشتی



طبق اعلام بانک مرکزی در صورتی که بخشی از مبلغ چک در حساب جاری صادرکننده موجود باشد، صادرکننده می‌تواند با واریز مابقی مبلغ کسری به حساب و درخواست مسدودسازی کل مبلغ چک، سوءاثر را رفع کند. این اصلاحات با هدف حمایت از فعالان اقتصادی و کاهش فشار مالی بر صادرکنندگان چک صورت گرفته است.



تورم در خدمت دولت‌ها

مروری بر دیدگاه‌های
لودویگ فون میزس



آرین آقابگی

پژوهشگر اقتصاد • بانک خاورمیانه

«تورم نوعی مالیات است؛ مالیاتی که در نهایت همه باید آن را پرداخت کنیم.»
لودویگ فون میزس



تصویرسازی: آرین آقابگی

را به عنوان ابزاری در اختیار دولت‌ها برشمرده‌اند که در شرایط اضطراری بتوانند از آن بهره‌مند شوند. شواهد تاریخی نشان می‌دهد دولت‌ها در بزنگاه‌های تاریخی مانند جنگ‌ها و ناپسامانی‌های اجتماعی برای تامین مالی هزینه‌های خود به جای استفاده از روش‌های مدرن (مانند افزایش مالیات یا استقراض از طریق انتشار اوراق) به روش سومی تحت عنوان چاپ پول روی می‌آورده‌اند؛ روشی که به لطف قدرت انحصاری دولت‌ها در انتشار پول رایج برایشان فراهم شده است. این روش بیش از اینکه یک اقدام اقتصادی باشد، اقدامی سیاسی است.

دولتمردان انگلستان در دوره جنگ جهانی به رغم التزام شدید به یک نظام پولی سالم، به دلیل شرایط جنگی، برای تامین هزینه‌ها، چاپ پول را به گسترش مالیات‌ستانی ترجیح دادند. افزایش مالیات باتوجه به شرایط جنگی برای اقشار ضعیف دشوار بود و از سوی دیگر دولت همواره با این پرسش روبه‌رو بود که مالیات را در چه محلی هزینه می‌کند. استقراض از سرمایه‌داران در شرایط جنگی نیز دشواری‌های خود را داشت. بنابراین، دولت انگلستان با چاپ پول بدون پشتوانه به تامین مالی هزینه‌های خود پرداخت و پس از ایجاد تورم ناشی از این سیاست، توجه آحاد جامعه را به تولیدکنندگان منحرف می‌کرد و در نهایت مالیات بیشتری نیز از گروه دوم یعنی صاحبان صنایع که طبیعتاً محدودتر بودند، دریافت کرد.

انحصار چاپ پول موهبتی برای دولت‌هاست که علاوه بر تامین مالی هزینه‌ها، کمک می‌کند از رویارویی مستقیم با افراد جامعه مصون بمانند. میزس توضیح می‌دهد که بروز تورم‌های طولانی حالتی را پیش می‌آورد که در آن افراد یک بی‌پولی محسوس را تجربه می‌کنند، غافل از اینکه عامل آن فراوانی و چاپ بی‌رویه پول است. او توضیح می‌دهد از آنجا که افراد برنامه‌ریزی برای مانده پول نقد برای مخارج خود (تقاضا برای پول) را براساس قیمت‌های گذشته انجام می‌دهند، تورم‌های طولانی همواره آنها را به سمت نگهداری کمتر پول نقد و خرید بیشتر سوق می‌دهد؛ حتی خرید آنچه که امروز به آن نیاز ندارند یا خرید کالاهایی خارج از قیمت واقعی و بازاری آنها برای حفظ ارزش دارایی‌های خود.

پول رایج در شرایط تورمی، رسمیت و مقبولیت خود را در مبادلات روزانه از دست می‌دهد. در اقتصاد ایران، هجوم افراد به بازارهایی مانند ارزهای خارجی و کالاهایی مانند خودرو و شوک‌های ناشی از آنها از نتایج تامین مالی غیربهبه کسری بودجه دولت‌ها در سالیان دراز بوده که میزس بیش از یک قرن قبل آنها را تشریح کرده و اثرات زیان‌بار آن را گوشزد کرده است. ■

لودویگ فون میزس (Ludwig von Mises)، اقتصاددان اتریشی در زمان امپراتوری اتریش-مجارستان، یکی از آخرین و موثرترین نمایندگان "مکتب اقتصادی اتریشی" در تاریخ عقاید اقتصادی است که نقش پررنگی در شکوفایی مجدد این مکتب فکری در دهه ۱۹۳۰ میلادی در ایالات متحده آمریکا ایفا کرد. میزس تالیفات گوناگونی دارد و یکی از مهم‌ترین آنها، کتاب "نظریه پول و اعتبار" (The Theory of Money and Credit) است که در سال ۱۹۱۲ میلادی نگاشته شده است. گرچه بیش از یکصد و ده سال از تالیف این کتاب گذشته و نقد و نظرهای متفاوتی درباره آن مطرح شده، برخی مسائل مورد بحث در آن در دنیای امروز نیز بسیار ملموس و قابل تامل است. میزس در این کتاب ضمن اشاره به شکل‌ها و ویژگی‌های پول، به بررسی سیاست پولی تورم‌گرایی (Inflationism) می‌پردازد که یکی از ابزارهای مرسوم در دست دولت‌ها برای تامین مالی هزینه‌های عمومی است. او معتقد است مهم‌ترین امکانی که سیاست پولی در اختیار دولت قرار داده، قدرت و تاثیرگذاری است که این نهاد در انتخاب پول رایج در یک نظام اقتصادی دارد. این موضوع در کتاب انحصارزدایی دولتی از پول (The Denationalisation of Money) نیز توسط یکی از شاگردان میزس، فردریش هایک (Friedrich Hayek) به تفصیل بررسی شده است.

میزس ضمن اشاره به قدرت دولت‌ها در انتخاب پول رایج کشورها، اشاره می‌کند که تغییر نظام پولی ازسوی دولت‌ها و به فراخور همخوانی یا عدم همخوانی، نظام‌های پولی با سیاست‌های پولی آنها صورت می‌گیرد. او در ادامه به تورم‌گرایی به عنوان یکی از ابزارهای سیاست پولی با شرح زیر اشاره می‌کند.

به زبان ساده، تورم‌گرایی یک سیاست پولی است که هدف آن افزایش حجم پول است؛ این سیاست بدون اینکه به کاهش قدرت خرید پول توجه کند، به چاپ بی‌رویه پول بدون پشتوانه (Fiat Money) می‌پردازد. از دید تورم‌گرایان، فراوانی پول (بدون پشتوانه) یعنی ثروت.

دسته دیگری از طرفداران این سیاست، ضمن قبول آثار تورمی آن بر این باورند که کاهش ارزش پول ملی (افزایش نرخ ارز) در نتیجه چاپ پول منجر به ارزان شدن کالاهای داخلی نسبت به کالاهای خارجی شده و در نهایت به افزایش صادرات و کاهش واردات می‌انجامد و این امر به معنی تقویت تولید داخلی است. البته در این دیدگاه، اصل رقابت‌پذیری و مقبولیت کالاها و خدمات داخلی در بازارهای بین‌المللی در نظر گرفته نشده است. اما دسته سوم هواداران سیاست تورم‌گرایی، این سیاست

از نگاه شما



فرشته باغی - آبشار بیشه لرستان



تکتم گلسرخی - گردنه سر مازندران



مریم ذوالفقار - ساحل بابلسر



مرجان کاظمی - جنگل سنگده مازندران

شعب بانک خاورمیانه



برای کسب اطلاعات
بیشتر درباره شعب
QR کد را اسکن کنید.

ساختمان ادارات مرکزی

ساختمان شماره ۲:	ساختمان شماره ۱:
تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، خیابان ششم، شماره ۲۶ تلفن: ۸۸۵۰۹۸۱ (۰۲۱) - داخلی ۱۶۰۳ دورنگار: ۸۸۷۵۶۹۴۹ (۰۲۱) کدپستی: ۱۵۱۴۶۴۴۱۱۴	تهران، خیابان احمد قصیر (بخارست)، نبش خیابان پنجم، شماره ۲ تلفن: ۴۲۱۷۸۰۰۰ (۰۲۱) دورنگار: ۹۱۲۱۳۳۸۳ (۰۲۱) کدپستی: ۱۵۱۳۶۴۵۷۱۷

رسیدگی به شکایات (مدیریت بازرسی): ۴۲۱۷۸۸۸۸ (۰۲۱)	تهران، صندوق پستی: ۴۴۴۵ - ۱۵۸۷۵ www.middleeastbank.ir info@middleeastbank.ir
آشنا (مرکز ارتباط مشتریان): ۴۲۵۵۷ (۰۲۱)	

بانک خاورمیانه علاوه بر ارائه تمامی خدمات یک بانک تجاری، سایر خدمات حوزه بازار پول و سرمایه را به صورت مستقیم یا از طریق شرکت های زیرمجموعه یا وابسته، با رعایت مقررات و ضوابط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان بورس و اوراق بهادار فراهم کرده است.

شرکت کارگزاری بانک خاورمیانه

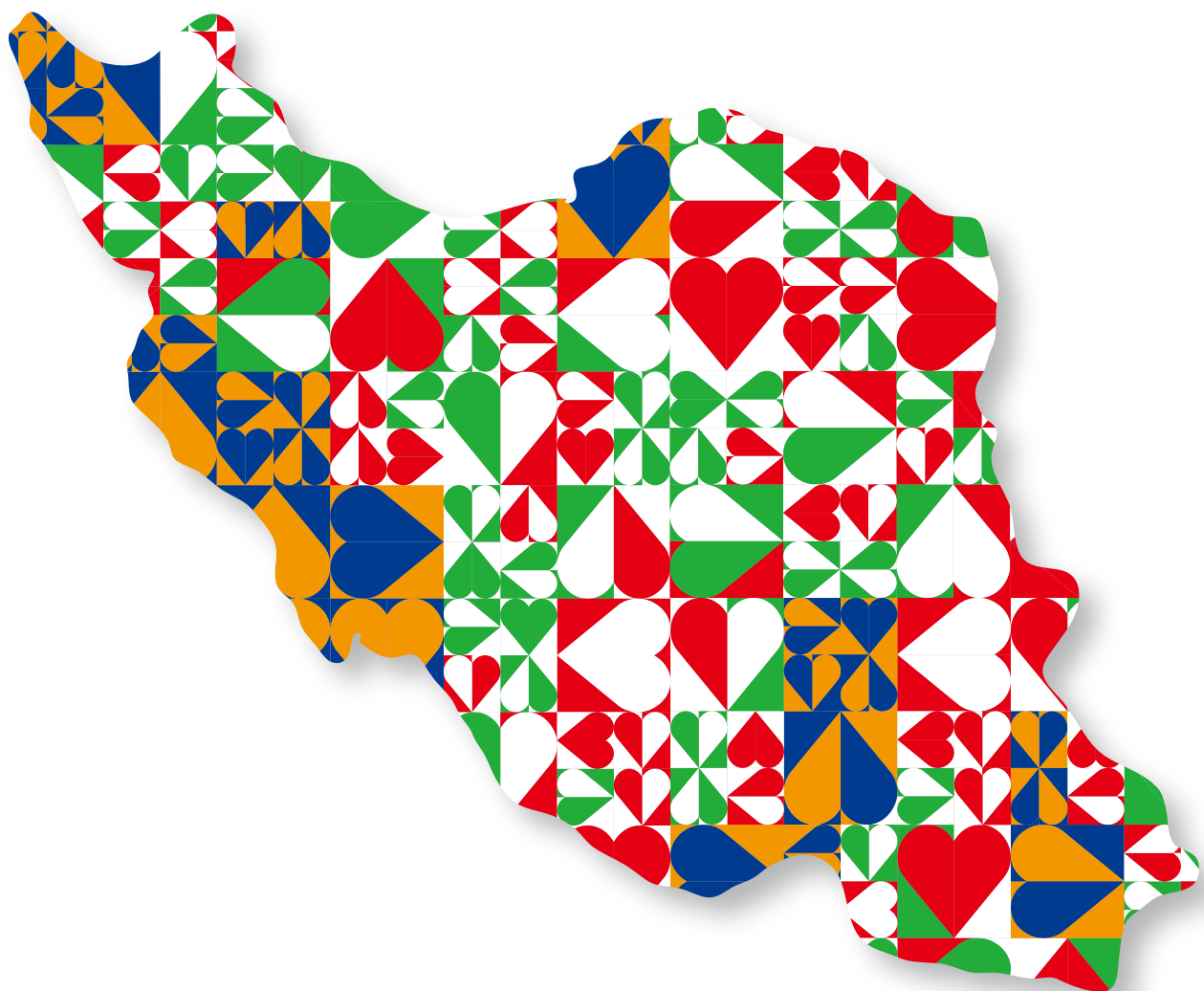
تهران، خیابان دستگردی (ظفر غربی)، بین نلسون ماندلا و ولیعصر
شماره ۲۷۷، طبقه اول
تلفن: ۵۸۴۰۵ (۰۲۱)
mebbco.com

شرکت بیمه زندگی خاورمیانه

تهران، خیابان خالد اسلامبولی (وزرا)، خیابان هفتم، شماره ۱۰
تلفن: ۴۱۳۶۳۰۰۰ (۰۲۱)
melico.ir

شرکت خدمات ارزی و صرافی خاورمیانه

تهران، میدان آرژانتین، خیابان احمد قصیر (بخارست)، خیابان هفدهم
(شفق)، شماره ۴، طبقه دوم و سوم
تلفن: ۷-۸۸۷۰۱۰۹۶ (۰۲۱)
exmeh.com



یک ایران، همدل



بانک خاورمیانه
Middle East Bank



www.middleeastbank.ir
info@middleeastbank.ir

بانک خاورمیانه ضمن ارائه خدمات نوین و پیشرو در عرصه بانکداری، در عرصه‌های اجتماعی نیز در کنار هموطنان بوده و تلاش کرده به سهم خود نسبت به رفع نیازهای فوری جامعه نقش موثری داشته باشد. این بانک به منظور عمل به مسئولیت اجتماعی در حوزه‌های آموزشی، ورزشی و درمانی، هنگام بروز حوادث نیز به یاری آسیب‌دیدگان شتافته است.

به همین منظور در کنار اقدامات حمایتی و ترویجی به فعالیت‌هایی مانند ساخت واحدهای مسکونی، تامین اسکان موقت (کانکس)، تهیه تجهیزات گرمایشی و اقلام غذایی و دارویی برای آسیب‌دیدگان، اقدام کرده‌ایم. ما همواره می‌کوشیم ضمن ارائه و پشتیبانی ۲۴ ساعته خدمات بانکی به مشتریان گرامی، به بازسازی و آبادانی کشور عزیزمان نیز کمک کنیم.